

سلام،

همانطور که درخواست کرده‌اید، سه کاف بصورت پی دی اف، تقدیم شما میشود. این هم شماره ۲۹ و تازه‌ترین شماره سه کاف. امیدواریم که بیسندید.

خواهشی که داریم این است که نهایت سعی خود را کرده و سه کاف را بدست تعداد هرچه بیشتری از دوستان و نزدیکان خود برسانید. شاد باشید.

سه کاف

=====

۱- دیدار در پارک لاله

خوب، با شرکت نکردن تو انتخابات، ملت نشون داد که ما خر نیستیم، یعنی یکبار تو خرداد ۷۶ رای دادیم که یه مشت تو دهن خامنه‌ای بزنیم و ببینیم که خاتمی کاری میکنه یا نه، اما این سید خندان هم که همش موعظه میکرد و هی حرفای قشنگ میگفت اما سر بزنگاه که میشد، همیشه نشون میداد که سرش تو توپره بقیه آخوندهاست.

پس همه ناامید شدن و تو انتخابات اخیر شرکت نکردن که نشون بدن ما به وعده و حرف کار نداریم و عمل می‌خواهیم.

اما باور کنین یا نه، این حرکت مردم، آب تو خوابگه مورچگان انداخته و رژیم حسابی روحیه خودشو باخته و تو حالت دفاعی قرار گرفته. این بهترین فرصت برای ملت است که هجوم خود را شروع کند و با استفاده از هر فرصت ممکن، مردم به خیابونا بیان و اعتراضات خودشونو نشون بدن و هی رژیم رو به عقب‌نشینی وادار کنن. این رژیم حالا حسابی زخمی و ضعیف شده اما اگه فرصت بیاره، دمار از روزگار همه درخواهد آورد، پس نباید به آن فرصت داد. برای اینکار باید فشار خود را بر آن هرچه بیشتر کنیم.

فرصت‌ها زیاد است، اولین آن دو روز دیگر ۱۷ اسفند (هشت مارس) و روز جهانی زن است.

حدود ۹۴ سال است که زنان همه‌کشورها این روز را بعنوان روز همبستگی و تجدید عهد در تلاش و مبارزه برای آزادی و برابری جشن میگیرند.

۲۴ سال است که جمهوری اسلامی زنان ما را از برگزاری چنین روزی محروم و بدتر از آن حجاب اجباری را هم بر زنان و دختران تحمیل کرده‌اند. حجاب نشانه‌ پیروزی فرهنگی قرون وسطایی آخوندها بر دستاوردهای مبارزات زنان و کل مردم ایران است که توانستند با زور چماق و اسید پاشی آن را بر زنان ایران تحمیل کنند. تا زمانی که حجاب اجباری هست،

از آزادی جنسی خبری نخواهد بود.

اما زنان و مردان بیدار ایرانی هیچوقت از اعتراض و سرپیچی از قوانین حاکمان باز نایستاده‌اند و بخصوص روز همبستگی زنان را به اشکال مختلف برگزار کرده و رژیم را هرچه بیشتر به عقب رانده‌اند. امسال مراسم ۱۷ اسفند به صورت یک گردهمایی عمومی در ظلع جنوبی پارک لاله تهران (دور استخر) برگزار میشود (از ساعت ۴ تا ۳ بعد از ظهر). این مراسم از سوی یک سازمان غیر دولتی تدارک دیده شده است. **سه کاف از همه خوانندگان خود و بخصوص سه کاف‌ها در تهران و حومه تقاضا می‌کند که برای آزادی جنسی، حمایت از برابری زن و مرد، نشان دادن نارضایتی خود از اوضاع و برای نشان دادن عزم خود جهت تغییر شرایط در گردهمایی روز ۱۷ اسفند در پارک لاله شرکت کنند.** از همین حالا برای آن روز برنامه بریزید، دوستان، همکلاسیها، خواهر، برادر و همکاران خود را برای شرکت دعوت کنید، در هر جا که میتوانید این را هم تبلیغ کنید و دیگران را دعوت کنید که به پارک لاله بیایند.

البته ممکن است که رژیم از ترس، مانع برگزاری این مراسم شود و یا از شرکت پسران و مردان در آن جلوگیری نماید، اما نترسید، حتی اگر اجازه برگزاری مراسم را هم لغو کنند، در اطراف پارک لاله جمع شوید و به تجمع خود حالت اعتراضی دهید، اگر ماموران اجازه ورود به محل را ندادند و حتی درخواست ملایم شما را هم رد کردند، عقب ننشینید. در تاریخ ما هرچی رهبر انقلاب بوده، همه مرد بوده‌اند، کسی چه میداند، شاید اینبار قرعه رهبری به اسم زنان ما بیفتد و یک زن ایرانی رهبر انقلاب جدید ما بشود. این بهترین و زیباترین حرکت ما ایرانیان خواهد بود. همچنین خبر میرسد که در شهرهای دیگر ایران از جمله اصفهان، تبریز، سنندج، اهواز، شیراز و مشهد هم قرار است مراسمی برگزار شود. و از قرار معلوم هموطنان خارج هم بطور همزمان در کشورهای مختلف جهان گردهمایی خواهند داشت.

حرکت بعدی هم چهارشنبه سوری است که در همین شماره مطلب جداگانه‌ای درباره آن نوشته‌ایم.

دیدار در روز شنبه ۱۷ اسفند در پارک لاله.

۲- یک شب سه کافی (قسمت دوم)

از دوستانی که قسمت اول این مطلب را خوانده‌اند، خواهش میکنم ابتدا قسمت اول آن را در شماره قبلی سه کاف بخوانند و بعد این قسمت را مطالعه کنند.

بهر حال در شماره قبلی تا آنجا نوشتم که بعد از دراز کشیدن روی

از لای لبهای کس اش به سوراخش رساندم، دیدم که بله، حسابی خیس است، از فرصت استفاده کردم و دو انگشتم را دادم تو و همزمان با عقب-جلو کردن انگشتانم با انگشت شستم هم چوچوله اش را نوازش میکردم. نمی دانم از شدت لذت بود یا از خجالت که دیدم زهره صورتش را با هر دو دستش پوشاند. اما آه و اوه و حرکات تنش نشان از لذت او میداد. خیلی خوشحال بودم که موفقیت خودم را میدیدم و میخواستم ادامه دهم، پس برای غافلگیر کردن زهره، باسنش را روی تخت گذاشتم، پاهایش را کمی بلند کردم و با حرص تمام، زبانم را بحالت بهن شده و با فشار روی کس اش گذاشتم، طوری که بینی ام درست در بالای دروازه و روی چوچوله اش قرار گرفت. حالا داشتم هم بهشتی او را می لیسیدم و هم با دماغم در بهشتی اش یعنی چوچوله اش را تحریک میکردم. زهره دیگر طاقت نیاورد و با حرکتی سریع به موهایم چنگ زد و حین کشیدن موهایم، سرم را بیشتر به آلت خودش فشار میداد. کیر خودم آنچنان شق شده بود که ممکن بود هر آن منفجر شود، اما دلم نمی خواست کار را تمام کنم. میخواستم کار را طولانی تر کنم. این بود که پاهای زهره را گرفته و یواش او را روی شکم برگرداندم و رفتم بالا، طوری که کیرم درست روی باسن اش قرار گرفت.

از پشت گردنش شروع به بوسیدن و لیسیدن کردم و راهم را تا باسن اش ادامه دادم اما خیلی یواش و با حوصله. به باسن اش که رسیدم، دیگر طاقت نیاوردم، سعی کردم خودم را از هر قیدی فارغ کنم، میخواستم برای اولین بار کون زهره را هم بلیسم. به همین دلیل دو دستم را روی قنبلهای کونش گذاشتم، آنها را از هم جدا کرده و روی کونش خم شدم. دایره سوارخ کونش را اولین بار بود که میدیدم. زبان را درست در مرکز سوراخش گذاشتم و شروع کردم به لیسیدن، جالب اینکه هیچ بوی بدی هم نمی داد، هر وقت یک حرکتی را میکردم، حواسم هم بود که حرکت بعدی چی باید باشد، به همین دلیل انگشت شستم را به دهانم در مرکز کونش نزدیک کرده و درست روی مرکز سوراخش گذاشتم حالا چهار انگشت دیگر دستم آزاد بودند، کس اش هم در زیر و به فاصله چند سانتی بود، به همین دلیل انگشتان اشاره و وسط دستم را هم وارد سوراخ کس اش کردم. اینکار واقعاً برایم لذت آور بود. حالا با یک دست هم کون زهره را مالش میدادم و هم کس اش را با دو انگشت می گانیدم. حس کردم که زهره، برای مدت کوتاهی سکوت کامل کرد ولی صورتش را در بالش قایم کرده و به آن چنگ میزد.

آنچنان حشری بودم که حس کردم بدون آنکه به کیر خودم دست بزنم، هر آن ممکن است که آبم بیاید، اما من هنوز کار داشتم. کمی هم احساس خستگی میکردم. رفتم و کنار زهره دراز کشیدم و او را روی خودم کشیدم. شروع کرد به بوسیدنم، کیرم را با دست راست به کس اش نزدیک کردم

و دادمش اون تو و زهره را روی خودم کشیدم طوری که کیرم در درونش ولی رو به سمت شکمم بود، دو پهلوی زهره را گرفتم و حین عقب جلو بردنش، میخواستیم کار را تمام کنم، زهره سرش را که کمی بلند کرد، چشمم به دو پستانش افتاد، شروع کردم به خوردن یکی از پستانش و هی تنش را روی کیرم عقب جلو میبردم. تنها به فاصله کمتر از یک دقیقه آیم با فشار داخل زهره خالی شد. رویم افتاد و شروع کرد به بوسیدن و نوازش صورت و موهایم. قلبم بشت می زد، احساس غرور و شادی می کردم. در این سن و سال توانسته بودم سکس بی سابقه و خوبی با زنم داشته باشم، اما این تازه اول کار بود. ما تازه میخواستیم همدیگر را کشف کنیم. قبل از خواب به این فکر می کردم که سه کاف را به زهره معرفی کنم. بخصوص که قبل از خوابیدن با طعنه به من گفتم اینهمه سال کجا بوده ام. مطمئن هستم که زهره این نوشته مرا بزودی در سه کاف خواهد خواند.

۳- ستون فرهاد ۱۸ ساله

حالا که سه کاف در همه موارد مطلب دارد، خوب است که ستونی هم مخصوص جوانان داشته باشد. من خودم ۱۸ ساله هستم و می خواهم از این به بعد درباره گروه سنی خودم بنویسم. شما هم میتوانید مطالب خود را ارسال کنید.

من در میان دوستانم فقط دو نفر را می شناسم که با والدینشان راحتند، یعنی مسائل خود از قبیل دوست دختر یا دوست پسر داشتن را با والدین خود مطرح میکنند، ولی بقیه که تعداد آنها به دو-سه برابر اینها میرسد، اینطوری نیستند.

به نظر من، این کار درستی نیست و میتواند علل مختلفی داشته باشد؛ مثلاً پدر یا مادر خیلی خیلی مذهبی اند یا تفاوت سنی میان آنها زیاد است و دلایل زیاد دیگر.

ولی بهتر است که ما با این مسئله مبارزه کنیم، نه اینکه مثلاً با آنها قهر کنیم، نه..... بلکه بیاییم درست و حسابی و با مقدمه چینی مناسب حرفهایمان را بزنیم و مشکلات خود را بگوئیم. من کسی را می شناسم که وقتی با دختری دوست شد، پدرش همیشه به او پول می داد و او را تشویق میکرد که برای آن دختر کادو بخرد. ولی در مقابل دختری را هم می شناسم که وقتی به مادرش گفت من با پسری با این مشخصات دوست شده ام، آن مادر بعد از آن موضوع چنان آن دختر را کنترل میکرد که آن پسر و دختر مجبور شدند دور دوستی اشان خط بکشند.

من نمی دانم که کدام راه درست است!! اینکه ما جوونها با پدر و مادر خود یکی باشیم و راز خودمان را به آنها بگوئیم یا اینکه بچه ها با والدین

خود مخالف باشند؟ ولی خوشحال میشوم که نظرات شما را بدانم. در اینجا مسئله‌ای بسیار مهم قابل ذکر است. همانطور که خودتان مطمئناً می‌دانید در حال حاضر وضع جامعه ما آنقدر خراب است که از جهاتی باید به والدین حق داد و چون آنها نسبت به دوست ما شناختی ندارند، خوب مخالفت میکنند و این مسئله برمیگردد به جوانان عزیز (بخصوص به پسرها) که بعضی از آنان خیلی مزاحم دخترها میشوند و این مسئله هم تقصیر جوانان نیست بلکه باز هم برمیگردد به این حکومت که خودتان بهتر اوضاع آن را میدانید. ولی در کل قصدم از همه این حرفها این بود که بیایم اندکی فکر کنیم و این مشکل را برطرف کنیم. راستی برای شماره بعدی این ستون برایم مواردی که به نظرتان مهم است و یا حرفهایی که در دلتان سنگینی میکند را بگوئید و گرنه امکان دارد برای شماره بعدی حرفی برای زدن نداشته باشیم. به امید روزی که نه پدری با پسری سر این مسائل مشکل داشته باشد و نه مادری با دخترش سر چنین موضوعی قهر کند..... شاد و سربلند باشید. فرهاد

۴- مطب دکتر امیر

-

عفونت قارچی زنان

دستگاه تناسلی زن، مانند سایر ارگانهای بدن دچار مشکلات و بیماریهایی میشود. یکی از این بیماریها که بسیار شایع است، عفونت زنان است. این عفونت‌ها شامل:

۱- عفونت قارچی

۲- عفونتهای باکتریایی

۳- عفونتهای انگلی

۴- عفونتهای ویروسی

میباشند.

عفونت قارچی شایع‌ترین نوع عفونت در دستگاه تناسلی زنان میباشد، و سعی میکنم در این مقاله این مسئله را توضیح دهم.

تمام دستگاه تناسلی زن میتواند دچار عفونت شود، اما معمولاً فقط به عفونت واژن (Vaginitis) عفونت زنان گفته میشود که از علائم آن لکوره Leukorrhea میباشد.

عفونت قارچی در زنان بعلت مخمری بنام کاندیدا آلبیکنس میباشد و برای همین هم به عفونت قارچی اغلب کاندیدیازیس واژن میگویند. این مخمر ساکن طبیعی

روده‌های انسان است و روی پوست هم یافت میشود، و آلودگی از این منابع شایع است (یعنی این همان علت شایع بودن بیماری است). این بیماری صرفاً مقاربتی نیست، یعنی در دخترانی که آمیزش نداشته‌اند هم دیده میشود. این مسئله به علتی که قبلاً ذکر شد (وجود عامل در دهان، روده و روی پوست) میباشد، یعنی حتی کسی که رابطه جنسی هم نداشته بخاطر آلودگی واژن با مدفوع و... ممکن است بیمار شود.

علائم بیماری:

۱- احساس خارش و التهاب در ناحیه مهبل و فرج که اغلب قبل از قاعدگی شدت می‌یابد.

۲- ترشحات مهلبلی که رقیق، بدبو، سفید رنگ و تکه تکه است.

۳- ادرار کردن درناک است.

۴- آمیزش جنسی درناک است.

تشخیص بیماری:

اینکار به عهده پزشک است و بهتر است هیچگاه خود بیمار سعی نکند که بیماری را تشخیص دهد.

درمان بیماری

نوع دارو را پزشک، با توجه به نوع و میزان عفونت تعیین می‌کند اما عموماً درمان شامل استفاده از داروهای زیر است:

۱- قرص واژینال نیستاتین

۲- کرم یا قرص واژینال کلوتریمازول

۳- کرم واژینال مایکونازول

پیشگیری از ابتلا

برای پیشگیری از ابتلا به عفونت قارچی باید:

۱- از مصرف طولانی مدت داروهای ضد آبستنی خودداری کنید

۲- اصول بهداشت فردی را رعایت نمائید

۳- اصول بهداشت جنسی را هم رعایت کنید

۴- از لباس زیر نخی و پنبه‌ای (خالص) استفاده کنید.

شاد باشید.

۵- حسین خوش تیپ ۵۵ ساله و پسر ۲۹ ساله

یک روز طبق معمول میخواستم تاکسی بگیرم. مردی با قد بلند و موها و سبیل کاملاً سفید آنطرفتر ایستاده بود و او هم ظاهراً منتظر تاکسی بود. نگاهش که کردم خیلی خوش تیپ به نظر می‌آمد. قبل از سوار شدن، متوجه شدم که هی به من نگاه میکنه ولی زیاد اهمیت ندادم، تا اینکه جلوی یک تاکسی

دست بلند کردم. تا کسی که کمی جلوتر ایستاد، این مرد خوش تیپ که بعدها فهمیدم اسمش حسین است، قبل از من سوار تاکسی شد. خانمی هم روی صندلی جلو نشست، پس در پشت تاکسی پیش حسین نشستیم. اول از من فاصله گرفت ولی سر پیچها مثلاً به خاطر سرعت ماشین به من می چسبید تا اینکه به بهانه دست کردن توی جیوش، دستش رو گذاشت کنار پام و به من نگاه کرد تا عکس العمل منو ببینه. چیزی به روی خودم نیاوردم، آروم آروم شروع کرد به مالیدن پام و زیر چشمی من و بقیه سرنشینان تاکسی رو می پائید. اول میخواستم مانع بشم ولی لامصب اونقدر خوب میمالید و خودش هم جذاب بود که دیگه چیزی نگفتم، مخصوصاً که دیگه یواش یواش دستش رو رسونده بود لای پاهام. وقتی که از من عکس العملی ندید و فهمید که من هم بدم نیومده، خواست که زیپ شلوارم رو هم باز کنه که دستشو گرفتم و یواشکی به دیگران اشاره کردم، منظورم را فهمید و از زیر سیل چخماقی اش لبخندی تحویلیم داد.

با هم پیاده شدیم و کمی قدم زدیم تا اینکه سر صحبت رو باز کردم و اسم و سن او را پرسیدم. همانطور که حدس میزدم ۵۵ سال سن داشت. او هم از سن و اوضاع من جو یا شد که بهش گفتم ۲۹ سالم است.

خلاصه کمی با هم گپ زدیم و در آخر هم شماره موبایل رد و بدل کردیم و آخر سر هم موقع خداحافظی به پیشنهاد او رفتیم توی آسانسور یک ساختمان تجاری و از هم لب گرفتیم؛ چه لبی شیرینی داشت و چه حالی میداد. زبونم رو طوری می مکید که انگار داره بستنی میخوره.

خلاصه اون روز، کیر هر دو تامون تو شلوار ورم کرده، از هم جدا شدیم. تا اینکه چند روز بعدش بهم زنگ زد و منو به خونه خودش دعوت کرد. گفت که خانم رو فرستاده دنبال نخود سیاه و تنها پسرش هم از دواج کرده و مطمئن بود که کسی نمی آد. اولش مردد بودم و راستش زیاد بهش اعتماد نکردم ولی دل به دریا زدم و رفتم. سر راه هم از داروخانه یک بسته کاندوم و یه کرم بی حس کننده خریدم، کسی چی میدونه؟ شاید بدرد بخوره.

حسین با روی خوش از من پذیرایی کرد و خیلی سریع رفت سر اصل مطلب. یعنی اومد و کنارم نشست و شروع کرد به مالیدن تخمام. گفتم اونروز تو تاکسی داشتی زپیم رو باز میکردی ولی حالا که کسی نیست، از رو شوار میمالی؟ خندید. پا شد، درخونه رو قفل کرد تا اگه احیاناً کسی بیاد، نتونه سرشو بندازه پائین و همینطوری بیاد تو، بعدش اومد و آروم شلوارم رو در آورد، کیرم از زیر شرت داشت خودشو به در و دیوار میزد تا آزاد شه.

قبل از اینکه سراغ شرتم بره، اول پیراهنم رو در آورد، من هم در همان حال پیراهن او را در آوردم، چه هیکل گوشتی و خوبی داشت. با اینکه ۵۵ سالش

بود ولی بدنش بی چین و چروک و پوست زیبایی داشت. با دیدن هیلک قشنگ و سکسی حسین هم حشری بودم بیشتر شد و هم کیرم شق تر. معطل نکرد و شرتم رو کشید پائین و کیرم ر تا ته کرد تو دهنش. صحنه‌ای برایم باور نکردنی بود. یه مرد مو سفید داره بر ایه جوون که نصف خودش عمر داره، ساک میزنه، ولی نگو که چه حالی می‌داد.

بعد از کمی ساک زدن بلند شد و شلوار و شرت خودش را هم درآورد، جای شما خالی، چه کیر و کون قشنگ و تمیزی داشت. پشما ی نتراشیده هم مثل هاله‌ای نورانی کیر و کونشو احاطه کرده بود. دیگه حسابی داغ شده بودم و نمی‌دونستم که چیکار بکنم. اما قبل از اینکه کاری بکنم، کیرشو آورد جلو صورتم و گفت حالا نوبت توست.

آروم کیرشو کردم تو دهنم و آهسته عقب-جلو میبردم. می‌دیدم که حسین چشاشو بسته و آه میکشه. با یه دستم شروع کردم به مالیدن سینه‌هاش، نرم و تمیز بودن. آنقدر با نوک سینه‌هاش بازی کردم که سفت شدن، همزمان هم کیرش هی سفت تر میشد. آه و ناله‌اش بلند شده بود. کیرشو از دهنم درآوردم و رفتم سراغ کونش و گفتم که خم شه. خم شد و دستاشو گذاشت رو لبه میل. یه کم لوسیون لا کونش مالیدم و با دستمال خشکش کردم. بعد با دو دست لمبرهای کونشو از هم باز کردم و شروع کردم به لیسیدن سوراخ‌اش. حالا نلیس و کی بلیس! حسین داشت همچنان آه و ناله میکرد و سوراخ کونش هم مثل غنچه باز شده بود و من هم زبانم رو تا آنجا که میتوانستم، میکردم تو کونش و دور سوراخشو می‌لیسیدم. احساس میکردم که هر چه می‌لیسم، سوراخش شل تر و نرم تر میشه. انگشتمو یه کم تف زدم و گذاشتم دم سوراخش و یه ذره فشار دادم. حسین نگاهی به عقب انداخت ولی اعتراضی نکرد، آروم آروم انگشتمو تا ته کردم تو و شروع کردم عقب-جلو بردن و بعد با دو انگشت اینکار رو کردم. حالا دیگه سوراخ حسین کاملاً باز شده بود، یه کاندوم برداشتم و سریع رو کیرم کشیدم. اما حسین گفت که حالا نوبت منه!

پشتم رو بهش دادم و قنبل کردم. او هم با لوسیون کمی لاپا و کونم را تمیز کرد و دهن خودشو به کونم رسوند. تموم کونم رو لیسید و پشمامو با زبونش شونه میکرد. با انگشت یه دستش سوراخمو میمالید و تحریکش میکرد و با دست دیگه‌اش کیر خودشو میمالید، احساس میکردم که بدنم داره منقبض میشه، سوراخ کونم حسابی تحریک شده بود و فکر کردم که هر لحظه ممکنه که آبم بیاد. حسین هم ول کن نبود و هر لحظه زبونشو بیشتر میکرد تو کونم. دیگه واقعاً داشتم می‌اومدم که حسین

سریع از جاش بلند شد و یه ورق روزنامه رو از رو میز برداشت و آب سفیدش رو ریخت روش و بعد ولو شد. برگشتم و یه کم کرم بی حس کننده زدم و یه کاندوم دیگه رو کیرم کشیدم و بهش گفتم که قنبل کنه. سوراخش دوباره سفت و تنگ شده بود، کلی باهاش بازی کردم و انگشتمش کردم تا دوباره نرم شد. سر کیر کاندوم زده‌ام رو گذاشتم دم سوراخ کون حسین و یواش دادم تو. حسین دوباره جان گرفت و آه و ناله رو شروع کرد و بعد از چند لحظه زبونش باز شد: تا ته بکنش تو، آره، محکمتر بکن، منو بکن، کونمو بگا، محکمتر..... این حرفاش خیلی حال میداد و من هم با شدت هرچه بیشتر تلمبه میزدم. دیگه داشتم می‌مردم ولی مگه آبم می‌اومد؟ این کرم که زده بودم کار خودشو کرده بود و دم و دسگاه رو از کار انداخته بود.

آخرش مجبور شدم که برم دستشویی و کیرم رو بشورم و باز هم یه کاندوم تازه بزنم. ایندفعه از پهلو کردمش و اینبار پستوناشو رو هم میمالیدم و ازش لب می‌گرفتم و انگشتمو می‌کردم تو دهنش تا مک بزنه. آخر سر، فهمیدم که سرم گیج رفت، داشتم بیهوش می‌شدم که آبم با فشار اومد ولی سریع کیرمو کشیدم بیرون که اون تو نریزه. حالا نوبت حسین بود که منو جمع کنه؛ منو برد و رو تختش خوابوند و اول بدنم رو حسابی مالش داد، بعد سرشو گذاشت رو سینه‌ام و با هم دو سه ساعتی خوابیدیم.

۶- هنر بوسیدن و معاشقه

تحریک کردن و برانگیختن حس هوس خود و طرف مقابل با کمک بوسه‌های داغ، گفتن و رد و بدل کردن حرفهای عاشقانه و یا کلمات سکسی تحریک آمیز (و یا هر نوع جملات و کلماتی که هر دو طرف را حشری میکند) مسئله مهمی در امر عشقبازی و سکس بحساب می‌آید اما خیلی‌ها بسادگی از کنار این مسائل می‌گذرند و نمی‌دانند که چه چیزی را از دست می‌دهند. عدم اعتماد متقابل دو شریک جنسی در رختخواب در خیلی از مواقع ناشی از این است که آنها گرمی، محبت و عشق را از هم دریغ میدارند

کلاً پوست و لب‌ها مناطق حساس بدن هستند که با به خدمت گرفتن آنها و تحریک کردن، میتوان شرر به جان طرف ریخت و خود سرشار از لذت شد. برای دو نفری که میخواهند شریک جنسی هم باشند، کشف مناطق حساس بدن خود و طرف مقابل، از طریق روش تجربه و خطا، صحبت کردن با هم

و با کمک هم یافتن این نقاط حساس در بدن، بسیار ضروری است و میتواند جهان تازه‌ای از لذت جنسی و نزدیک کردن دو نفر به هم را به روی آنها بگشاید.

سکس تنها دخول و تلمبه زدن نیست، کسانی که چنین تفکری دارند، یا بی تجربه‌اند یا هنوز معنی لذت و سکس و حشری کردن و حشری شدن را نمی‌دانند. با معاشقه طولانی تولید هورمون‌ها در بدن تحریک میشود. هنگام نزدیکی جنسی و سکس، فقط به تلمبه زدن و ارگاسم زودرس نپردازید، اصلاً عمل دخول را در ذهن خود کنار بگذارید، خود بخود نوبتش که رسید، از راه می‌رسد، در عوض سعی کنید تمام بدن طرف را نوازش کنید و بگذارید که او هم با دستها و زبان خود به کشف بدن خود شما بپردازد. و یادتان باشد که از در اوائل کار از تحریک آلت تناسلی خود و طرف مقابل خودداری کنید. یادتان باشد که در امر بوسیدن، نوازش و تحریک تنها کسی که مورد نوازش واقع میشود، لذت نمی‌برد بلکه نوازش کننده هم تحریک میشود و از کار خود لذت می‌برد. مسئله مهم دیگر اینکه خیلی از پسران و مردان فکر میکنند که تنها مرد باید زن را نوازش کند، اما این درست نیست، نوازش و تحریک باید دوطرفه باشد.

هنر بوسیدن

بوسه و نوازش لازمه یک عشق گرم و آتشین است و گرنه صرف سکس را آدم میتواند با هر کسی داشته باشد بدون آنکه واقعاً عاشق طرف باشد. (این امر بخصوص در مورد مردان صدق میکند- بخاطر تفاوت‌های سکس مردان و زنان که از حوصله این مقاله خارج است.) خیلی‌ها با بوسیدن اصلاً رابطه خوبی ندارند و یا حتی نمی‌دانند که چگونه باید طرف خودشان را ببوسند یا لب بگیرند و در هماغوشی خود با یک نفر دیگر اصلاً بوسیدن و نوازش کردن را فراموش میکنند. (یا کنار می‌گذارند.) دو انسان زمانی بوسه، آنهم از نوع داغ و آتشین آن، با هم رد و بدل میکنند که به هم احساس عمیق دارند. بوسیدن فرزند توسط والدین، یا بوسیدن دوستان معمولی، بوسه نیست، بلکه ماچ کردن است برای نشان دادن احساس دوستی و محبت بدون آنکه ربطی به سکس داشته باشد. بوسه تنها بین دو شریک جنسی، دو عاشق، که به هم احساس عمیق دارند، رد و بدل میشود.

ممکن است کسانی باشند که فکر کنند، بدن و یا هیکل خوبی ندارند و به همین دلیل دوست نداشته باشند یا می‌ترسند که طرف بدن آنها را نوازش

کند و زشتی بدنشان را ببینند، اما اصلا اینطور نیست، ضرب‌المثل لیلی را از چشم مجنون بنگرید، فراموش نکنیم و این را بدانیم که رد و بدل کردن بوسه‌های آتشین و اروتیکی در یک معاشقه امری است بسیار حیاتی. با ممانعت ما از نوازش کردن طرف یا جلوگیری از مورد نوازش واقع شدن از سوی شریک جنسی، هم خود را از لذت و شرر و حال کردن محروم کرده ایم و هم طرف را، امر نوازش و بوسه در نزدیکیتر کردن دو نفر به هم و برقراری ارتباط حسی و درونی به هم و حتی ارتقا حس احترام آنها به هم، نقش والایی دارد. هستند کسانی که برای طفره رفتن از بوسیدن بهانه می‌آورند، مثلا با خود میگویند که طرف بلد نیست اینکار را بکند، یا دهان طرف بو می‌دهد. پس دوش گرفتن قبل از هماغوشی و مسواک زدن را فراموش نکنید، مسئله بلد بودن؟؟؟؟ بله میتوان با کمی تمرین، بوسیدن را یاد گرفت، به این هم خواهیم رسید. در اهمیت بوسیدن هر چه گفته شود، باز هم کم است، فقط اشاره‌ای بکنیم و بگذریم: هستند کسانی که (بخصوص بعضی از زنان) که در یک هماغوشی حاضرند ساعتها صرف بوسیدن و معاشقه کنند، مسئله دیگر اینکه گاهی اوقات یک هماغوشی میتواند تنها در بوسه‌های داغ و آتشین و نوازش کردن خلاصه شود و لزومی به دخول و به قول معروف تلمبه زدن نباشد.

یادگیری بوسیدن

همانطور که در بالا اشاره شد، بوسه و بوسیدن را میتوان یاد گرفت، فقط کمی تمرین لازم است. برای تمرین هم به یک شریک لازم ندارید؛ سر فرصت، رلکس و بدون استرس در خلوت، پشت دست خود را به دهانتان نزدیک کنید، زبان خود را کمی جلو بیاورید طوری که پشت لبهایتان قرار بگیرد، لبها را آرام به پشت دست خود برسانید، لبهای نرم (و کمی مرطوب) و رلکس شده خود را (با فاصله از هم) روی پشت دست متمرکز کنید، زبان خود را بیرون داده طوری که به پشت دست شما برسد و بعد با کمی فشار سطح پشت دست (در فاصله‌ای که دو لب شما از هم قرار گرفته‌اند) را با زبان خود بلیسید. حین کار، اینجا و آنجا، کمی پوست دست خود را مک بزینید، حالات لیسیدن را عوض کنید و... اینکار به شما تجربه می‌آموزد که در برخورد با یک شریک جنسی چگونه عمل نمائید.

هنگام نزدیک شدن به طرف خود، او را ببوئید، بعد ببوسید، لبهای بالایی و پائینی طرف را جداگانه ببوسید، مک بزینید و یادتان باشد که هیچ عجله‌ای بخرج ندهید، بعد هر دو لب طرف را همزمان ببوسید، بعد از مدتی زبان خود را یوش لای لبهای طرف قرار داده و بطور ملایم به درون دهانش فشار دهید و با زبان خود

قسمتهای داخل دهان و زبان او را نوازش کنید، بلیسید. میتوان سر طرف را با دو دست گرفت (نه طوری که طرف بترسد یا او را خفه کنید) و زبان خود را تا آنجا که میتوانید به حلق او بفرستید، به طرف فرصت نفس کشیدن را بدهید، با عقب جلو کردن زبان خود در دهان او، با زبان خود دهان طرف را بگائید، اجازه دهید که او هم زبان شما را بلیسد و مک بزند. اینگونه دهان گائیدن زبانی، حس شوری در دو طرف ایجاد میکند که باید آن را چشید و مزه کرد بوسه باید با احساس و طولانی باشد و نباید بسادگی از آن گذشت، بوسه باید پرهوس و پر شرر باشد، همانطور که گفته شد، بوسه‌های خود را تنها به لب و دهان طرف خلاصه نکنید. بوسیدن، لیس زدن و نوازش باید شامل حال تمام قسمتهای پوست بدن طرف شود. در امر بوسیدن و نوازش کردن موهای سر، گوش‌ها، لاله گوش و اطراف آن، داخل گوش (با زبان خود)، زیر گلو، تمام فاصله سر تا شانه‌ها، تمام صورت، نوک پستانها (چه مرد و چه زن)، دست‌ها، انگشتان (و حتی لیسیدن و مکیدن تک تک انگشتان)، پشت دست، کف دستها و ادامه کار به قسمت داخلی ساعد (پشت و روی آن)، ماهیچه‌ها، زیر بغل، شکم، پهلوها، لمبرها و باسن، کشاله ران، اطراف رانها، قسمت زیر زانو، پاها و حتی لیسیدن و مکیدن انگشتان پاها را فراموش نکنید. بعد از طرف خود بخواهید که روی شکم بخوابد، کار بوسه و نوازش را اینبار از فرق سر شروع کنید و به پشت گردن، شانه‌ها، پهلوها، و همینطور رو به پائین تا انگشتان پا ادامه دهید. بعد دوباره میتوان از پائین به بالا رفت. ابتکار به خرج دادن هم یادتان نرود. ماساژ ملایم قسمتهای مختلف بدن که دیگر بقول معروف نور علا نور است. این را بدانیم که موهای سر، دهان و دست‌ها سه قسمت بسیار حساس هر فردی هستند و روی آنها بیشتر کار کنید. اجازه دهید که طرف هم همین کار را برای شما انجام دهد. ابتکار باعث میشود که هم نقاط حساس بدن خود را بشناسید و هم با بدن طرف و نقاط حساس و حشری کننده آن آشنا شوید. لازم به گفتن نیست که هر فردی ممکن است از تمام این نوازشهای گفته شده خوشش بیاید یا فقط بخشهایی از آن را بپسندد، اما انجام ابتکار همانطور که گفته شد، یعنی از طریق تجربه و خطا، باعث شناخت بهتر شما دو نفر از همدیگر می‌شود و به شما کمک می‌کند که دفعات بعد روی نقاط بیشتر حساس طرف تمرکز کنید. موضوع دیگر اینکه بعضی‌ها نوازش‌های خیلی ملایم (طوری که تماس خیلی کمی بین دست شما و بدن طرف باشد،) را می‌پسندند و تعدادی هم نوازشهای با تماس بیشتر را ترجیح می‌دهند.

در مواقع نوازش کردن، میتوان از تمام کف دست استفاده کرد و یا فقط با نوک انگشتان (و یا ترکیبی از هر دو).
نوک پستان زنان بخصوص به بوسه، تحریک، نوازش و مکیده شدن حساس می‌باشند و هستند زنانی که با اینکار به راحتی به ارگاسم میرسند.
بوسه و نوازش و ماساژ دادن و گرم در آغوش گرفتن و گرم بخود فشار دادن نه تنها لذت جنسی میدهد بلکه استرس را هم از بین میبرد و هردوی شما را خمار عشق میکند.

درباره بوسیدن و لب گرفتن، یک راهنمایی کوچیک هم برای اهل فن:
اگر خمیردندان خوش بو و خوش طعمی سراغ دارید، بد نیست که آن را در کنار خود داشته باشید و هرازگاهی، فقط یک ذره (خیلی کم) از آن را در دهان خود مزه کنید و بعد زبان خود را به دهان طرف فرو برید.
چیزهای گفته شده در بالا، بخش عمده‌ای در امر سکس و عشق‌بازی است و یادتان نرود که تمرین کنید. سعی کنیم بوسیدن، نوازش و تحریک و ماساژ را یاد بگیریم و دوست بداریم و حواس خود را روی آن متمرکز کنیم و لذت ببریم. توجه به مسائل فوق باعث میشود که ما فقط یک سکس سریع و پنج دقیقه‌ای نداشته باشیم.

در پایان یک نکته مهم را هم فراموش نکنیم و آن اینکه، بعد از نوازش، بوسه و معاشقه که در بالا اشاره شد و بعد هم ارگاسم، یکپهلو به یکطرف نغلطید و خرناسه بکشید، نوازش ملایم و بوسیدن بعد از آن هم بسیار مهم است، زنان بخصوص به این مسئله خیلی حساسند و علاقمند.

۷- ملاحظات

حلقه در گوش پسران

من یه دختر ۲۰ ساله‌ام و دانشجو. من عاشق پسرهایی هستم که حلقه تو گوش می‌دارن ولی متأسفانه تو ایران این چیزها پیدا نمی‌شه. ولی من تو اینترنت فقط بدنبال دیدن عکسهای پسرانی هستم که حلقه تو گوششان دارند، می‌گردم. تا بحال با چندتا پسر هم دوست بوده‌ام و هر وقت این را به آنها می‌گویم، به من می‌خندند و می‌گویند که این چیزها فرهنگ غربی است. ازتون می‌خوام که در اینباره کمی توضیح بدین.

جواب: مسائل، علائق و نیازها قبل از اینکه غربی باشند یا شرقی، انسانی‌اند. آنچه که مردم کره خاکی ما را به هم متصل میکند خیلی بیشتر از نقاط افتراق

ما هستند. حالا فرقی نمی‌کند که زبان یا رنگ پوست ما سفید باشد یا سیاه یا زرد یا سبزه یا..... امروز با کمک علم و تکنیک هم این نزدیکی و بهم پیوستگی انسانهای کره زمین هرچه بیشتر و عمقی‌تر شده. در چنین چارچوبی تقسیم کردن مسائل به شرقی و غربی و یا گاهی ضدیت بیخود و تکیه بر گذشته (بخصوص سنتها و روشهای غلط گذشته) بعنوان ابزار حفظ هویت قومی یا ملی ممکن است ملتی را همچنان اسیر و دربند نگه دارد. اصلاً برخورد با مسائل از این زاویه که این غربی است یا شرقی، غلط است. برخورد باید از زاویه حق انتخاب، احترام به سلیقه و روش زندگی فرد باشد.

درباره حلقه گذاشتن، اگر به دقت در تاریخ ایران دقت کنید و یا نگاهی به آثار باستانی ایران، مصر، و کشورهای مجاور یا آفریقانگاه کنید می‌بینید که حلقه در گوش مردان گذاشتن از قدیم در بین این ملتها رسم بوده اما بعدها به دلایلی کنار گذاشته شده. و غربیها این را از دیگران گرفته‌اند، پس ریشه حلقه گذاشتن یک فرهنگ غربی نیست، بلکه به غرب وارد شده و ماندگار گشته است. حلقه گذاشتن خود یک سلیقه است و اگر پسران یا مردانی دوست دارند اینکار را بکنند، حق آنهاست و کسی نباید مانع شود، هرچند که در جمهوری اسلامی این را ممنوع کرده‌اند ولی شاید وقت آن رسیده که این را هم به یک عرصه برای نشان دادن مخالفت خود با رژیم تبدیل کنیم. از این که بگذریم، بله خیلی‌ها مثل شما از مردان و پسران حلقه به گوش خوششان می‌آید. در غرب زمانی که همجنسگرایی ممنوع بود، این افراد برای نشان دادن گی بودن خود، در گوش چپ خود حلقه می‌گذاشتند و به این شکل همدیگر را پیدا میکردند.

خیلی از ماها از روی ظاهر و شکل لباس در مورد شخصیت افراد قضاوت میکنیم و اگر مثلاً کسی حلقه در گوش داشته باشد، اکثراً او را بچه مزلف و.... میدانند، ولی قضیه اصلاً اینطور نیست. امیدواریم پسران و مردان ایرانی که به حلقه در گوش خود گذاشتن علاقه دارند، تسلیم قضاوتهای دیگران نشوند و کار خود را بکنند تا دخترانی مثل شما هم به مراد خود برسید.

تبعیض در سه کاف

امیدوارم حال همه‌تون خوب باشه. من یه دختر ۲۱ ساله هستم. از اولین شماره سه کاف شروع به خوندش کردم. این هم اولین باری است که برای شما میل میزنم. من از مجله شما خیلی خوشم اومده، میشه گفت از بهترین مجله‌های اینترنتی است که من دیده‌ام و چون خیلی دوستش

دارم، نمی‌خوام هیچ عیبی داشته باشه. میدونین برای چی این میل رو زدم؟ برا اینکه شما بین پسرها و دخترها تبعیض قائل میشین بخصوص این آخریها که دیگه محشر شده که یه کلاس خصوصی برای راههای بدست آوردن دل خانم‌ها برا آقا پسرها گذاشتین که دیگه هرچی هم بلد نبودن، بهشون یاد بدین. میشه بگین چرا از این کلاسهای خصوصی برای دخترها نمی‌ذارین؟ این دیگه آخر شکل تبعیض است. بهانه هم نیارین که بعد پسرها قراره که برا دخترا بنویسین، چون اگه قرار بود برا هردو بنویسین، باید هردو رو با هم چاپ میکردین. چون فکر میکنم همانقدر که سه‌کاف بازدید کننده پسر داره، همانقدر هم بازدید کننده دختر داره، برا همین این کارتون درست نبود. منتظرم که جبران بشه. عاشق شما، یلدا

جواب: از نامه و اعتراض شما خیلی خوشمان آمد. ما باید بگیریم که تبعیض‌ها را در هر جایی که هستند، تشخیص دهیم و آنها را گوشزد کنیم. به همین دلیل کار شما را تحسین میکنیم.

درباره گذاشتن کلاسهای خصوصی برای پسران، ما چنین قصدی نداشتیم تعداد زیادی از پسران برای ما نوشته بودند که بلد نیستند چطوری با جنس مخالف حرف بزنند، و دوستی خود را شروع کنند. ما این را به استریت واکر که یه ستون ثابت توی سه‌کاف داره، گفتیم و ایشان هم دو مطلب در اینباره نوشتند و اتفاقاً وقتی مطلب دوم ایشان را گرفتیم، خود ما پیشاپیش این تذکر را به ایشان دادیم که ممکن است کسانی مثل شما این برداشت را بکنند، ایشان هم یک توضیح دادند که متأسفانه ما آن را چاپ نکردیم. و ای کاش چاپ میکردیم.

اما اگر مطالب و سؤال و جوابهای سه‌کاف که دفاع از برابری زن و مرد در آن موج میزند، بگذریم، در ستون استریت واکر (اگر این دو مطلب خصوصی برای پسران را کنار بگذاریم) هم به مسائل زنان زیاد توجه شده است. سخن کوتاه، ما قصد تبرئه خود نداریم، فقط بگوئیم که سه‌کاف نه تنها با تبعیض بر علیه دختران و زنان مخالف است که ما هیچ تبعیضی بر علیه هیچ انسانی را هم قبول نداریم. اما این به معنای این نیست که ما دیگر کاملاً منزله هستیم و اشتباه نمی‌کنیم،

نه ما هم خطا میکنیم، چون انسان هستیم و هر انسانی اشتباه میکند، مهم اینکه به اشتباهات خود اعتراف و از آنها درس بگیریم.

عشق از زبان یک ریاضیدان

از هنگامی که موازی یکدیگر در خیابان مستطیل شکل قدم می‌زدیم و آن هنگامی که لبانت با صورتم زاویه منفرجه ساخت احساس کردم که تجزیه شدم و زیر رادیکال قرار گرفتم. محبوبم، ترا چه بنامم؟؟؟
ایکس یا ایگرگ؟ محبوبم فقط می‌دانم که سینوس لبانت مساوی است با کوسینوس چشمانم، عزیزم، من و تو یک عمل مشترک بودیم که هیچ ریاضیدانی قادر نبود ما را به توان برساند، اما هنگامی که در اتاق کروی شکل قرار گرفتیم احساس کردم که تو مرکز شدی و پس از آن من و تو ناگهان مماس شدیم و از محل تقاطع ما یک عمل مشترک بوجود آمد. و حالا مانند دایره‌ای به دورت میگردم و به اندازه تمام خطوط دنیا دوستت دارم. و اینک زمانی است که با قرار گرفتن سینوس تو در بالای کسینوس من و یا بلعکس کسینوس من بر سینوس تو، تا بینهایت تانژانت و کتانژانت داریم.
امضا: زیر رادیکال با فرجه (پیام)

همسر و خواهر مادر سه کاف را گائیدن

من میخواستم بدانم که واقعاً هدف شما از راه‌اندازی این سایت چی هست و سؤال من اینه که اگر کسی با همسر یا مادر یا خواهر شما گردانندگان سه کاف سکس داشته باشد، شما اجازه اینکار را می‌دهید؟ و آیا حاضر می‌شوید که خواهر یا مادر یا زن شما به هر کس که بخواهند سکس بکنند؟
جواب: اهداف سه کاف در سه مقاله سخنی با خوانندگان (در شماره‌های ۲۲ و ۱۸، ۱۱) بیان شده‌اند و از تکرار می‌پرهیزیم. درباره سؤال دوم شما: خواهر و مادر و برادر و پدر و همه بستگان ما آزادند که با هر کس که می‌خواهند و هر طور که مایلند سکس داشته باشند، این حق آنهاست. البته در همان چارچوب آزادی فردی، حق انتخاب و عدم زورگویی که بارها در سه کاف به آن اشاره کرده‌ایم. ما همانطور که به بستگان خود (دیر یا نزدیک فرقی نمی‌کند) حق دخالت در زندگی شخصی خود را نمی‌دهیم، به خود نیز این حق و اجازه را نمی‌دهیم که در زندگی آنها دخالت کنیم. اگر خواهر یا مادر

یا پدر یا برادر ما دوست پسر تازه بگیرد، اتفاقاً (قول صددرصد میدهیم) که او را با دوست جدیدش به شام دعوت کنیم و با او یک رابطه دوستی برقرار کنیم و با اینکار هم احترام به خواهر خود را نشان دهیم و هم به طرف بفهمانیم که دوست جدیدش (بستگان ما) کدام فرهنگ خانوادگی را دارد (آزادی، برابری زن و مرد و...) اگر هم مایل باشند میتوانند شب را در منزل ما در یک رختخواب به همراه خواهر ما سر کنند. نه عیبی دارد و نه ایرادی. این اصول و روش ساده و آزاد زندگی است، این نشان میدهد که ما خود را مالک او نمی دانیم و سکس او را به شرف و یا حیثیت خود مربوط نمی کنیم و مثل عقب مانده های فرهنگی غیرتی هم نمی شویم، شرف و ناموس خود را هم در لای پای خواهر خود قایم نمی کنیم که اگر کسی با ایشان سکس داشته باشد، ممکن است غیرت و ناموس ما به آب اسپرم طرف آلوده شود. ما نشان خواهیم داد که نه تنها خواهر خود را دوست داریم و به انتخاب او احترام بلکه می خواهیم دوست او را هم دوست داشته باشیم. درباره همسر خودمان، ما آنقدر با هم راحت هستیم که مسلماً میتوانیم درباره این مسائل با هم حرف بزنیم و به توافق برسیم بدون آنکه از هم قهر کنیم.

دلایل اینکه از دیگران عقب تریم

سلام به همه همسن و سالهای خودم. من یه پسر ۱۹ ساله هستم از مشهد. شما تا حالا فکر کردین که چرا ما از کشورهای دیگه عقب تریم؟ خارج از تمام مسائل سیاسی چند مسئله هست که فکر میکنم مهمترین دلیل این عقبماندگی باشه: ۱- وقتی در یه کشور دو نفر نتونن با هم رابطه (حتی سلام) برقرار کنن، این میشه که اون کشور به نابودی کشیده میشه. ۲- یکی دیگه از مشکلات ما اینه که هیچ دختری نمیتونه برای خودش یه همسر پیدا کنه و باید اینقدر صبر کنه تا یکی خواستگاری اش بیا و این فرهنگ پائین ما را میرسونه. ۳- نداشتن محیطهایی که برای جوانان مهم هستند و باعث آشنایی آنها با هم میشود (مثل کافه) که دختر و پسر هردو ازش استفاده کنن و جداگانه نباشد. ۴- نداشتن ابزار لازم برای سکس. این تمام حرف دل من بود. امیدوارم که در سالهای آینده زندگی آسانتری داشته باشیم.

قربون هرچی آدم چیز فهم

سلام، من تمامی مطالب سه کاف رو بدقت میخوانم. راستش بعضی وقتها هم گریه ام میگیره، هم خنده. گریه از بابت اینکه این ام‌الفسادها تا کی میخوان زندگی مردم ایران رو تباه کنن و خنده از بابت اینکه چطور به اکثریت بزرگ راضی میشه که به یه اقلیت سواری بده. تو مطالب شماره ۲۸ سه کاف یه دوستی گفته بود زمان شاه یه خمینی بود و ملت هم دنباله‌رو او شدن و تونستن رژیم رو سرنگون کنن، میخوام بگم که دیگه این خبرها نیست، مثلاً اگه فردا یکی پاشه و بخواد کاری بکنه، کدوم یکی از ماها دنبالش می‌افتیم؟ ماشالله هر وقت هم بحثی میشه، همه شعار میدن، ولی اگه موقع عمل باشه، کسی حرکتی نمی‌کنه. من نمی‌دونم کشوری که اینهمه مخ سیاسی و اقتصادی داره چرا ملتش باید بدنبال احتیاجات اولیه زندگی باشه؟ دین من همان فکر و وجدان خودم است و به نظر دیگران هم تا حد ممکن احترام میدارم، اهل حرف زدن قلنبه سلنبه هم نیستم، کسی رو له نکردم ولی تا دلتون بخوام له‌ام کردن، دلم میخواد داد بزنم که بابا ما جوونا چه گناهی کردیم که گیر استبداد افتادیم و چرا ما جرئتشو نداریم به مناسبتهاهای مختلف که تو خیابونا حرکتی میشه، ما هم بریم و نشون بدیم که بابا مردمیم، گوربابای هرچی آخوند.

یه چیز دیگه هم سر دلم مونده، آهای عزیزی که داد آزادی سکسی میکنی، تویی که میخوای یکی بهت پا بده، حالا اگه خواهرت دوست پسر بگیره، چی؟ منطقی برخورد میکنی و این رو میپذیری یا میری مثل وحشیا، جیگر طرف رو پاره میکنی؟ اگه منطقی برخورد میکنی میگم که آزادی حق تو هست، اما اگه غیرتت گل میکنه، همین حکومت آخوندی هم از سرت زیادیه چون خرافات و دیکتاتوری توی مغز تو هست، حالا فرق نمیکنه حاکم آخوند باشه یا یکی دیگه. قربون هرچی آدم چیز فهم.

اخراج از مدرسه شریعتی در بلوار دانش

من نمی‌دونم از کجا شروع کنم؟ من یه دانش‌آموز ۱۷ ساله هستم و امروز برای همیشه از مدرسه اخراج شدم. فکر میکنین واسه چی؟ واسه یه فیلم سوپر. آخه این چه کشوریه که بخاطر یه فیلم سوپر باید شبانه

درس بخونم. چرا؟ مگه چی کردم که اول باید حدود ده تا چک بخورم و بعد هم اخراج؟ حالا خوبه سی دی شکسته رو پیدا کردم، تازه حدس میزنم که فیلم سوپر باشه. آخه من چی بگم که تو این کشور آدمو از درس زده میکنن. دلم میخواد بگم که..... بعدش میگن که چرا کشور ما اینقدر بیسواد داره.

۸- معرفی سایتهای تازه در این شماره:

۱- اول این سایت که در شماره قبل معرفی کردیم اما بخاطر زیادی بازدید کنندگان و شلوغی ترافیک بسته شد و مسئولان آن جای بهتری را پیدا کرده اند که ثابت باشد:

www.iran1400.tk <<http://www.iran1400.tk>

۲- این را هم حتماً ببینید؛

<http://society.gireh.com>

۳- یک سایت تازه:

www.hotimages.20m.com

۴- این هم یکی دیگه:

<http://ali3d.persianblog.com>

۵- این هم هست :

<http://www.geocities.com/iransgl/iransgl.htm>

۶- این هم یک سایت جدید برای همجنس خواهان :

www.epsilongay.blogspot.com

۷- این هم سایت همجنسگرایان رشت:

www.groups.yahoo.com/group/rashthamjens

۸- این هم یک سایت برای ...

<http://2kaf.persianblog.com>

۹- این هم یکی:

<http://groups.yahoo.com/group/kosvakir>

۱۰- این هم یکی دیگه:

xww.anycities.com/user1/salarxxx/home.htm

۱۱- این هم سایتی که هک شده و لونه جدیدی تهیه کرده:

<http://iranphotosex.netfirms.com>

۱۲- این هم یک سایت با سلیقه خودش:

<http://www.LOGHME.PERSIANBLOG.COM>

۱۳- این هم سایت "دایی محسن" که به گفته خودش مطالب سه کاف را در سایت خود

چاپ میکند که افراد از این طریق راحت به سه کاف دسترسی داشته باشند، اما

ما نتوانستیم فونت سایت ایشان را بخوانیم.

<http://www.daeemohsen.persianblog.com>

۱۴- این هم هست:

<http://styx.persianblog.com>

۱۵- این هم یک گروه دیگر:

<http://groups.yahoo.com/group/rabookomar>

چند نکته :

ما هیچ مسئولیتی در باره سایت‌هایی که در سه کاف معرفی می‌کنیم، بعهدہ نمی‌گیریم. این سایتها گاهی بنا به عللی ممکن است باز نشوند یا مسئولین آنها به نامه‌های علاقمندان جواب ندهند یا در سیستم ای میل رسانی دچار مشکل شوند، یا کلا از بین بروند و.....

نکته مهم دیگر اینکه بسیاری از دوستان ، از فضای مجانی که بعضی شرکتها در اختیار میگذارند، استفاده کرده و سایت خود را در آنجا میگذارند، اما این شرکتها فقط امکان بازدید تعداد خیلی محدودی را در نظر میگیرند و به محض آنکه تعداد بازدیدکنندگان افزایش یابد، بدون اطلاع قبلی سایت را می‌بندند. همین است که خیلی‌ها برای ما مینویسند سایت‌هایی که معرفی میکنیم، باز نمی‌شوند یا تعطیل شده‌اند.)

از دوستان خواهش میکنیم، هر مشکلی در اینبارہ دارند، با مسئولین خود پایگاههای

مورد نظر تماس بگیرند، ما هم مثل شما، از این سایتها استفاده می کنیم اما در کار آنها دستی نداریم. به دست اندرکاران پایگاهها هم پیشنهاد می کنیم که یک ای میل جداگانه برای خوانندگانی که ممکن است دچار مشکل شوند، در نظر بگیرند. از خود خوانندگان هم این درخواست را داریم که در حد توان با ارسال مقالات، داستان، مطالب، معرفی کردن و..... به ادامه کار این پایگاهها کمک کنند.

=====

اگر سایتهای دیگری هم باشند که تاکنون معرفی نکرده ایم، از مسئولین آنها خواهش میکنیم در صورت تمایل به معرفی پایگاه خود، با ما تماس بگیرند.

قسمت دوم شماره ۲۹ سه کاف

۹- جیغ "گره‌ها" و خواب همسایه

من توی سن و سال خودم از همه سرزنده‌تر و حشری‌تر بودم. دوسال پیش با مانی دوست شدم و بعد از یه مدت با هم ازدواج کردیم. من همسر دوم مانی هستم و اینطور که می‌گه زن قبلی‌اش اونو درک نمی‌کرده، بگذریم.

یه شب با مانی یه ذره حرفمون شد، حال و حوصله‌اش سر رفته بود و زد بیرون. بعد از رفتن مانی، احساس کردم که خیلی حشری شدم، دلم می‌خواست مانی پیشم بود و با هم یه حالی میکردیم، اما چون او بیرون رفته بود، رفتم رو کاناپه نشستم و شروع کردم به تلویزیون نگاه کردن و یواش یواش با خودم رو رفتن. یه مدت که گذشت، تصمیم گرفتم که لخت بشم و حسابی رو همون کاناپه به خودم حال بدم. اینه که با یه دست پستونای خودمو لمس و نوازش میکردم و با دست دیگه کس‌ام رو تحریک میکردم. بعدش با یه انگشت شروع کردم به گائیدن خودم. اون دستی که رو پستونام هم بود، هراز گاهی یه انگشت به دهنم میرسوندم و انگشتمو مئه یک کیر مک می‌زدم.

تو همین حال بودم که یهو در باز شد و مانی اومد تو. تصمیم گرفتم به کارم ادامه بدم، چون خیلی حشری بودم و می‌خواستم که مانی رو هم حشری کنم که بیاد جلو. اومد و رو صندلی کنار کاناپه نشست، هیچ حرفی نزد، یه کم نگاهم کرد، بی‌اعتنا تلویزیون رو خاموش کرد و رفت تو اتاق. دیگ حرص‌ام دراومد. دنبال مانی رفتم تو اتاق، داشت لباساشو در می‌آورد که بره تو تخت، ولی من که لخت بودم، زودتر از او رفتم رو تخت و طوری خوابیدم که کونم به او باشه، گفتم که شاید با اینکار یه خورده تحریک بشه، چون میدونستم که مانی نمی‌تونه نسبت به سکس من بی‌تفاوت باشه. ولی، نه، اون شب خبری نبود. مانی اومد تو تخت، پشتشو به من داد و خوابید. یه ساعتی گذشت، دیدم که فایده نداره. دوباره به سرم زد که خودم دست بکار شم و شروع کردم با خودم ور رفتن و هی بیشتر و بیشتر حشری میشدم. جلق زدنم که تندتر و تندتر شد، دیگه به نفس نفس افتاده بودم و جیغ فنرهای تخت هم دراومده بود ولی کی گوشش بدهکار این حرفا بود. انگشت نازنینم رو با حرص و ولع تو کس خودم گذاشته بودم و هی خودم رو می‌گائیدم. یهو حس کردم که مانی برگشت، با یه دستش، دستمو گرفت و اونو از لاپایم جدا کرد، انگشت خیس‌م رو رسوند به دهنش و شروع کرد به لیس زدن اون و با یه دست دیگه‌اش، از پهلو منو به طرف خودش کشید.

سرمو برگردوندم و شروع کردیم به لب گرفتن. آخه مانی می‌گه که تخصص خودشو تو فرنج کیسینگ (بوسه فرانسوی = بوسه‌های عمیق و آبدار) گرفته.

حین بوسیدن و لب گرفتن بودیم که حس کردم کیر گرم مانی لای رونهام رفت، یه نگاه کردم و کیر مانی را در کلفت‌ترین، شق‌ترین و و بزرگترین حالت ممکن دیدم که تا اون روز ندیده بودمش. اینه که وقتی مانی با یه حالت وحشیانه

اون کیر شق و کلفت رو فرستادش تو دروازه‌ام، حس کردم که زیر دلم خالی شد، اینو هم بگم که من کس خیلی تنگی ندارم اما کیر خیلی کفت شده مانی اون شب تمام کس‌ام رو پر کرده بود.

مانی تلمبه زدن رو شروع کرد اونهم چه وحشیانه و با یه حالت حرص، فکر میکنم میخواست تلافی اون لحظه‌ای رو آره که منو کونمو داده بودنم بطرفش که بلکه حشری‌اش کنم. خلاصه، دستش که نه، کیرش طلا، من از این حالت تند و وحشیانه گائیده شدن توسط مانی آنچنان کیفی میکردم که تو عمرم نکرده بودم، نمی‌دونم چه جووری، یکی از پستونامو هم گرفت و تا ته کرد تو دهنش، (اصلاً فکر نمی‌کردم که دهن مانی بتونه همه پستونمو تو خودش جا بده)، اما به این اکتفا نکرد و یه انگشتش رو هم رسوند به عقبم. دیگه داشتم می‌مردم. حالا یه پستونم تو دهن مانی بود، یه انگشتش تو پشتم و کیر کلفتش هم تو کس‌ام، وای.

مانی تو همین حالت یهو توقف کرد، تا اومدم به خودم بیام یکهو با یه حرکت کیرشو تا ته زد تو کس‌ام، یه گاز و مک زد به پستونم و انگشتشو تو پشتم فرو کرد، وای، از شدت هوس چشم دور خوردن، بعدش یه توقف چند ثانیه‌ای کرد و بعد همان حرکت سه حرکت را همزمان تکرار کرد، باز هم توقف.

مانی این سه حرکت همزمان، توقف، حرکت، باز هم توقف..... را چنان با مهارت و از رو حساب و کتاب انجام میداد که من دیگه تو عرش بودم، بخصوص که با گوشه جدید از هنر سکس کردن مانی آشنا میشدم، نفس زدن هامون بیشتر شده بود، هر دو حسابی عرق کرده بودیم و اه و اوه ماقاطی هم شده بود. دیگه هر دو به اوج لذت رسیده بودیم و یکدفعه با هم یه جیغ خیلی بلندی کشیدیم. بعدش مانی آروم شد و همانطور که به هم قفل شده بودیم، شروع کردیم به لب گرفتن.

یه مدت که گذشت، حس کردم که کیر مانی در داخل کس‌ام داره متورم میشه، دوباره شق کرده بود. منو در همان حالت قفل بودن به هم بلند کرد و برد تو حموم. دوش آب ولرم رو باز کرد، دستامو زدم به دیوار، آب روی سر و کمر و باسنم میریخت. مانی از پشت بهم نزدیک شد، کمی کمر و شونه‌هامو شست، بعد با دو دستش باسنم رو عقب‌تر کشید و کیرشو از پشت کرد تو دروازه‌ام. وای، داشتم می‌مردم، هی قریون صدقه‌اش میرفتم. اصلاً حس اینکه مانی تو حموم، اونم از پشت منو میکرد، دیوونه کننده بود. دیگه جیغ نمی‌زدم، داد میکشیدم، تا اینکه بازم با هم یه فریاد بلند کشیدیم.

بعدش به رختخواب برگشتیم، یه لب عمیق گرفتیم ب خوابمان برد، اما اون شب یه شب برآستی فراموش نشدنی بود.

یادمه صبح روز بعد، تو راه پله، یکی از دخترای دانشجوی مجرد که با چندتیا از دوستاش خونه بالایی ما رو اجاره کردن، دیدم؛ یه خنده شیطونی

تحویلم داد و گفت: از بس این گربه‌ها دیشب جیغ و داد کردن، نداشتن که خوابمون ببره. منظورش را گرفته بودم.

۱۰- ستون استریت واکر

ماساژ کلیتوریس

سکس در اکثر موارد یا لااقل در مقبول‌ترین موارد، یک عمل در طرفه است، مثل هر چیز دیگه‌ای که به اون مربوط میشه: روان‌شناسی، دوست‌یابی، ایجاد رابطه و.... و در اینجا اصولاً صحبت کردن از تکنیک‌های خاص آقایون و خانم‌ها معنی زیادی نداره. انتقاداتی داشتیم (بخصوص از طرف خود مسئولین سایت) که استریت واکر پسرانه می‌نویسه. تقریباً قبول دارم که توی نوشته‌های من شخصیت اصلی مردها هستند اما دلیلاش به نظرم منطقی است. خانم‌ها در طول چند قرن به اندازه کافی یاد گرفته‌اند که برای ارضای یک مرد باید چکار کنند ولی آقایون این مهارت‌ها رو حتی در سطح مقدماتی هم بلد نیستند. به خودتون و اطراف خود نگاه کنید، موردی پیدا می‌کنید که خانم از رابطه جنسی خودش راضی باشه و مرد ناراضی؟ این مردها هستند که باید اطلاعات جنسی خودشون رو زیاد کنند و یاد بگیرند به خانم‌ها، خواست اونها، لذت‌های اونها و سهم اونها احترام بگذارند. اینه که درس این شماره استریت واکر هم برای آقایون است (و احیاناً دخترهای همجنسگرا)، اما همونطور که گفتم همه چیز درسکس دوطرفه است، عملی که آقایون انجام می‌دهند، لذت‌اش باید برای هر دو طرف باشد و عملی که خانم‌ها انجام می‌دهند هم همینطور. اگر غیر از این بود با هم صحبت کنید تا مشکل را بیابید. هیچکس را به هیچ چیز مجبور نکنید و اگر می‌خواهید بگیرید اول همان را ببخشید (بدهید) (این اصطلاحی است که بخصوص درباره روش‌های ترغیب برای سکس با دهان بکار برده میشود).

ماساژ کلیتوریس

ماساژ دادن کلیتوریس (اگر دقیقاً نمی‌دونید کلیتوریس چیه به مقاله "با مسائل جنسی زنان آشنا شویم" در شماره‌های ۲۲ و ۲۱ سه‌کاف مراجعه کنید). یکی از راههایی است که شما باهاش می‌تونین علاقه خودتون به طرف رو نشون بدین. البته اکثر زوجها در مراحل قبل از دخول به نوعی به این ماساژ اقدام می‌کنند، ولی به نظر شخصی من با محوریت دادن کامل به این عمل در یک نشست جنسی، می‌تونید به خانم یا دوست دخترتون اجازه بدین تا یکبار به تنهایی در مرکز عمل جنسی بودن رو امتحان کنه، یعنی همه‌چیز درحول و حوش لذت دادن به اون خلاصه بشه (هرچند که مرد هم با اینکار لذت می‌برد). در عین حال این نوع ماساژ برای مواقع خاص هم خیلی مفیده. چه جور مواقع خاصی؟ مثلاً وقتی یک مرد دیگه توانایی ادامه راست بودن سکس ابزارش رو

نداره ولی هنوز علاقمند که به نشست جنسی که با همسرش شروع کرده، ادامه بده و همینطور در مورد خانم‌هایی که اشتیاق جنسی دارند ولی به دلائلی امکان وارد کردن چیزی به مهبل رو ندارند، این بسیار مهمه که یاد بگیریم که رابطه جنسی فقط داخل کردن چیزی در مهبل نیست.

اولین و مهمترین مسئله اینه که از اینکه کلیتوریس (یا همان چوچوله) رو پیدا کرده‌اید مطمئن بشید و تنها راه واقعی برای اینکار، تجربه است! با روشن گذاشتن کامل چراغها از خانم خود بخواید آروم دراز بکشه، بنشینه یا در هر وضعیت راحت دیگه‌ای قرار بگیره که شما بتونید به تمامی مناطق بدن او دسترسی داشته باشید، جوری بنشینید که دستتون به راحتی به سکش افزار همسرتون برسه یا حتی اگر دوست داشته باشید، اجازه دهید که او روی زانوی شما بشینه و پشت‌اش به شما باشه، در این وضعیت خیلی راحت به مناطق حساس بدن اون دسترسی خواهید داشت.

بسیار نرم شروع کنید، با انگشت تون همه جای سکش افزارش رو بررسی کنید، دستتون رو به همه جاش بکشید و به لطافت پوست توجه کنید. اگر در این قسمت مویی وجود داره، اونها رو نوازش کنید و اگر نیست به سراغ پوست و لبهای بیرونی بروید. در این مرحله کلیتوریس ممکنه به خوبی دیده بشه. اگر اینطور نیست، ممکنه کلیتوریس کوچیک باشه و اصولاً قابل دیده شدن از بیرون نباشه. اگر وضعیت اینجوریه، هم سکش (شریک جنسی) شما بهتره که کمک کنه. اون از روی لذتی که می‌بره مطمئناً می‌تونه جای دقیق کلیتوریس خودش رو تشخیص بده.

وقتی کلیتوریس رو پیدا کردید اجزای مختلف‌اش رو شناسایی کنید، سرش، بدنه‌اش و قسمت بلوطی شکل. اگر بعضی از قسمت‌ها دیده نمی‌شوند، می‌تونید دستتون رو روی پوشش اون بکشید. کلیتوریس بسیار بسیار حساس است. فوق‌العاده آروم با دو انگشت اون منطقه رو از روی پوشش کلیتوریس نوازش کنید (انگار که با دو انگشت یک مداد کوچک رو از زمین برمی‌دارید) ولی مواظب باشید که هیچ فشار اضافه‌ای وارد نکنید و کاملاً حواستون به عکس-العملهای طرف باشه. اگر با شریک جنسی خود راحت هستید، ازش بخواید که با دست خودش، خودارضایی کنه و به شما نشون بده که از چه روندی خوشش می‌آد. مطمئن‌اش کنید که اینکار هیچ خجالتی نداره و بخشی از لذت است. (هستند مردانی که از مشاهده استمنای کردن زن خود فوق‌العاده لذت می‌برند)، اما به هر حال فراموش نکنید که در اجتماع ما متأسفانه لذت جنسی چندین و چند قرن بعنوان کاری زشت تلقی شده، پس بیش از حد اصرار نکنید که طرف رو توی موقعیت آزاردهنده‌ای قرار دهید.

کلیتوریس عضوی بسیار حساس است، پس ترجیحاً بهتر است از یک لیز کننده

استفاده کنید. البته بدون لیزکننده‌های مصنوعی شروع کنید ولی اگر همسرتان احساس سوزش داشت یا اذیت شد یا گفتم احساس لذت نمی‌کند، از لیزکننده‌ها استفاده کنید. وازلین به هیچوجه پیشنهاد نمی‌شود، چون به پوست آن قسمت صدمه می‌زند (یک لوله ژل لوبریکانت - مخصوص سکس - رو اکثر داروخانه‌ها در تهران دارند و به قیمت کمتر از ۵۰۰ تومن می‌فروشند، اصلاً خجالت نکشید، این محصول برای فروش تولید و در آنجا قرار داده شده و آقا یا خانم فروشنده هم بخشی از کارش فروش همین چیزهاست - پس قضیه کاملاً عادی است).

اگر کلیتوریس همسر (یا دوست دختر) شما بیش از حد حساس است و حتی تحمل انگشتان لیز شده با جل شما را هم ندارد، دست‌کش‌های پلاستیکی که بعضی خانم‌ها برای رنگ کردن موهایشان از آن استفاده می‌کنند، را بکار گیرید. (در ایران یک نوع به اسم گل مریم در بازار - سوپرمارکت‌ها و داروخانه‌ها وجود دارند) وقتی این دست‌کش‌ها با ژل لیزکننده استفاده شوند، نتیجه آن یک دست و انگشتان بسیار بسیار لیز است که حتی اگر هم بخواهید، نتوانید فشار زیادی وارد کنید. درعین حال اینکار برای کسانی که پوست بسیار زبر یا ناخن‌های بلند دارند، هم مفید است.

یک نکته بسیار اساسی برای هر نوع ماساژ هم این است که وقتی ماساژ را شروع کردید، تا لحظه اتمام آن، نباید همزمان هر دو دست را از بدن طرف جدا کنید. جدا کردن هر دو دست و دوباره دست زدن به بدن (در امر ماساژ) یک نکته خیلی منفی بحساب می‌آید، اینه که باید هر چیزی که احتمال دارد به دردتان بخورد را در اطراف و دسترس داشته باشید. در عین حال میتوانید از جاهای دیگر بدن شروع کنید، مثلاً از زانو‌ها به سمت داخلی ران و سپس کمر بروید. توجه کنید که تماس لیزکننده‌های سرد با بدن داغ اصلاً لذت‌بخش نیست. لیزکننده‌ها را کمی در دست خودتان گرم کنید یا اگر میتوانید آنها را در جایی گرگراز دهید.

با نوازشی بسیار بسیار آرام شروع کنید و یواش یواش که طرف تهییج شد، فشار را کمی بیشتر کنید. به حرکات بدن و صداها توجه کنید (نکته‌ای برای خانم‌های عزیز: با صدا و حرکات بدن بهترین راهنمایی را به طرف خود میکنید، پس جلوی صداها، مثل آه و ناله را نگیرید که هیچ، کمی هم بیش از حد معمول آنها را آزاد بگذارید، صدا، آه و ناله ناشی از لذت و حرکات بدن زن‌ها در این مواقع حالت چراغ سبز و زرد و قرمز را بازی میکند و به طرف آنها یادآوری میکند که کدام حرکت یا ماساژ آنها مطبوع و دلنشین و خواستنی است و کدامیک کمتر و یا اصلاً). شما هم یادتان باشد که چیزی را محکم فشار ندهید و نیشگون نگیرید.

کلیتوریس را میتوانید با یک، دو یا سه انگشت نوازش کنید. این موضوع را اندازه آن مشخص میکند. اگر میتوانید با دو یا سه انگشت کلیتوریس را بگیرید، خیلی خیلی آرام بدنه آن را با انگشت شست و انگشت اشاره بگیرید و به دقت نسج روی آن را به جلو و عقب حرکت دهید، سعی کنید دستتان در ابتدای کار به قسمت بلوطی شکل نخورد. آرام باشید، به رفتار طرف و علائم آن دقت کنید و از چیزهایی که لذت می‌برد، اطمینان حاصل کنید. به چشمان او نگاه کنید، اگر با رفتارش لذت‌اش را ابراز نمی‌دارد، از وی بخواهید که احساسش را پنهان نکند و به شما کمک نماید که بیشتر به او لذت بدهید، پرسید که آیا باید آرامتر عمل کنید یا سریعتر، شل‌تر یا سفت‌تر. اگر هم جواب را نمی‌دانست، آزمایش کنید.

اگر کلیتوریس کوچک است و با روش بالا نمی‌توانید عمل کنید، نوک انگشت اشاره را بالای بدنه یا پوشش کلیتوریس بگذارید، با تجربه و به کمک شریک خودتان، بهترین نقطه را پیدا خواهید کرد. در این وضعیت بهترین کار این است که نسج زیر انگشتان را بصورت دایره‌هایی کوچک مالش دهید و یا عقب جلو کنید. خوشبختانه کلیتوریس هرچقدر هم کوچک باشد، وقتی زن به هیجان بیاید، کلیتوریس متورم میشود (مثل آلت مرد که شق میشود) و میتوانید آن را در زیر انگشتان خود حس کنید.

اگر روش نوازش شما، برای هردو طرف مطبوع است و او لذت می‌برد، بکارتان ادامه دهید. البته همراه با روند تحریک شدن طرف، میتوانید فشار و سرعت کار را کمی بیشتر کنید. تا رسیدن به ارگاسم این کار را ادامه دهید. میتوانید پوست را از بالا بگیرید تا روی کلیتوریس کشیده شود. درست بعد از ارگاسم نوازش را ملایم‌تر کنید، چون کلیتوریس در این لحظه فوق‌العاده حساس است. نوازش را به هیچوجه ناگهانی قطع نکنید مگر اینکه طرف‌اتان خودش تقاضا کند. قضیه این است که شما باید تا پایان کامل ارگاسم ارتباط فیزیکی را قطع نکنید. در اینجور مواقع به نوازش مناطق دیگر از سکس‌افزار مشغول شوید.

خانم‌ها دیرتر از آقایون به ارگاسم میرسند، پس عجله نکنید، اگر بعد از پانزده تا بیست دقیقه طرف به ارگاسم نرسید، از لذت بردن طرف مطمئن اطمینان حاصل کنید و میتوانید تا پانزده بیست دقیقه دیگر هم ادامه دهید. مهم اینکه عجله نکنید، آرام باشید و نشان دهید که واقعاً میخواهید به طرف لذت دهید و خود لذت ببرید، اما اگر برآستی حوصله شما سر رفت، به سراغ چیزهای دیگر بروید. اگر خودش میتواند خودش را به ارگاسم برساند، پیشنهاد کنید کار را خودش تمام کند و شما نگاه کنید و یاد بگیرید ولی حتی اگر بودن شما در اتاق باعث میشود که طرف از نوازش خود خجالت میکشد یا

راحت نیست، اتاق را موقتاً ترک کنید.

در هنگام ماساژ کلیتوریس خیلی مهم است که زن به فانتزیهایش فکر کند و اصلاً صحیح نیست حواسش متوجه خود ماساژ شود، شاید بهتر است چشمان زن بسته باشد تا حضور همسکسش، ذهنش را شلوغ نکند. یک نکته را نباید فراموش کرد که بعضی از خانمها (و آقایون هم) در چنین حالتی از شنیدن حرفهای (سکسی، یا عاشقانه یا... تحریک آمیز) لذت وافر میبرند، نکته دیگر اینکه میتوان ماساژ مهبل را هم با ماساژ کلیتوریس همراه کرد. یعنی وقتی یک دست مشغول ماساژ دادن کلیتوریس است، دست دیگر شما میتواند به سراغ قسمت‌های دیگر برود؛ یک یا دو انگشت خود را وارد مهبل کرده و دیواره بالایی آن را تحریک کنید. برای اینکار دستتان را مانند وقتی حرکت دهید که میخواهید با انگشت به کسی بگوئید "بیا اینجا"! اینکار معمولاً باعث قوی‌ترین نوع ارگاسم و حتی گاهی انزال زنانه میشود. گاهی خانمها دوست دارند چیزی "فقط" در مهبلشان باشد (بدون اینکه حرکت کند)

بعضی زنان هم از لمس و نوازش شدن سوراخ نشیمنگاه خود لذت می‌برند و بعضی‌ها هم به دخول یک انگشت در نشیمنگاه خود علاقه دارند، اما قبل از اینکار، از لذت بردن وی و یا حداقل از علاقه و تمایل وی به آزمایش اینکار مطمئن شوید. در عین حال هیچگاه انگشتی را که به مقعد وارد کرده‌اید را به دیگر نقاط بدن نزنید.

امیدوارم موفق بوده و زندگی خوبی داشته باشید و فراموش نکنید که یک رابطه جنسی منحصر به فرد، تا حدود زیادی تداوم، بقا و صمیمیت خانواده را تأمین میکند. آقایون باید بدانند که همسرانشان در سکس به اندازه خود مردها، حق دارند و خانمها هم بدانند که خودشان بهترین راهنمای شوهران خود هستند و تنها کسی هستند که مردها رابطه جنسی و رازهای جنسی را از آنها می‌آموزند و حالا که بالای منبریم یک توصیه دیگر: هر زن یکبار بیشتر زندگی نمی‌کند، هر مرد هم همینطور و این به این معناست که برای تجربه لذت‌ها فقط همین یکبار را غنیمت شماریم. اگر انتظار داریم همسرمان جای دیگری بدنبال انواع لذتها نگردد، تمامی آنها را در خانه فراهم کنیم.... چه مرد و چه زن.

۱۱- حرف دل دختران

من مریم هستم، بیست و یک سالم است و دلم میخواهد در چندتا از شماره‌های بعدی سه‌کاف حرفای دلمو بزنم. باور کنین اینا فقط حرفای من تنها نیستن. اینها رو که میگم، حرف دل خیلی

از دخترای دیگه هم هست. اولش هم اینو بگم که میخوام از طرف خودم و همه دخترایی که سه کاف رو میخونن، از گردانندگان این مجله خوب و آموزنده تشکر کنم که واقعاً گل کاشتن، چون اینجا تنها جایی هست که ما احساس میکنیم فقط و فقط برا پسرا و مردا نمی نویسه بلکه هر کسی چه پسر و چه دختر حس میکنه که میتونه خیلی چیزا یاد بگیره و مسائل و مشکلات خودشو و راه حل رو پیدا کنه.

داشتم میگفتم، من بیست و یک سالم است و دانشجو هم هستم، دور و برم هم کلی مرد و پسر هستن، چه پسرای دانشجو، چه برادر و پسر بستگان و چه پدر و عمو و دایی های خودم. از طرف دیگه دوستای دختر همکلاسی، همسایه و رو هم دارم. من این احساس رو دارم که پسر و دخترای ابرونی از همون اول توی خونه به یه شکلی تربیت میشن که بعدها که بزرگ بشن، دیگه براشون خیلی سخته که اون تربیت رو کنار بذارن. مثلاً شکل برخورد پدرمادرها با یک فرزند پسر با شکل برخوردشون با یه دختر زمین تا آسمون فرق میکنه، بعدش هم طوری بار میان که دختره از برادرش حساب میبره و فکر میکنه که برادره صاحب و مالک اونه (مالک خود دختره) و باید تو همه کارها از برادرش حساب بیره، بعدها دختره که رشد میکنه و برای خرید یا رفتن به مدرسه و دانشگاه، خودبخود به پسرا و مردا که میرسه، یجوری میشه که انگار اینا یه گول هستن، خوب اینو تو ذهنش کاشتن، حتی اگه نخواد هم اینطوری فکر میکنه. حالا از طرف دیگه، پسره هم تو خونه یاد گرفته که از دختر (خواهر خودش) برتره، مالک اونه، باید مراقبش باشه، اگه خطا کرد تو سرش بزنه و..... حالا بعدها که پسره بزرگ میشه و میره تو خیابون، همون ذهنیت رو به همه زن و دخترا که تو خیابون می بینه، پیدا میکنه. به خودش حق میده به اونا متلک بگه، یا به دوست پسرش که میرسه و میخواد از دخترا حرف بزنه، از دختر بعنوان کس یاد میکنه و مثلاً میگه دیروز یه کس باحال دیدم. حالا بزرگ که بشن و ازدواج کنن، همون حالت و خصوصیات هم توی خونه بین پسر و دختر که حالا زن و شوهر شدن ادامه پیدا میکنه. یعنی مرد مالک و زن تصاحب شده. توی قانون هم که نگاه کنیم، می بینیم که این تبعیضات و برتری مرد بر زن، که دیگه موج میزنه. به نظر من، ما باید یه فکر ریشه ای برا خودمون بکنیم، چون اینجا ظاهراً

زن‌ها هستند که قربانی می‌شن، ولی به نظر من هم مرد و هم زن، هردوشون قربانی هستن و به این دلیل فکر میکنم که مبارزه با این مسائل باید هم توسط مردها باشه و هم توسط ما دختران و زنان.
من چندتا پیشنهاد دارم که دلم میخواد همه (چه پسر و چه دختر) اونو رعایت کنن:

۱- توی خونه، از تبعیضاتی که پدر و مادرها نسبت به دو جنس مرتکب می‌شن، جلوگیری کنیم و اینو به اونا نشون بدیم که رفتارشون درست نیست. یه مثال براتون بزنم، یه وقت که داریم با هم تو خونه غذا میخوریم، و مثلاً چیزی یادمون رفته که سر سفره بیاریم، مثلاً آب یا نمک یا... مادرم از من میخواد که من پاشم و اونو بیارم، ولی هیچوقت از برادرم نمیخواد که اینکار رو بکنه. خوب چرا؟

۲- پسرا حق تملک و صاحب خواهر خود بودن را کنار بذارن و یاد بگیرن که با اون مثل یه دوست با حقوق کامل رفتار کنن.

۳- دخترا به برادرای خودشون اجازه ندن که برا اونا تصمیم بگیرن، حتی اگه کار به دعوا و جنجال بکشه و حتی اگه لازم باشه، باید از دست ظلم برادرا به پلیس هم شکایت کرد.

۴- برادرها هم بدونن که اگه نخوان این رفتار با خواهران خودشون رو کنار بذارن، خوب دیگه لازم نیست از دست ظلم آخوندها گله و شکایت کنن، چون اونوقت هر برادری خودش تو خونه یه پاسدار بی مواجب جمهوری اسلامی شده. و نباید از اینکه خودشون دوست دختر پیدا نمی‌کنن، ناراحت باشن، چون هر دختری بهر حال یه برادری داره که نمی‌ذاره بیاد بیرون یا دوست پسر بگیره.

۵- پدر و مادرهایی که اینو میخونن، از همین حالا تو شیوه تربیتی خودشون و رفتار خود با فرزندان خودشون بیشتر فکر کنن و با دختر و پسرای خودشون، یک نوع رفتار بدون تبعیض داشته باشن.

۶- اگه ما واقعاً آزادی جنسی و برابری زن و مرد می‌خواهیم باید اول توی ذهن و رفتار خودمان یه تحولی ایجاد کنیم و بعدش:

۷- هم پسر و هم دخترها (و زن و مردها) با هم برای تغییر قوانین ضد زن و سخت گیر حاکم با جمهوری اسلامی در بیفتیم.

اونوقته که ما میتونیم یک کشور آزاد و امروزی داشته باشیم و برخورد ما با هم یه برخورد متمدنانه باشه.
به امید آن روز.

۱۲- بلال خوردن زن پنجاه ساله

من یک زن پنجاه ساله هستم، شوهر دارم اما شوهرم در خارج زندگی میکند. با توجه به سنی که دارم کسی به من نزدیک نمی‌شود. یک روز تلویزیون من خراب شد و تعمیرکار آمد تا آن را درست کند. تعمیرکار جوان ماهی بود و تو دل برو. قیافه خودم هم زیاد پیر نشان نمی‌دهد.

تعمیرکار که مشغول تلویزیون شد، رفتم تو اتاق خودم که لباسم را عوض کنم و یه لباس دیگه بپوشم، چون بعدش میخواستم برم بیرون. همینکه برگشتم دیدم که آقا یواشکی داره منو می‌پایه. آمدم و ازش عذرخواهی کردم. اونم هیچی نگفت و فقط گفت که: تو خیلی قشنگ هستی، شوهرت کجاست؟ گفتم که نیستش و تو خارج زندگی میکند. گفت از تنهایی نمی‌ترسی؟ حوصله‌تون سر نمی‌ره؟ گفتم خوب چکار کنم؟ خلاصه تلویزیون رو درست کرد و رفتش.

تا اینکه یکبار تو خیابون منتظر تاکسی بودم که یه پراید ترمز زد. محل نذاشتم که دیدم همون تعمیرکاره است. سوار شدم. گفت که مجرد است و بعد با این بهانه که منو برسونه خونه، گفت اول بریم دربند بلال بگیریم. تو ماشین داشتیم بلال گاز میزد که گفتش منو میخواد. خنده‌ام گرفته بود. اما با جدیت منو به خونه‌اش دعوت کرد. قبول کردم و باهاش رفتم خونه. اونجا بود که ما اولین سکس رو با هم داشتیم.

اول کار که میخواستیم شروع کنیم، گفت بلال خوبی داره، چشمو ببندم و دهانمو وا کنم تا بلال بذاره تو دهنم. چشمو که بستم، احساس کردم که که چیز داغی رفت تو دهنم. وای کیر بود. اولش خیلی خجالت می‌کشیدم، اما یواش یواش عادت کردم. کیرشو تا ته کرده بود تو دهنم. داشتم خفه می‌شدم. بعدش کیرشو کشید بیرون و گفت مانتومو درآرم، داشتم اینکار رو میکردم که منو رو کاناپه خوابوند و خودش بقیه لباسمو درآورد و یگراست رفت سراغ پاهام، بعد کیرشو فرو کرد تو کس‌ام. از درد نمی‌تونستم تکون بخورم، اونم هی فشار میداد. تازه به کس‌ام هم راضی نبود، نوک مامانی‌هام رو هم هی نیشگون میگرفت و صورتمو می‌بوسید. جاش هنوز رو لپام مونده. کارمون که تموم شد منو رسوند خونه. حالا من با اون هستم اما با دو نفر دیگه هم هستم که گاهی همه با هم حال میکنیم. ممنونم که سه کاف سکس واقعی و زندگی یادم داد.

۱۳- نامه به سه کاف و جواب آن

م. از اردبیل

من تمامی شماره‌های سه کاف را خوانده‌ام و از خواندن آنها لذت می‌برم، مخصوصاً از قسمت سؤال و جواب. در مورد یکی از مطالب صحبتی با شما داشتم، امیدوارم سرتان را درد نیاورم. من با این گفته شما موافقم که افراد باید از آزادی جنسی برخوردار باشند (البته در صورتی که به حریم افراد تجاوز نشود) اما نه افراد متاهل!!!!؟؟؟ یکی از دلایل (یا بهتر بگویم فواید) ازدواج رفع نیاز جنسی در چارچوب قوانین خانواده می‌باشد که حفظ این قوانین برای استحکام خانواده ضروری هستند. اما روش ضربداری با این قوانین مغایرت دارد و باعث سست شدن پیوند بین اعضای خانواده میشود و این کار بی احترامی به کانون خانواده است. به نظر من اگه قراره که ما شرکای جنسی متعدد داشته باشیم، بهتر است اصلاً ازدواج نکنیم چون این کار ما توهین به خانواده است. در پایان می‌خواستم تعریف شما را از خانواده و دوست داشتن (نه عشق و سکس بدانم و همچنین از اطلاعاتی که به ما جوانان درباره سکس می‌دهید، تشکر کنم. شاد و تندرست باشید.

جواب سه کاف:

سلام دوست عزیز اردبیلی ما، خوشحالیم که نظرات خود را با ما و دیگر خوانندگان سه کاف مطرح کرده‌اید. همانطور که خواسته‌اید نظر خودمان را هم برای اطلاع شما و هم برای اطلاع دیگر خوانندگان بیان میکنیم. ببینید، همزمان با پیشرفت علم و دانش و در کنار آن گسترش آگاهی‌ها و سطح حقوق و آزادیها و آشنایی مردم با حقوق مدنی و اجتماعی خود، بسیاری از مفاهیم و تعاریفات آنها هم دچار تغییر و تحول میشوند و این همان پروسه تغییرات و پیشرفت فرهنگی در یک اجتماع است. ظاهراً در نظر شما خانواده اینطور تعریف میشود: یک مرد، یک زن و احتمالاً یکی چند کودک. اما این را بگوئیم که این یک تعریف سنتی از خانواده است، یک تعریف خیلی قدیمی و بسیار مذهبی و محافظه کارانه. امروزه در جوامعی که آزادی و حقوق بشر در آنها رعایت میشود، ضمن پذیرش وجود چنین کانونهایی به عنوان خانواده اما همه چیز را به آن محدود نمی‌کنند، بلکه تعریف گسترده‌تر و امروزی‌تر و معقولانه‌تری از کانون خانواده را پذیرفته‌اند.

مثلاً در جوامعی که آزادی همجنسگرایان در آنها تضمین شده، (تمام کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا، استرالیا و ...)، دو زن همجنسگرا یا دو مرد همجنسگرا هم با هم زندگی مشترکی را بنا می‌نهند و این زندگی مشترک خود را درست مثل یک زن و شوهر (که ثبت میکنند)، آنها هم زندگی مشترک خود را بشکل رسمی و قانونی ثبت کرده و دولت و قوانین خانواده شامل حال آنها هم میشود مانند، حق ارث، حق بیمه بیکاری و..... هرچند که در خیلی موارد بطور تمام و کمال و صددرصد تمام حقوق خانواده زن و شوهری شامل حال آنها نمی‌شود- اما همانطور که خود همجنسگرایان در این کشورها هم اعلام میکنند، آنها این حقوق را با مبارزه خود بدست آورده‌اند و مبارزه هنوز تمام نشده و کماکان به تلاش خود برای بدست آوردن حقوق کامل ادامه میدهند. شاید این حرفها را بیراهه رفتن بدانید، اما هدف ما این است که نشان دهیم برداشت‌ها از خانواده دگرگون شده و این شناخت برای ادامه بحث‌ها مهم است. مسئله دیگر، شکل نگاه و تلقی زن و شوهر از همدیگر است. در جامعه ما و خیلی جوامع مشابه ما در جهان سوم، زن حق انتخاب همسر خود را ندارد، پدر یا برادر و یا حتی بستگان دختر، بدون توجه به سلیقه، علاقه و نیاز دختر، او را به زور به مردی (که ممکن است نه از قیافه‌اش خوشش بیاید و نه از اخلاق و رفتارش) شوهر میدهند. خوب این دختر باید یک عمر در کنار این مرد زجر بکشد. بعد تا بیاید و چشمش را باز کند، بکپه می‌بیند که ۲-۳ بچه هم انداخته، و دیگه کامل خودش را فراموش میکند و به بچه‌ها میرسد. چنین دخترانی که متأسفانه در جامعه ما زیاد هم هستند، هیچوقت طعم و مزه خوشی، زندگی، لذت، سکس و.... را نمی‌کشند و به تمام معنی قربانی نادانی‌ها، زورگوئیها، ناموس و غیرت پرستی پدر یا دیگر مردان خانواده میشوند. در چنین خانواده‌ای نه مرد بدرستی ارضا میشود و نه زن، پس اگر هر کدام از آنها برای ارضای نیاز خود، به جاهای دیگر سر بکشند، نباید آنها را محکوم کرد، بخصوص که هیچ‌جا و منبعی برای آموزش سکس هم در اختیار ندارند و فقط غریزه آنها را به اینسو و آنسو میکشانند.

مسئله سوم این است که در جامعه ما مرد خودش را مالک زن میدانند، به خود حق میدهد زن را کتک بزند، او را در خانه زندانی کند، حق صحبت کردن با دیگران (حتی گاهی از رفت و آمد او با خانواده خود زن) را هم از او میگیرد، خوب آیا چنین خانواده و یا کانونی که بدون انتخاب دو طرفه و با زور بنا شده و بعدش هم فقط بر اساس رای و نظر یک طرفه (مرد) اداره میشود، میتوان آن

را مقدس دانست؟ یا قابل احترام است؟ این را هم به این اضافه کنید که در اکثر خانواده‌ها از ارضا زن خبری نیست و چون هیچکدام از دو طرف راه و رسم سکس و مشتقات آن را نمی‌دانند، به کاری که با هم انجام می‌دهند، به سختی میتوان نام سکس و لذت سکسی داد.

حالا بیائیم عکس قضیه را هم ببینیم: زن و شوهری که بر اساس آگاهی و شناخت همدیگر را برای زندگی مشترک انتخاب میکنند. هر دو طرف از حقوق خود و طرف دیگر شناخت کامل دارند، به هم احترام می‌گذارند و همانقدر به خود حق می‌دهند که به طرف مقابل و مهمتر از همه مرد خود را صاحب و مالک زن نمی‌داند بلکه به زن بعنوان یک انسان مساوی حقوق، مستقل، با رای و شناخت نگاه میکند. از آن گذشته نگاه مدرن و امروزی به سکس، نیازها و فانتزیهای جنسی خود و دیگران دارند، قبل از اینکه کسی یا چیزی را محکوم کنند، سعی میکنند از آن شناخت بدست آورند و درک کنند، چنین زن و شوهری، میتوانند خیلی با هم نزدیک و صمیمی شوند. حالا ضمن اینکه با هم سکس دارند، راحت با هم حرف میزنند و برای لذت بیشتر یا از روی کنجکاوی یا هر علت دیگر، تصمیم میگیرند که با هم با یک جفت زن و شوهر دیگر رابطه جنسی برقرار کنند. (یعنی هر دو همزمان به خود و دیگری حق لذت دادن و بردن را میدهند). تماس گیری جنسی این زوج با دیگران که از روی آگاهی و شناخت و نیاز خودشان صورت گرفته، نه حق کسی را ضایع میکند و نه توی رابطه بین خودشان حق کسی صورت میگیرد. از آن گذشته، عشق، احساس، نزدیکی و دوستی مترادف با سکس نیست، همانطور که عکس قضیه هم صدق میکند، یعنی اگر دو نفر با هم سکس داشته باشند، به معنای وجود عشق و احساس عمیق دوستی و خلوص دو نفر به هم نمی‌باشد. پس این زن و شوهر توان این را دارند که بین عشق، احساس و عاطفه خود به هم با مسئله رابطه جنسی با دیگران خط و مرزها را حفظ کنند. میخواهیم بگوئیم که در رابطه خود با دیگران، روی لذت جنسی، شادی، خوشی و... تاکید میکنند، در حالی که در رابطه فردی-خانوادگی خود علاوه بر چیزهای گفته شده، حس مطبوع آرامش، عشق، نزدیکی، حالت تعلق، خصوصی بودن و... را تجربه میکنند.

همه اینها را که گفتیم به این معنا نیست که بخواهیم همه زن و شوهرها را به سکس ضربدري تشويق كنيم، نه، ما اصلاً چنین قصدی را نداریم،

بلکه می‌خواهیم بگوئیم که اگر کسانی بنا به میل خود چنین کاری میکنند، ما به شیوه زندگی، حق انتخاب و روش و شکل رابطه آنها باید احترام بگذاریم. سود و زیانی که از این رابطه نصیب آنها و کانون خانواده آنها میشود، نتیجه انتخاب خودشان است و مسئولیت خوب و بد آن نه به ما و نه به هیچکس دیگری مربوط نمیشود، بلکه فقط به خودشان مربوط است، بعبارتی، هر کسی برای تصمیمی که میگیرد و کاری که انجام می‌دهد، باید آماده باشد که نتیجه تصمیم خود را هم قبول کند. این یعنی حق انتخاب را آزاد گذاشتن، یعنی افراد باید بتوانند همانطور که میخواهند (بشرطی که به حریم دیگران دخالت نکنند) زندگی خود را شکل دهند.

اتفاقاً زوجهایی که به روابط ضربدري می‌پردازند، دوام رابطه آنها معمولاً طولانی‌تر است، زن و شوهر با هم بیشتر رک و راست هستند، چیزی پشت سرهم قایم نمی‌کنند و در نتیجه به هم نزدیکتر و صمیمی‌تر می‌باشند. در چنین رابطه‌ای همانطور که گفتیم، مرد خود را مالک و صاحب زن نمی‌داند و خیلی چیزهای دیگر.

یک قضیه دیگر را هم باید اضافه کنیم و آن اینکه، چند تن از دوستان از مسئله خیانت زن و شوهرها به هم نوشته‌اند. ببینید کلاً قضاوت کردن درباره روابط خصوصی دو نفر (زن و شوهر یا دو شریک جنسی) کار ساده‌ای نیست و به هیچوجه نمی‌توان از روی روابط ظاهری، یا شکل قیافه یا دارایی و..... یک خانواده قضاوت کرد که در اندرون اتاق خواب آنها چه می‌گذرد و تا چه اندازه هر کدام از آنها ارضا میشود، جالب اینکه تمام کسانی که از امر خیانت گله و شکایت میکنند، بیشتر جنس مذکر هستند و از خیانت زنان میترسند، اما از خیانت مرد در جامعه (که بسیار بیشتر از خیانت زنها است) حرفی نمی‌زنند. چرا؟؟؟

اینجاست که دم خروس، مردسالار بودن، ضد زن بودن و ناموس پرست بودن و غیرتی بودن که تماماً سنتهای غلط و کهنه و از تفکر مالکیت زن توسط مرد، ریشه گرفته‌اند، نمایان میشود.

برای آزادی جنسی در ایران، راهی جز این نیست که باید آزادی، برابری حقوق و استقلال زن و مرد بطور کامل و مساوی رعایت شود و تفکر مالکیت زن، باکره بودن زن در شب اول عروسی و دیگر افکار عهد عتیق برای همیشه کنار نهاده شوند. در پایان خواندن مطلب " باز تولید مفاهیم

کهنه" در سه کاف شماره ۳ را به شما پیشنهاد می‌کنیم.
شاد باشید و امروزی.

۱۴- چهارشنبه سوری روز جشن و پایکوبی مردم

دوستانی از تهران، آذربایجان، کرج، مشهد، خوزستان، اصفهان و چند شهر دیگر خبر داده‌اند که برنامه‌های مفصلی را برای چهارشنبه سوری تدارک دیده و از ما خواسته‌اند که این را به همه اطلاع دهیم که خود را برای آن روز آماده کنند. چون می‌خواهند که این روز را به روز زورآزمایی با حکومت تبدیل کنند. اکثر این دوستان گفته‌اند که به چند دلیل می‌خواهند روز موعود را با شکوه خاصی برگزار کنند. یکی به این دلیل که برگزاری چهارشنبه سوری یک رسم و سنت ایرانی است و دیگری این که چون جمهوری اسلامی با شادی و جشن مردم مخالفت می‌کند و می‌خواهد که مردم همه عزادار و غمزده باشند، پس برای تقویت روحیه مردم و نشان دادن مخالفت خود با رژیم، چهارشنبه سوری را باید هرچه بهتر و وسیع‌تر برگزار کرد. دلیل دیگر این که شرکت وسیع همه مردم در مراسم چهارشنبه سوری مکمل پاسخ نه در انتخابات اخیر به رژیم خواهد بود. چون باید کاری کرد که رژیم از رو برود. مسئله مهمی که باید گفت این است که پدر و مادرها هم باید در این روز در کنار فرزندان خود در خیابانها باشند و آنها را در مقابل نیروهای بسیج رژیم تنها نگذارند. این هم نامه‌ای از یک جوان که ترفندهای رژیم را نشان می‌دهد:

حادثه روز سوم اسفند

من یه پسر سربزیرو آرامی هستم که کاری به کسی ندارم، ساعت ۹ صبح روز سوم اسفند، در خیابان با دوستم سجاد راه میرفتم، میخواستیم بریم سوپر مارکت برای خرید. یه دفعه دوتا از این سربازای کلاه کج بدون مقدمه و هیچ اختطاری، به ما حمله کردن و ما دوتا رو کشان کشان، با حالت وحشیانه و تمسخر و خنده بردن و تو یه مینی بوس چپوندن. آنقدر هم سریع کارشون رو کردن که ما حتی فرصت اعتراض هم نداشتیم، هرچی هم میگفتیم برا چی، و گناه ما چیه، گوششان بدهکار نبود. تو مینی بوس دیدیم که خیلی از جوونای دیگه رو هم مثل ما دستگیر کردن و مته حیوون تو یه هلفدونی مینی بوس رو هم انداخته بودن.

دوستم سجاد هم هی میگفت بابا، این مادرش منتظرش هست که از خرید برگرده ولی اونا اصلاً اعتنا نمی کردن. ما همه حدس زدیم که این یه طرح هستش، چون قبلاً هم دیده بودیم که هر از گاهی الکی و بی مقدمه میریزن و جوونا رو میگيرن. اما باور کنیم که از رفتار و حرکات سربازا کاملاً معلوم بود که با این کارشون دارن تفریح میکنن و هر کی دم دستشون می امد رو مشت و لگد میزدن و به همه فحش میدادن، میخواستن روحیه ما رو به هم بریزن.

یکی از بچه ها به اسم محسن که موهای بلندی هم داشت، بیشتر از همه اعتراض میکرد، بعد چندتایی سرش ریختن و آنقدر با مشت و لگد بجونش افتادند و موهاشو کشیدن که از حال رفت و چشماش سرخ سرخ شده بودن. من فکر میکردم که این چیزا مال تو فیلمها هستش و حقیقت نداره. واقعاً داشتم دیوونه میشدم یعنی حالا هم هنوز تعادل خودمو کامل ندارم. دیگه صدای بچه ها دراومده بود، میگفتیم مگه ما فلسطینی هستیم؟ اخه مگه ما چیکار کردیم؟ اما اونا فحش های ناموسی میدادن و هی کتک میزدن. یکیشون هم میگفت جوونای ما تو فلسطین کشته میشن و شما بچه مزلفا اینجا راحت هستین.

بعدش ما رو بردن بازداشتگاه. از مینی بوس که پیاده شدیم یک عده سرباز و افسر با فحش و تیپا و مشت و لگد بجان ما افتادند و خیلی هم بی رحم بودن. بعد ما رو به صف کرد. یک نفر که از ظاهرش باید سرهنگ باشه، اومد، یه نگاهی به همه کرد و گفتش شما با این ریخت و قیافه چطوری میخواین جلو آمریکا رو بگیرین و با آمریکا بجنگید. بعد از جلو همه رد شد و یکی یکی ما رو نگاه کرد و همینطور که رد میشد، یک لگد یا یه مشت و یا سیلی میزد. اگه هم یکی یه کفش شیک داشت، میگفت که کفش رو درآره و با چاقوی تیز پاره میکردن. یا اگه یکی ریش خودش تراشیده بود، آنقدر سیلی میزد که صورت طرف سرخ میشد. و به هر کس که یه ظاهر خوب، یا لباس منظم پوشیده بود، اونو توهین و مسخره میکرد و می خندید. خود من هم که حسابی مشت و لگد خوردم. خون تو چشم همه ما جمع شده بود ولی حیف که نمی تونستیم کاری بکنیم.

بعد مارو بردن به بازداشتگاه قاتلها و مجرمین. و دیدیم که خیلی های دیگه

رو هم گرفتن. تو باز داشتگاه آنقدر سرد بود که داشتیم می‌مردیم. اونجا یه نفر بود که مثل اینکه مدت زیادی بهش نرسیده بودن چون توی خودش مدفوع کرده بود و چقدر هم بد بو.

خلاصه یکی از اقوام ما که خبر بهش رسیده بود واسطه شد که من را آزاد کنند، اما قبلش باید تعهدنامه امضا میکردم. تو اتاق سرهنگ که رفتم، ۷-۸ ورقه رو میز نشونم داد و گفته که همه رو باید امضا کنی.

یکی این بود: اینجا در این مکان هیچگونه شکنجه نشدم و با من هیچگونه بد رفتاری صورت نگرفت و من خودم اعتراف کردم.

یکی دیگه این بود: من اعتراف میکنم که مقابل مدرسه دخترانه هنگامی که داشتم دختر بازی میکردم و به ناموس مردم چشم می‌انداختم و مزاحم نوامیس مردم میشدم، دستگیر شدم.

و خیلی از این چیزها.

بعدش منو آزاد کردن و فهمیدم که اون بدبختای دیگه رو ساعت ۲ صبح یعنی یازده ساعت بعد از دستگیری آزاد کرده بودن.

من نمی‌دونم که همه اونا حالا مثل من روانی شدن یا نه، ولی من مرتب موهای سرم را میکشتم و گریه می‌کنم چون بیگناه مجازات شدم.

جالبه اینو بهتون بگم که یکی از اونا تو حرفاش اعتراف کرد و گفت که از مقامات بالا دستور رسیده که در جریان انتخابات شوراها و تا شب

چهارشنبه سوری جوونا را با اینکار گیج کنن که فرصت هیچ کاری رو

برا اونها نذارن تا اگر احیاناً کسی رو دوباره تو چهارشنبه سوری دستگیر

کردن، پدر اونو در آرن و اینکه میخوان بین مردم رعب و وحشت بندازن تا فکر جشن و شادی رو از سر خودشون دور کنن.

=====

برای مقابله با این ترفند حکومت هم که شده، چهارشنبه سوری را به کارنوال جشن و شادی مردم تبدیل کنیم. خیابانها متعلق به مردم اند نه رژیم. خیابانهای خود را از اشغال آخوندها و مامورانشان آزاد کنیم.

۱۵- انزال زودرس و راه حل آن

تهییج سکسی و حشری، چه بصورت تماس مستقیم و چه غیر مستقیم، باعث راست و شق شدن آلت تناسلی مرد می‌گردد. هنگام نزدیکی جنسی

با تحریک کیر و خایه، چه بدست خود مرد و چه بدست شریک جنسی‌اش، حالت تهییج بیشتر میشود و با ادامه این تهییج چه بصورت دخول آلت تناسلی خود در طرف مقابل یا جلق زدن یا مکیدن کیر مرد توسط طرف جنسی خود به انزال یا خروج آب منی مرد منجر میشود.

مدت زمان انزال و خروج منی در افراد مختلف میتواند متفاوت باشد، همچنین هیچ قانون و قاعده‌ای هم نیست که مثلاً طبق آن انزال باید این یا آن مدت طول بکشد، معمولاً معیار را رضایت و ارضا دو طرف تعیین کرده‌اند.

انزال زودرس عموماً در اوائل شروع یک رابطه بیشتر مشهود است و این اغلب به خطر اضطراب، نگرانی و ناشی از حالتهای روانی است. به همین دلیل انزال زودرس اغلب در پسران و مردان جوان مشاهده میشود یعنی کسانی هستند که آنچنان تشنه و حشری مانده‌اند که کافی است به یک زن یا دختر دست بزنند تا بدون اراده و اختیار آب آنها راه بیفتند. پس اگر انزال سریع در اوائل یک رابطه و فقط مدت زمان کوتاهی باشد، (که در خیلی از افراد اینطور است) خوب بعد از مدتی امکان کنترل بهتر میشود و مشکل حل، یعنی طرف بمرور یاد میگیرد که خود را بهتر و طببلانی‌تر کنترل کند، اما اگر مسئله همچنان ادامه یابد، آنوقت است که میتوان از مشکلی بنام انزال زودرس در یک فرد صحبت کرد.

انزال زودرس بدون شک یک مشکل است و تنها مختص ما ایرانیان نیست، تقریباً در همه جای دنیا و در همه کشورها کم و بیش این مسئله وجود دارد، پس کسانی که مشکل انزال زودرس دارند، اینقدر احساس تنهایی نکنند.

اما چرا انزال زودرس را یک مشکل میدانیم، به این دلیل که بعد از خروج منی، کیر حالت شقی کامل خود را از دست میدهد و مدت زمانی لازم است که بتوان آن را دوباره به حالت اول برگرداند. در حالی که اگر زنی به ارگاسم برسد، تنها در عرض چند ثانیه میتواند حالت خود را باز یابد اما مردان به وقت خیلی بیشتری نیاز دارند و با توجه به قوه جنسی افراد که متفاوت است، ممکن است کیر طرف دیگر اصلاً بلند نشود. علاوه بر آن، با خروج منی و انجام گرفتن انزال، آن حالت حشری سابق هم از بین می‌رود. مسائلی که گفته شد، نه تنها مدت زمان لذت مرد را بشدت کاهش می‌دهد،

بلکه، از ارضا طرف مقابل هم خبری نخواهد بود و اینجاست که نارضایتی از سکس شروع میشود. به همین دلیل مشکل انزال هرچند که در ظاهر یک مسئله و مشکل مردانه است اما به زنان هم مربوط میشود و برای حل مشکل هر دو طرف باید اقدام کنند.

در کشورهای آزاد و حکومت‌هایی که به فکر سلامتی و بهداشت کامل شهروندان خود هستند، مطب‌های مخصوص برای مراجعه افراد و حل مسائل و مشکلات جنسی آنها وجود دارد، پایگاه‌های اینترنتی اطلاعاتی، و همین‌طور مطب‌های سکس‌ولوگ‌ها. (دروس و رشته‌های دانشگاهی برای تربیت مشاوران امور جنسی و سکس‌ولوگ که جای خود دارد)، اما ما ایرانیان از همه اینها محروم هستیم. با اینهمه برای حل مشکل میتوان به یکسری از پزشکان مراجعه کرد.

چگونه این مشکل را باید حل کرد

۱- آموزش درست سکس

در سکس خودخواه نباشیم، از تمرکز بیش از اندازه روی تهییج و احساسات و امر لذت‌بری شخصی دوری کنیم، این افکار را کنار بگذاریم که زنان ارگاسم نمی‌شوند، یا سکس یعنی فقط پاهای زن را روی دوش خود انداختن و پمپ زدن و تخلیه خود. پس عجله نکردن، بکارگیری بوس و کنار و نوازش و..... یک روش است که خیلی از ماها از کنار آن میگذریم.

کنار نهادن آنچه که تا کنون از سنت و فرهنگ حاکم یاد گرفته‌ایم، آشنایی درست با مسائل زنان، روحیه آنان، شیوه ارگاسم آنها و..... ما به اندازه کافی مطالب آموزشی در اینباره چه در سؤال و جوابها و چه در مقالات مختلف، در سه کاف چاپ کرده‌ایم و علاقمندان میتوانند با دقت آنها را بخوانند و بکار گیرند.

۲- یاد بگیریم که چه چیز و چه حالت و عمل بخصوصی انزال ما را تسریع میکند یا به راه می‌اندازد. یا کدام روش هنگام دخول باعث انزال سریع میشود؟ درک و فهمیدن این نکته به شما کمک میکند که با دوری از آن انزال را به تاخیر اندازید.

یادمان باشد که اگر می‌خواهیم از انزال زودرس جلوگیری کرده و خود را بیشتر کنترل کنیم، از این روش که زن روی کمر خوابیده و مرد پاهای او

را بلند کرده روی دوش تا رانهای خود می اندازد، به هیچوجه استفاده نکنیم، چون این روش امکان کنترل انزال را تقریباً ناممکن میکند، در عوض روشی که در آن مرد روی کمر خوابیده و زن روی آلت او می نشیند، امکان کنترل و به تاخیر انداختن انزال را افزایش می دهد.

۳- تمرینات

برای جلوگیری از انزال سریع (قبلاً هم در چند شماره سه کاف نوشته ایم.) یک راه این است که هنگام عمل، همینکه احساس کردید، دارید به انزال نزدیک میشوید، سر کیر خود را محکم با دست یا انگشتان خود فشار دهید، ترسی هم از این نداشته باشید که کیرتان بخوابد، راحت بعداً دوباره بلند می شود. بعضی ها حتی کیرشان را که داخل طرف هست در می آورند و سرش را فشار میدهند و دوباره می فرستن تو، اما اگر شما نخواهید اینکار را بکنید، میتوانید هنگامی که به انزال نزدیک میشوید، عمل تلمبه زدن را متوقف و ته دسته کیر خود را که بیرون مانده برای چند ثانیه طولانی فشار دهید که حالت انزال برطرف شود، بعد دوباره شروع کنید. اینکار را چندین بار میتوانید انجام دهید. یک روش دیگر اینکه، یک مقدار تمرین کنید به این شکل که با دست خشک و بدون چربی جلق بزیند و تا آنجا که میتوانید انزال خود را به عقب بیندازید (به این شکل که درست قبل از انزال دست نگه دارید و سر کیر خود را مثل بالا که گفتیم، فشار دهید)، حتی میتوانید از همسر و یا دوست دختر خود بخواهید که اینکار را برای شما انجام دهد چون برای ایشان هم لذت آور خواهد بود. سعی کنید برای مدتی اینکار را بکنید طوری که راحت بتوانید تا حداقل برای ۱۵ دقیقه جلق بزیند بدون آنکه آبتان بیاید. بعد از آن در جلق زدن دست خود را چرب کنید و به همان شکل سابق عمل کنید تا جایی که انزال با دست و کیر چرب شده هم تا حداقل پانزده دقیقه طول بکشد.

۴- بکارگیری " جلق پیشگیری "

این روش به این شکل است که پسر یا مرد قبل از نزدیکی به طرف خود و شروع هماغوشی، یک بار برای دست گرمی، در تنهایی خود جلق می زند و این باعث می گردد که هم تهییج خود را کمتر کند و هم آرامتر شود. بسیاری از افراد مجرد که هر از گاهی دوست دختر خود را می بینند و با هم سکس دارند، از این روش استفاده میکنند، اما تعداد کمی از مردان متاهل هم از آن استفاده میکنند.

۵- روش " وایستا-برو "

این روش به این شکل است که زن و مرد لخت و عریان در رختخواب که هستید، شما (مرد) روی کمر میخوابید و زن در کنار یا در وسط پاهای شما می‌نشیند و شروع به نوازش کیر مرد میکند. در این حالت مرد کاملاً آرام و بدون حرکت است و زن فاعل. مرد تمام حواس خود را روی نوازش‌ها و حرکات زن و لذتی که از این نوازش‌ها به شما (مرد) دست می‌دهد، متمرکز میکنید، اما همینکه حس کردید که تهییج جنسی شما آنقدر شده که ممکن است آبتان بیاید، فوری بگوئید: وایستا! پس زن حرکات خودش را متوقف میکند، کاری که به کاهش تهییج جنسی شما منجر میشود. (اما باید زمانی " وایستا" را بگوئید که میدانید توقف کار ایشان به خروج منی از شما منجر نمی‌شود - اگر اشتباه کردید، دفعات بعد یاد میگیرید که کی، دستور توقف دهید.)

بعد که تهییج شما فروکش کرد، زن دوباره نوازش‌ها و حرکات قبلی را از سر میگیرد و تا لحظه‌ای که باز شما " وایستا" را بگوئید، ادامه می‌دهد. اینکار را سه-چهار بار انجام دهید. دفعه آخر باید حرکات و نوازش‌ها تا خروج منی و انزال شما ادامه یابد.

اینکه هر از چند وقتی باید این تمرینات را انجام داد، به وقت، حال و هوا و نیاز شما دو نفر مربوط میشود. اما یادتان نرود که شما (مرد) تمام وقت باید مفعول باشید و زن فاعل و نوازش و تحریک کننده. در این روش به هیچوجه نباید مرد به نوازش زن بپردازد یا او را تحریک کند. اگر هم زن ضمن تحریک و نوازش‌ها خودش حشری شود (که امکانش زیاد است) و به ارگاسم احتیاج دارد، باید خود، به خودش کمک کند. چون باید بیاد بیاوریم که اینکار ضمن لذت بردن، اما هدف اصلی حل مشکل انزال زودرس مرد است برای داشتن سکس خوب و دوطرفه در آینده.

ادامه و تمرین روش فوق باعث میشود که مدت زمان نزدیکی انزال مرد هر چه طولانی‌تر شود و از آن گذشته مرد یاد میگیرد که انزال خود را راحت‌تر کنترل کند و به عقب بیندازد.

به این مرحله که رسیدید، نوبت برنامه بعدی است که به آن در قسمت یک اشاره کوتاهی کردیم؛ یعنی زن با دست چرب شده با کرم، یا روغن، برای شما جلق میزند. و به روش بالا، درست قبل از انزال، " وایستا" را بگوئید. این کار را هم چندین بار انجام دهید و بعد از سه چهار بار، میتوانید به خود اجازه انزال دهید.

برنامه فوق را که با موفقیت انجام دادید و حس کردید که کنترل بهتری بر انزال خود دارید و مدت خروج منی هرچه بیشتر طولانی‌تر میشود، وقت اجرا برنامه سوم " وایستا-برو " می‌رسد که انجام عمل دخول است: در این برنامه: مرد روی کمر می‌خوابد و زن روی آلت کبر او می‌نشیند و آرام بالا، پائین می‌رود (صعود و فرود)، و مرد کاملاً بدون حرکت و فقط متمرکز روی لذت و کنترل. در این حالت هم به محض اینکه مرد حس میکند که آمدن آیش دارد نزدیک میشود، باز " وایستا " رامی‌گوید و زن حرکات خود را قطع میکند. این کار را هم چهار بار انجام دهید و آخر کار دیگر " افسار را ول کنید "

ممکن است کسی این سؤال را مطرح کند که پس احساس زن و ارگاسم او تو این وسط چی میشود. جواب این است که دو نفر به توافق هم میتوانند قبل از شروع برنامه یا بعد از آن به تهییج و به ارگاسم رساندن زن اقدام کنند، این برنامه که در بالا گفته شد، حالت یک رژیم درمانی را دارد و به هیچوجه به معنای بها بیشتر یا کمتر به لذت مرد دادن نیست. این برنامه‌ای است که زن و مرد، در باره آن قبلاً با هم صحبت کرده و توافق میکنند که برای حل مشکل انزال زودرس مرد (که به هردو آنها مربوط میشود) اقدام کنند.

توجه و بکارگیری روشها و توصیه‌های فوق بطور جداگانه یا با هم و بطور جدی و با حوصله، به نتیجه مثبتی می‌انجامد، اما اگر باز هم نتیجه نگرفتید، میتوانید با یک دکتر در اینباره مشورت کنید.

۱۶- سؤال و جواب مسائل جنسی

سؤال ۱- مدتی است که هنگام سکس با زنم، او هیچوقت ارضا نمی‌شود این در حالی است که کیرم را حتی تا یکساعت در کس او عقب-جلو میکنم ولی فایده نداره و این مشکل بزرگی در زندگی ما پیش آورده. شما می‌گید چکار کنم؟

جواب: احتمالاً همسر شما به دلائلی دچار سرد مزاجی شده است. شما میتوانید به یک روانپزشک (متخصص اعصاب و روان) مراجعه کنید تا این مشکل

ریشه‌یابی شود. مطمئن باشید چاره‌ مشکل در دست پزشک است و او میتواند شما را راهنمایی کند. البته مشکل عفونت زنان را فراموش نکنید، زیرا بسیاری از این حالتها بخاطر عفونت دستگاه تناسلی زن (که بسیار شایع است) میباشد. ما قبلاً هم به یک علت مهم عدم ارضا نشدن زنان (بخصوص در خانواده‌های ایرانی) اشاره کرده‌ایم ولی باز هم تکرار میکنیم، وقتی در یک رابطه، چندین و چند بار، مرد فقط به خودش فکر کند، و هنگام سکس، بدون آماده کردن طرف مقابل، سریع به عمل دخول بپردازد و همینکه انزال صورت گرفت، کار را تمام شده تلقی کند و کار ارضا زن را نیمه تمام رها کند، خودبخود (حتی اگر زن نخواهد) اما از نظر روانی و سکسی، احساس و سکس زن (دست به اعتصاب می‌زند) و دیگر امکان ارضا کردن و به ارگاسم رساندن زن، فوق‌العاده سخت میشود. راه حل همانطور که در بالا گفته شد، یکی اینکه به یک روانپزشک مراجعه کنید، اما اگر این امکان را ندارید، بهترین کار این است که با هم صحبت کنید تا اعتمادها بیشتر شود و برای مدتی، اصلاً فکر انزال و دخول را فراموش کنید و تمام هم و غم خود را روی نوازش، تحریک و... زن خود متمرکز نمایید. خواهید دید که بعد از مدتی، مشکل حل خواهد شد.

سؤال ۲- پسری هستم ۳۱ ساله، اصلاً هم تفکر مذهبی ندارم اما تا مرحله ازدواج تمایلی به نزدیکی جنسی با کسی نیستم. میخواستم بدونم آیا خودداری از نزدیکی جنسی روی دستگاه تناسلی من تأثیر بدی خواهد داشت؟ و ممکن است که من عقیم شوم؟

جواب: تأثیر منفی ندارد (از نظر جسمی) و باعث عقیمی نمی‌شود، اما ممکن است دچار مشکل روحی شوید، اما اگر به کاری که میکنید، اعتقاد دارید بعید است که دچار مشکل روحی شوید، ولی چنانچه نیازهای خود را بخواهی بطور ارادی سرکوب کنی و روی احساس خود پا بگذاری، متأسفانه آسیب شدیدی به روح و روان خود وارد کرده‌ای.

سؤال ۳- آیا از نظر اسلام، میتوان از راه کون با یک دختر سکس انجام داد؟ آیا اینکار گناه است؟

جواب: ما متخصص و کارشناس اسلام یا هر مذهب دیگری نیستیم. اما اگر

مقاله اومانيسم و جنسيت در شماره ۲۵ را بخوانيد، مي بينيد كه به نظر ما كلاً قاطبي كردن دين با سكس و مسائل و نياز انسانها يك چيز غلط است. دين و مذهبي كه توي کشور ما هست و بخصوص از طرف آخوندهاي حاكم تبليغ ميشود، را کنار بگذاريد. اگر واقعاً به خدا اعتقاد داريد و ميخواهيد مذهبي باشيد، سعي كنيد يك رابطه عقلائي، روحي - دروني و فردي در قلب خود با خدا برقرار كنيد و به يك شناخت فردي - خصوصي از دين برسيد، در کنار آن، از سكس، نياز خود و زنان يك شناخت حداقل نسبي بدست آوريد و براساس نياز و سليقه فردي خود و زني كه با او هستيد عمل كنيد. مهم اينكه در انجام هر عملي هر دو نفر با شناخت و براساس حق انتخاب و آزادي و نياز دوطرفه خود عمل كنند. اصلاً وقتي صحبت از گناه به ميان مي آيد يعني كساني برداشتهاي متحجر خودشان را پتك کرده و توي ذهن ما گذاشته اند تا خود، خودمان را سانسور و سرکوب كنيم. با چي؟ با همان حس گناه.

سؤال ۴- مردی هستم با سن زياد ولي جوان قلب. چند سالي است كه همسرم اعلام کرده ديگر تمايلي به سكس ندارد و به اين دليل حداقل هفته اي يكبار استمنا مي كنم. آيا ممكن است اينكار براي مردی در سن من (بالاي ۶۰) ضرر داشته باشد؟

جواب: صدا البته كه ضرري ندارد. جلق زدن به سن ربطي ندارد، البته اگر دلائل عدم تمايل به سكس در همسر خود را جويآ شويد و بتوانيد با هم لذت مشترك ببريد مثلاً با هم استمنا كنيد، كه خيلي خوب ميشود. مطالعه (افزايش سن و نياز جنسي) در شماره هفده سه كاف را هم بشما توصيه مي كنيم.

سؤال ۵- مدتي است كه ازدواج کرده ام و راضي كردن زنم در سكس براي من خيلي مهم است. مشكلي كه دارم اينكه زنم خيلي حشري است. اوائل به ۲-۳ بار ارگاسم شدن قانع بود و حالا به ۴ بار هم رسیده. دوست هم ندارم كه از اسپري استفاده كنم تا كيرم را شق نگه دارم. شما ميگوئيد من چكار كنم؟

جواب: شما بايد از نظر رواني بيشتري به هم نزديك شويد و ميتوان از آميزش ناپيوسته استفاده كنيد. همينطور ميتوانيد با كمك دست و دهان و زبان ابتدا چند بار همسر خود را به ارگاسم برسانيد و دفعه آخر با هم به يك ارگاسم

شدید و نهائی برسید.

سؤال ۶- فرق زنان سیده که دستار به سر می‌بندن با زنان معمولی چیست؟

آیا این درسته که میگویند که زنان سیده دیرتر از بقیه یائسه میشوند؟

جواب: نه درست نیست. اینکه این زنان سیده هستند به این دلیل است که بنا به اعتقادات مذهبی گویا نسب آنها جد اندر جد به اولاد پیغمبر می‌رسد ولی از ما به شما نصیحت این چیزها را پشت گوش خود بیندازید و فراموش کنید و به کسی نگوئید تا خرافات بیشتر از این به نسلهای بعدی منتقل نشود.

سؤال ۷- مردها معمولاً دوست دارند که کیرشان بزرگ باشد. زنها میخواهند که آلت آنها چگونه باشد؟

جواب: به آن شدتی که مردها به اندازه کیر خود، بها میدهند طوری که گاهی حتی ممکن است (دچار عقده شوند)، زنها به آلت خود آنقدر بها نمی‌دهند، اما هستند زنانی که به اندازه پستانهای خود حساس هستند و دوست دارند که پستانهای بزرگ داشته باشند، تعداد کمی هم علاوه بر سینه میخواهند پاهای خوش تراش و بی مو یا باسن زیبا و خوش ترکیب داشته باشند، اما همانطور که گفته شد، هیچکدام به شدت (عقده مردان) در رابطه با کیرشان نیست. لازم به ذکر است که علت این همه عقده مردان به اندازه کیر به این دلیل است که علاوه بر افزایش حس اعتماد به نفس (به غلط)، همینطور فکر میکنند که زنان به اندازه کیر بها میدهند و خوشبختی و سکس خوب را به اندازه کیر نسبت میدهند، درحالی که اصلاً اینطور نیست، و اکثر مطلق زنان به اندازه کیر بها نمی‌دهند. مهم این است که با این کیر (چه بزرگ و چه کوچک) چه کاری میکنید و چگونه آن را بخدمت میگیرید، میباشد.

سؤال ۸- دختری هستم ۱۹ ساله که بعلت نداشتن جا، فقط در جاهای خلوت یک سکس خیلی جزئی با دوست پسرم دارم، یعنی یک رابطه جنسی ساده و خیلی سطحی. و دوست پسرم ارضا میشه اما من ارضا نمی‌شم. ولی هر بار که اینکار را می‌کنیم، من زیر دلم درد میگیره یعنی همانجائی که موقع پریود هم درد میگیره. میخواستم بدونم آیا این با ارضا نشدن من ربط داره یا علت چیز دیگری می‌باشد؟

جواب: این مسئله به احتمال زیاد روانی است (فکر و خیال) یعنی وقتی شما

ارضا نمی‌شوید، فکر میکنید که حتماً باید مشکل پیدا کنید، پس دچار این حالت میشوید. سعی کنید از همین رابطه سطحی خود، حداکثر استفاده را بکنی تا به ارگاسم برسی. البته به ارگاسم نرسیدن متوالی در سکس ممکن است روی مزاج شما در سکس تاثیر منفی بگذارد، (در پاسخ سؤال یک توضیح داده‌ایم)

سؤال ۹- چطور میتوانم قبل از ازدواج اطمینان حاصل کنم که در آینده بچه دار میشوم؟

جواب: اگر شما مذکر هستید، با آزمایش اسپرم (Seminalysis) و سونوگرافی از بیضه مشخص میشود. در خانمها تنها از طریق سونوگرافی مشخص میشود. شرط بچه‌دار شدن یک جفت این است که هر دو امکان بچه‌دار شدن را داشته باشند، اما پیشرفت تکنیک لقاح مصنوعی و..... کارها را راحت کرده است.

سؤال ۱۰- زنی هستم که خیلی از سکس خوشم می‌آید اما مشکلی که دارم این است که وقتی شوهرم، آلت خود را در واژن من فرو و عقب-جلو میکند، بادی از واژن من خارج میشود و صدا هم میدهد مثل هنگامی که باد معده از راه عقب بیرون می‌آید، اما باد واژن بویی ندارد. این خیلی خجالت آور است و باعث شده که از سکس کردن، بیزار شوم. آیا راه حلی وجود دارد.

جواب: فکر میکنیم قبلاً به این سؤال جواب داده‌ایم، اما تکرار میکنیم. این پدیده در تعدادی از زنان دیده میشود، یعنی به همراه فرو رفتن آلت مرد، باد هم وارد میشود و با خروج آن، این باد فرصت بیرون آمدن یافته و در نتیجه اصطکاک آلت مرد و زن، صدا هم تولید میشود. متأسفانه راه حلی برای آن وجود ندارد، در انگلیسی این را فانی فارت میگویند.

(در فارسی میتوانیم آن را کس گوزی بنامیم) و با یک خنده و مزاح آن را رد کنید. همینطور سعی کنید حالت سکس و قرار گرفتن هنگام انجام عمل را هم تغییر دهید، گاهی اینکار مؤثر است.

سؤال ۱۱- چند وقت قبل که با دوست دخترم سکس داشتم، بعد از پایان کار متوجه شدیم که از آلت دوستم خون می آید، فرداش پیش دکتر رفت و گفتن که پرده اش حلقوی است. حالا با توجه به گفته های قبلی شما در باره پرده حلقوی، چرا از آلت دوستم خون آمد؟
جواب: پرده حلقوی هم انواع مختلف دارد، احتمالاً پرده دوست شما دچار آسیب (زخم) شده ولی پاره نشده است.

سؤال ۱۲- من هر وقت با کس دوست دخترم بازی میکنم (حتی نوازش و مالش خفیف) او احساس درد میکند. چکار کنم که کمتر درد داشته باشد؟
جواب: باید دوست شما برای معاینه دستگاه تناسلی اش به پزشک مراجعه کند چون ممکن است مشکل داشته باشد.

سؤال ۱۳- پسری هستم ۲۰ ساله، وقتی با شریک جنسی ام سکس دارم، بعدش تا مدتی گرمای زیادی توی بدن و آلت حس میکنم. آیا این طبیعی است؟
جواب: بله، این مسئله کاملاً طبیعی است و در بعضی افراد دیده میشود.
سؤال ۱۴: علائم بیماری بواسیر (یا همان هموروید) چی هست؟ آیا درمان دارویی هم وجود دارد؟ یا فقط جراحی؟ آیا کسی که بواسیر دارد، میتواند از عقب سکس داشته باشد.

جواب: ساده ترین علامت آن خونریزی هنگام دفع مدفوع است. این بیماری به علت بیرون زدن عروق مقعد است. درمان دارویی آن خوردن موادی است که مدفوع را شل میکند و استفاده از پماد یا شیفت آنتی هموروید است اما درمان جراحی نیز دارد. برای کسی که دارای هموروید است، سکس از راه مقعد بسیار دردناک است و همراه با خونریزی و به همین دلیل حتی امکان سرایت بیماریهای مقاربتی نیز بیشتر میشود. پس از اینکار اجتناب کنید. از نشستن زیاد خودداری نمائید، پیاده روی و ورزش و آشامیدن آب زیاد را هم فراموش نکنید.

سؤال ۱۵: من همیشه فکر میکردم که یه زن نمی تونه مثل مرد ارگاسم بشه، اما با خواندن سایت شما خیلی چیزها یاد گرفتم. تاحالا هشتاد بار با زنم سکس داشته ام ولی تاحالا ندیدم که حین سکس ارگاسم بشه. تا جایی که میتونم

هم از متدهایی که شما گفته‌اید استفاده میکنم و کس‌اش را می‌لیسم و آنقدر در آمدن خودم صبر میکنم تا خودش بهم بگه بیا. پس چرا اون ارگاسم نمی‌شه؟ کس‌اش هم خیلی زیاد خیس نمی‌شه فقط خیلی کم. خواهش میکنم یکسری توضیحات بدهید. این رو هم بگم که خیلی از دوستان من هم همین مشکل را دارند.

جواب: متأسفانه درباره سؤال شما بدون معاینه نمی‌توان نظر داد، اما شما میتوانید با استفاده از جوابهایی که در سه‌کاف داده شده و یا مقالات استفاده کنید. در مورد این مسئله توضیحات کافی وجود دارد. اما اگر جواب خود را نگرفتید یا تغییری در ارگاسم همسر شما ایجاد نشد، با یک متخصص اعصاب و روان مشورت کنید.

سؤال ۱۶: آیا سرد شدن بیضه‌ها بمدت یک هفته و آنهم پشت سر هم طبیعی است؟ سؤال دیگه اینکه آیا با آزمایش خون و ادرار میشه فهمید که طرف سکس داشته؟

جواب: در مورد سؤال اول، کم توضیه داده‌اید و جواب دادن مشکل است، در باره سؤال دوم، اصلاً امکان ندارد.

سؤال ۱۷- در کتاب گناهان کبیره خواندم که جلق زدن یک گناه عظیم است شما میگوئید که من چکار کنم؟ چون خیلی حشری هستم و گاهی مجبور میشوم جلق بزوم.

جواب: کتاب گناهان کبیره را توی کوزه بگذارید و به مدرسه علمیه بفرستید که آبش را بخورند. پول خود را هم بجای خرید چنین کتابهایی صرف خرید یک کادو برای دوست دختر خود بکنید یا در هر راه دیگری که خود بهتر تشخیص میدید، درباره سکس و گناه به سؤال و جوابهای همین شماره توجه کنید. پس جلقات را بزوم و به ریش هرچی قدیمی بخند.

سؤال ۱۸- پسری هستم که مشکل گفتاری دارم یعنی حرفهایی مثل (س) و (ز) را نمی‌توانم خوب ادا کنم و به همین خاطر خجالت می‌کشم که با دخترها حرف بزوم. آیا برای مشکل من راه‌حل درمانی وجود دارد؟ لطفاً راهنمایی کنید و به من بگوئید که به کدام پزشک باید مراجعه کنم؟

جواب: شما باید به یک گفتار درمان مراجعه کنید. مشکل شما قابل حل است. در باره صحبت با دخترها اعتماد به نفس خود را بیشتر کنید، هیچ کسی در این دنیا پیدا نمی شود که از همه جهت کامل و بدون نقص باشد.

سؤال ۱۹- میدانم که قبلاً چیزهایی در باره پرده نوع حلقوی نوشته‌اید اما خواهش میکنم بطور کامل در باره آن بنویسید، مثلاً امکان پاره شدن در شب اول؟ با زائیدن چی؟ خون کمتر یا بیشتر از این پرده خارج میشود؟ خوب اگر من پرده حلقوی داشته باشم و شب اول خونریزی نداشته باشم، شوهرم فکر میکند من قبلاً سکس کرده‌ام؟؟ چکار باید کرد؟ راستی انواع دیگر پرده بکارت را هم بگوئید، خیلی ممنون.

جواب: پرده حلقوی معمولاً در حین سکس پاره نمی شود (البته بستگی به آلت تناسلی مرد دارد) اما گاهی بدون پاره شدن، کمی خونریزی میکند که به علت خراش برداشتن است (بدون پاره شدن). اما پرده حلقوی با زایمان پاره میشود (در ۹۹٪ موارد)، یعنی کسانی دیده شده‌اند که بعد از زایمان هم پرده آنها پاره نشده است. اینکه اگر پرده پاره نشود، مشکل ساز میشود، باید گفت اینکه شما با وجود پرده حلقوی آیا سکس داشته‌اید یا نه و اینکه هنوز پرده دارید یا نه را پزشک قانونی تشخیص میدهد. در باره انواع پرده‌ها قبلاً در سه کاف مطرح شده است.

سؤال ۲۰- من هر وقت با دوست دخترم سکس دارم، بیضه‌ها گویا گم میشن و غیبتون میزنه. نمی دونم کجا. میشه برام توضیح بدین؟
جواب: شما نیاز به معاینه دارید و بدون معاینه نمی توان نظر داد، چون این حالت عادی نیست (البته از سؤال شما اینطور برداشت میشود).

سؤال ۲۱- آیا پرده بکارت از باردار شدن دختر جلوگیری میکند؟
جواب: بطور صددرصد جلوگیری نمی کند، اما بسیار مؤثر است و به عنوان یک سد مکانیکی عمل میکند، اما پرده بکارت حلقوی اصلاً در جلوگیری از بارداری نقش ندارد. ساده‌ترین چیزی که باعث عقب افتادن پریود میشود، بارداری است، البته این بدان معنی نیست که هر موقع دوره پریود عقب افتاد شما باردار هستید، زیرا عوامل بسیاری باعث عقب افتادن

پریود میشود مثل: استرس، تغییر مکان جغرافیایی (مثلاً مسافرت)، تغییر رژیم غذایی، مصرف قرصهای ضد بارداری، برهم خوردن تعادل هورمونی، بیماریهای دستگاههای دیگر بدن (مثلاً تب) و.....

سؤال ۲۲- آیا زن از راه کون حامله میشود؟

جواب: نه، زن از راه واژن حامله میشود؟

سؤال ۲۳- آیا قرص Siprofloxacin حاوی ویابرا است؟

جواب: نه، همانطور که از اسم این دارو پیدا است (هم بصورت قرص هست و هم بصورت مایع) برای درمان عفونت است و حتی ممکن است کسانی نسبت به آن حساسیت داشته باشند.

سؤال ۲۴- دختری هستم ۲۳ ساله و خیلی حشری. چگونه میتوانم از روی ظاهر پسر یا مردی بفهمم که کیر بزرگ دارد؟ آیا این درست است که میگن پسرهایی که بینی یا پاهای بزرگ دارند، کیرشان هم بزرگ است؟

جواب: نه، درست نیست، اینها همه شایعه است. از روی قیافه نمی توان تشخیص داد. کسانی هستند که ممکن است هیكل بزرگ و بلندی داشته باشند ولی کیرشان کوچک باشد و بلعکس، (به این معنا نیست که همه هیكل دارها و یا قد بلندان کیرشان کوچک است و یا یا اینکه همه افراد با جثه ریز کیر بزرگ دارند) همینطور از روی اندازه بینی یا پا هم نمی توان تشخیص داد. این را هم بگوئیم که مردانی هستند که کیرشان در حالت خوابیده خیلی کوچک است و اصلاً معلوم نیست اما شق که میکنند کیرشان خیلی رشد میکند و بلعکس کسانی که کیرشان در حالت خوابیده خیلی جمع نشود، شق که بکنند، کیرشان فقط کمی بزرگتر میشود، این را به این دلیل میگوئیم که از روی کیر خوابیده هم نمی توان اندازه آن در حالت راست و شق بودن را تخمین زد.

سؤال ۲۵- آیا این گفته درست است که مردی با یک بیضه هم میتواند بچه دار شود؟ (اگر از نظر حشری شدن و خروج منی مشکلی نداشته باشد).

جواب: بله، اگر همان یک بیضه کارکرد معمولی داشته باشد، که از سؤال شما اینطور استنباط میشود، فرد میتواند بچه دار شود.

سؤال ۲۶- دختری هستم که چون سکس نداشته‌ام چندتا سؤال تو ذهنم هست، سؤال من اینه که آیا بدون تلمبه زدن مرد، زن میتونه به ارگاسم برسه یا نه؟ مرد چی؟ اونم میتونه بدون تلمبه زدن آب منی اش خارج بشه؟ سؤال بعدی اینکه اگر شلووار کسی در میان کون اش گیر کنه، میشه گفت که طرف از عقب سکس داشته؟ مرسی از جوابتون.

جواب: اگر منظور شما از تلمبه زدن همان دخول آلت تناسلی مرد در واژن زن باشد و بعد عقب- جلو کردن، بله میتواب بدون انجام اینکار هم زن به ارگاسم برسد و هم مرد به انزال برسد. مطالعه مطالب و مقالات سه کاف را به شما توصیه میکنیم. درباره گیر کردن شلووار در کون؟؟؟ شما هم این شایعات و حرفهای صدمن یک غاز را فراموش کنید.

سؤال ۲۷- پسری هستم سبزه و کیرم سیاه است. میخواستم بدونم که آیا رنگ کیرم تو روابط زناشوئی تاثیر منفی خواهد داشت؟ چکار کنم که کیرم سفید بشود؟

جواب: در اکثر مردها و پسرها، رنگ کیر کمی تیره‌تر از رنگ معمولی پوست است.. حالا اگر کیر طرف هم خوابیده باشد و پوست آن جمع شده، خوب این تیره بودن بیشتر میشود، رنگ کیر، شکل و اندازه آن و یا به چپ و راست متمایل بودن آن تاثیری در روابط زناشوئی ندارد (اگر در حد متعارف باشد) (در اینباره توی شماره‌های قبل بیشتر توضیح داده‌ایم). رنگ کیر را نمی‌توان عوض کرد، چون این هم بخشی از رنگ پوست شماست، حالا چرا شما میخواهید رنگ کیر خود را عوض کنید؟ یادتان نرود که خیلی‌ها از کیر سبزه یا سیاه خیلی هم لذت می‌برند و گرنه کیر آفریقایی اینهمه معروف نمی‌شد.

سؤال ۲۸- دختری هستم ۱۸ ساله که هنگام پیروود ماهانه با یک پسر سکس داشتم و پرده‌ام پاره شد. اینکار چه مشکلاتی ممکن است برای من در آینده ایجاد کند؟ آیا امکان نازائی وجود دارد؟

جواب: چرا فکر میکنید که پاره شدن پرده بکارت به نازایی منجر میشود،

مگر این نیست که زنان معمولاً بعد از پاره شدن پرده بکارت بچه دار میشوند؟
اینکه پاره شدن پرده بکارت شما ممکن است چه مشکلاتی برایتان ایجاد کند یا نکند، بستگی به این دارد که چقدر به فردیت خود احترام میگذارید، و مهمتر از همه اینکه با چه کسی ازدواج میکنید. با کسی که متمدن و امروزی و آگاه و با شعور و آسنا به مسائل است یا اینکه با یک نره خر، بی فرهنگ، که افکار کهنه و قدیمی و دید عقبمانده و مردسالار نسبت به زنان، سکس. دارد.

سؤال ۲۹- پسری هستم ۲۷ ساله که یک راز مگو دارم و می ترسم با کسی مطرح کنم. من شدیداً از لیسیدن پا و انگشت طرف جنسی خودم لذت میبرم، همینطور در ضمن سکس دوست دارم که نقش برده را بازی کنم و بطرف مقابل التماس کنم و از خرد شدن و تحقیر شدن خیلی زیاد لذت می برم. حالا می ترسم که اگر ازدواج کنم، زنم از این حالت من خوشش نیاید و یا اینکه از من سو استفاده کند، چکار کنم؟

جواب: بارها و بارها به سئوالاتی مشابه سؤال شما جواب داده ایم. دوست عزیز این فکر و توهم را کنار بگذارید که همه مردم به یک حالت خاصی سکس دارند، یا همه فقط یک شکل نیاز دارند یا به یک شکل سکس میکنند. این بقول سیاسیون یک هژمونی بیخود است. اصلاً اینطور نیست. شکل سکس، نیاز، خواسته ها و... در یک اجتماع به اندازه و تعداد افراد آن اجتماع متفاوت است. حالا تعدادی هم مثل شما هستند. نه عیبی دارد و نه ایرادی. مطلب با فتیشیسم آشنا شویم و سادو-مازوخیسم را بخوانید، همینطور سؤال و جوابها و مقالات شماره های مختلف سه کاف را.

ممکن است زن شما، از احساسات و خواسته اتان سو استفاده کند؟ بستگی به این دارد که طرف چقدر مایه داشته باشد. همه زنان طرفدار این نیستند که مرد برده آنها باشد اما زانی هم هستند که برای کسی مثل شما جون میدهند، مهم پیدا کردن هم است و بس. اگر می پرسید کجا همدیگر را پیدا کنیم؟ این همان مشکل همه است. امیدواریم که با هرچه زودتر رفتن این رژیم، ما ایرانیان امکان این را پیدا کنیم که افراد با نیازها و علاعق مختلف

بتوانند کلوبها، گروهها و مکانهای خاص خود را داشته باشیم و راحت بتوانیم افراد (هم علاقه) خود را پیدا کنیم. درست همانطور که امروز مردم کشورهای آزاد این امکان را دارند.

سؤال ۳۰- سرطان پروستات چی هست، چگونه بوجود می‌آید و آیا راهی برای جلوگیری از آن وجود دارد؟

جواب: با توجه به اینکه چندین سؤال مختلف درباره پروستات به ما رسیده، اگر تا قبل از چاپ این شماره رسیدیم، مطلبی جداگانه در باره پروستات خواهیم نوشت، اگر نشد، در شماره بعدی خواهیم آورد و در آن از جمله به سؤال شما و دیگر دوستان جواب خواهیم داد.

سؤال ۳۱- مشکلی که من دارم اینه که سکس با دوست پسر فعلی‌ام را با سکس با دوست پسر قبلی مقایسه میکنم و یه حس عدم رضایت دارم. شما می‌گید چکار کنم؟ دوست پسر فعلی را هم خیلی دوست دارم.

جواب: مقایسه رابطه و سکس در رابطه جدید با سکسی که با دوست سابق خود داشته‌اید، تقریباً معمولی است، بخصوص اگر از رابطه قبلی مدت زمان درازی نگذشته باشد، اما اگر فکر میکنید که این مسئله برایتان مشکل ایجاد میکند و در رابطه جدید خلل ساز شده، علل آن ممکن است این باشند: ۱- ممکن است دوره "غم و غصه" جدایی قبل کوتاه بوده و شما قبل از حل آن از نظر روحی و روانی، سریع وارد یک رابطه جدید شده‌اید. ۲- احساس "تموم نشدن" رابطه قبلی در درون شماست، فکر میکنید که یا همه حرفها را بطرف قبلی زده‌اید یا اینکه کاری که باید انجام میدادید، فرصتی برایش پیدا نیامد، و یا اینکه شما در یک دوره "عزاداری طولانی" درمورد رابطه قبلی گیر کرده‌اید. اگر اینطور است یک راه حل، صحبت کردن با طرف قبلی (خیلی راحت و دوستانه) یا با یک روانشناس است. (صحبت و درد دل با دوستان هم کمک میکند). ۳- دوست پسر فعلی همانی نیست که میخواهی و در امر انتخاب عجله کرده‌ای، یا اینکه اون چیزی که دوست سابق به شما

میداده (روحی-روانی، سکسی یا....) را دارا نیست و آخر اینکه ممکن است آنطور که باید و شاید واقعگرا نیستید و خواسته‌های خود را خوب نمی‌شناسی.

سؤال ۳۲- مردی هستم ۶۲ ساله و توانستم از یک جایی قرص سیلدنافیل تهیه کنم و نتیجه اینکه خیلی حشری شده‌ام و میخواهم سکس داشته باشم اما زخم تمایل چندانی ندارد. میخواستم بپرسم آیا مشابه قرص ویاگرا برای زنان هم وجود دارد یا نه؟

جواب: میدانید که این همان قرص معروف ویاگرا میباشد. این را میدانیم که شرکت مربوطه روی تولید قرص مشابهی برای زنان هم کار میکند. یعنی روی تولید قرصی برای زنان کار میکنند که جریان خون به چوچوله و واژن زن را افزایش میدهد (همان کاری که قرص ویاگرا در مردان باعث میشود= افزایش جریان خون به آلت مرد) اما اینکه آیا افزایش جریان خون به دستگاه جنسی زن از جمله چوچوله و متورم شدن آن (همانند آلت مرد) به افزایش قوه جنسی و لذت جنسی زن منجر میشود(کاری که در مردان صورت میگیرد) هنوز ثابت نشده و باید منتظر جواب ماند، یک واقعیت این است که حساسیت جنسی به همراه بالا رفتن سن، هم در مردان و هم در زنان کاهش می‌یابد.

سؤال ۳۳- آیا نداشتن سکس ممکن است برای من خطر روحی و جسمی داشته باشه؟ (من پسر هستم) و وقتی زنی یا دختری از کنارم رد میشه، این اواخر حالت لرز و رعشه به من دست میدهد.

جواب: پاسخ سؤال شماره ۲ را بخوانید. این حالت شما حکایت از این دارد که شما احساس خود را سرکوب میکنید. این را بگوئیم که اصلاً چرا ما باید احساسات خود را سرکوب کنیم؟ دلایل آن را در فکر و ذهن خود حل‌اجی کنید و ببینید که چقدر از این مسائل به آموزشها و دید اجتماعی در اینباره مربوط میشود و چرا باید بر اساس یک دید خیلی کهنه و قدیمی با مسائل امروز انسانها برخورد شود؟ ما ایرانیان به این نیاز داریم که کلاً دیدگاه خودمان

در باره سکس را عوض کنیم.

سؤال ۳۴- یک هفته پیش با دوست پسرم سکس داشتم و پرده‌ام پاره شد، اما بعد از اون هر وقت که ما سکس داریم باز من خونریزی میکنم، و واقعاً میترسم. به من بگید چکار کنم؟

جواب: بعد از پاره شدن پرده بکارت تا چند روز (حداکثر ۱۰ روز) شما بعد از هر نزدیکی ممکن است خونریزی داشته باشید، به این دلیل که عروق هنوز ترمیم نشده‌اند یعنی بعد از هر نزدیکی پوششی که بدن روی عروق ایجاد کرده، دوباره کنده میشوند، درست مثل حالتی که شما روی زخمی که در دستتان ایجاد شده را بکنی و این باعث خونریزی مجدد میشود. البته همه اینطور نیستند و در افراد متفاوت است. اما نگران نباشید، این مسئله بزودی برطرف میشود.

سؤال ۳۵ - زنی هستم ۴۰ ساله و هر ۲-۱ هفته یکبار با همسرم سکس داریم. گاهی هم خودم به تنهایی خودارضایی می‌کنم. می‌خواستم بپرسم که آیا سکس و جلق زدن باعث جوان ماندن آلت زنانه میشود؟

جواب: طبق گفته سکسولوگ‌ها، سکس زن با یک مرد بطور مرتب و خالی شدن اسپرم مرد در درون زن به مرطوب نگه داشتن محیط واژن و همینطور نگه‌داری شکل آلت زن مؤثر است. دلیل اینکار را هم اینطور بیان میکنند که به همراه اسپرم مرد، مقداری هورمون مردانه (تستسترون) وارد بدن زن میشود که تاثیر مثبتی دارد. زنانی که سکس مرتب ندارند، ممکن است احساس کنند که آلت آنها خشک و جمع شده است. استمنا کردن و تحریک آلت زن و ترغیب جریان خون به آلت تناسلی هم گویا به جوان نگه داشتن آلت زن کمک میکند. (یک نوع ورزش کردن است.)

۱- آخرین شماره سه کاف

با تاسف فراوان، این آخرین شماره سه کاف است که منتشر میشود. بهمین دلیل مایلیم تا گپی با شما خوانندگان عزیز داشته باشیم. قبلاً هم گفته‌ایم که وقتی ما تصمیم به انتشار سه کاف گرفتیم، مایل بودیم که یک نشریه اینترنتی فارسی زبان در رابطه با مسائل جنسی، آنهم با کلیشه خاص خودش (که در نظر داشتیم) منتشر کنیم. ما هیچ به این فکر نکرده بودیم که سه کاف تا این حد مورد استقبال اینهمه خواننده (و آن هم با چه تنوعی) قرار بگیرد.

از همان شماره اول سیل نامه‌های حمایت و قدردانی، اظهار تمایل به همکاری، انواع سئوالات، مشکلات شخصی، درخواستها و... بسویمان سرازیر شد. خوانندگان ما از زاهدان گرفته تا تبریز، از ساری و لاهیجان گرفته تا دزفول و اهواز، از مشهد گرفته تا بوشهر، از کرمانشاه تا بندرعباس شهرهای تهران و اصفهان و زنجان، و اردبیل و... که دیگر جای خود دارند. تعداد بسیار زیادی از هموطنان مقیم خارج از هندوستان گرفته تا کانادا و آمریکا، از سوئد گرفته تا کره جنوبی، از استرالیا گرفته تا آفریقای جنوبی. کشورهای عربی همجوار، پاکستان، هند، چین و..... هم خوانندگان سه کاف بوده و هستند.

خیلی‌ها بر این نظر بودند که خوانندگان سه کاف همه جوانان هستند، اما همینجا به این دوستان بگوئیم که اشتباه میکنند. خوانندگان سه کاف از همه گروههای سنی و از همه قشرهای اجتماعی و موقعیت شغلی، خبرگزاریها، مسئولین سایتهای ایرانی بر روی اینترنت، مجلات و روزنامه‌ها، شخصیتهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند.

درمواجه با سیل حمایت شما، ما هم بدون هیچ تردیدی تصمیم گرفتیم که سه کاف را به نشریه خود شما خوانندگان تبدیل کنیم. امروز که به پشت سر نگاه میکنیم و دست‌آرودهای سه کاف را می‌بینیم از این تصمیم خود بسیار احساس خرسندی می‌کنیم. با هیچ کلماتی قادر نیستیم از آنهمه محبت و پشتیبانی که به ما ابراز کردید، قدردانی کنیم، فقط میگوئیم متشکریم و سپاسگزار و این را بدانید که بدون حمایت و پشتیبانی و اینهمه شور و شوق شما ما قادر نمی‌شدیم اینقدر بکار خود ادامه دهیم.

با انتشار سه کاف، از یکطرف معلوم شد که سکس و مسائل حول و حوش آن یک معضل بزرگ جامعه ماست و طرح درست آن یکی از عمده‌ترین خواسته‌های مردم ماست،

و از طرف دیگر ثابت شد که این ضعیف‌ترین حلقه رژیم جمهوری اسلامی است و چه راحت میتوان رژیم را در این عرصه به چالش کشید. اما رعایت مسائل امنیتی باعث میشد که پیشنهادات بسیاری از خوانندگان عزیزی که با کمال اخلاص و صمیمیت انواع کمکها را پیشنهاد میکردند را

هم رد کنیم. جا دارد که همینجا بار دیگر از این دوستان پوزش بخواهیم و امیدواریم که شرایط ما را درک کرده باشند.

انتشار مرتب سه کاف و رساندن پیام تازه به طیف وسیعی از هموطنان، ثابت کرد که میتوان نه تنها رژیم که سنت‌های غلط اجتماعی را در این عرصه به چالش کشاند، سه کاف اشکالات و نواقص زیادی داشت، از شکل و شمایل و طرح آن گرفته تا چگونگی ردیف کردن مطالب و غیره. اما مشکل اینجاست که ما از اینترنت و هنر سایت سازی خیلی کم میدانیم و از طرف دیگر امکانات ما از جمله امکانات مالی ما بسیار محدود بوده و هست. ما صرفاً میخواستیم اطلاعات و دانسته‌های خود را با شما خوانندگان قسمت کرده باشیم.

ما متأسفیم که فرصت نکردیم همه آنچه را که در نظر داشتیم مطرح کنیم، خیلی از مسائل را ناگفته بگذاریم، مسائل خیلی از اقلیتهای جنسی را مطرح نکردیم، بسیاری از درخواستها را بی جواب گذاشتیم، کلی مطالب و مقالات رسیده را هنوز چاپ نکرده‌ایم، و بخصوص در این اواخر یکسری از نامه‌های خوانندگان را بدون جواب گذاشتیم،

ما از تعطیل سه کاف متأسفیم و میدانیم که شما هم متأسف خواهید بود، اما امیدواریم که شرایط ما را درک کنید، هر چند برای دوستانی که این پیامها را می فرستادند: (چون من میخواهم که شما وقت بیشتری برای چاپ سه کاف داشته باشید و من دلم میخواهد که به کارتان ادامه دهید و کمکی هم از دستم بر نمی آید، پس لطفاً خبر انتشار سه کاف را به من یکی اطلاع ندهید تا وقت شما را نگیرد) و یا دوست عزیز که وقتی به ایشان اطلاع دادیم که این آخرین شماره است، در جواب نوشت: (از این خبر دلم گرفت چون جوانان ایرانی یک دوست دلسوزی را از دست می دهند.) و نامه‌هایی از این دست، حرفی برای گفتن نداریم، جز اینکه بگوئیم برآستی که شرمنده محبت شما هستیم. ما برای انتشار سه کاف منتی بر کسی نگذاشته و نخواهیم گذاشت. ما حرفی برای گفتن داشتیم، امکان آن را هم یافتیم و خواسته خود را عملی کردیم. ما خوشحالیم که شما به ما اعتماد کردید و درونی ترین و خصوصی ترین مسائل خود را با ما در میان گذاشتید. ما از این همه اعتماد شما عمیقاً سپاسگزاریم و امیدواریم ثابت کرده باشیم که سزاوار اعتماد شما عزیزان بوده و هستیم.

تنها دلیل اینکه انتشار سه کاف را متوقف می کنیم، فشار غیر قابل تحمل از نظر وقت و کار است.

این را صادقانه به شما میگویم ۹ ماهی که از انتشار مجله می گذرد از بسیاری از کارها و زندگی شخصی خود عقب مانده‌ایم، تعداد نامه‌های رسیده هر روز بیشتر و بیشتر میشود تا جایی که روزانه ۶۰۰-۵۰۰ ای میل به ما می رسد که حتی خواندن آنها کلی وقت میگیرد چه برسد که بخواهیم به هر کدام

فقط در یک خط هم که شده جواب بدهیم. باور کنید ما برای امرار معاش و درآمد زندگی شخصی کار ثابت و تمام وقت در بیرون خانه داریم، یعنی هر روز نمی‌رسیدیم که به سه کاف و مسائل حول و حوش آن بپردازیم اما روز تعطیلی ما بیش از ۱۴ ساعت پشت کامپیوتر می‌نشستیم، گاهی اوقات از شش صبح تا ۱۱ شب و فقط هر چند ساعت یک استراحت کوتاه تا برسیم نامه‌ها را جواب دهیم یا مطالب شماره بعدی را آماده کنیم، این کارها فشار زیادی به چشمها می‌آورد، انگشتان دستها را سرد و فلج میکند و جریان خون در بدن را کند، و این سلامتی فردی ما را تهدید میکرد. دروغ نگفته‌ایم اگر ادعا کنیم که صبحانه و نهار خوردن پشت کامپیوتر و حین خواندن نامه‌های رسیده، این اواخر کار روزانه ما شده بود. ما حتی روزی یکی دو ساعت ورزش کردن را هم کنار گذاشتیم که هرچه بیشتر به سه کاف برسیم.

۹ ماه است که از شهر خارج نشده‌ایم، ۹ ماه است که ای‌میل شخصی خود را بندرت و حداکثر هفته‌ای یکبار چک میکنیم، ۹ ماه است که ارتباط با بسیاری از دوستان و نزدیکان را کم کرده‌ایم. و..... همه اینها را بخاطر اینکه وقت بیشتری صرف سه کاف کنیم، بر خود تحمل کردیم. اما بقول دوستی سه کاف مثل یک چاه بی بن شده که هرچه تویش بریزی پر نمیشود. باور کنید، بیشتر از این، امکان این را نداریم که زندگی شخصی، خصوصی و خانوادگی خود را تحت شعاع فشارهای کاری سه کاف که از ما میطلبد، قرار دهیم و به همین دلیل با اندوه و تاسف فراوان، چاره‌ای جز توقف کار انتشار مجله نداریم. میدانیم شما هم متاسف خواهید شد، ولی امیدواریم موقعیت ما را درک کنید.

هیچ کسی خود را مقصر نداند، هرکسی حق داشت سؤال، داستان، مقاله و مشکل خود را با ما مطرح کند، ممکن است سؤال خواننده‌ای برای دیگران بی‌اهمیت جلوه کند، اما برای خود شخص مهم است و میتواند تعیین کننده باشد.

این را بگوئیم که ما نه تنها از انتشار سی شماره سه کاف ناراحت نیستیم که بسیار هم خوشحالیم و ای کاش میتوانستیم ادامه بدهیم. چرا که در کنار مشکلات شخصی، خیلی چیزها هم بدست آوردیم؛ دوستان جدید و خوبی در بین خوانندگان پیدا کردیم، خیلی چیزها از شما یاد گرفتیم، و مهمتر از همه توانستیم سنگ صبور شما باشیم.

بدون شک، سه کاف تاثیر مثبت زیادی در جامعه ما داشته است، تاثیری که در آینده باز هم بیشتر معلوم خواهد شد. و ما از این نظر خوشحالیم. امیدواریم این توضیحات صادقانه ما، باعث شود که ما را مثل همیشه درک کنید.

علیرغم همه کمبودها و نواقص اما فکر می‌کنیم در این سی شماره

تا آن حدی در باره مسائل و سئوالات و ابهامات و مشکلات جنسی نوشته‌ایم و آنقدر اطلاعات و جاهایی هم راه حل داده‌ایم که علاقمندان به تلاش برای آزادی جنسی در کشور ما چنانچه مایل باشند، میتوانند آنها را مبنای کار و تلاش خود قرار دهند.

سه کاف دنیا و آلترنایتو جدید و انسانی‌تری در عرصه مسائل جنسی عرضه کرد، با تلاش و کوشش خود در حفظ و ادامه افکار سه کافی و گسترش هرچه بیشتر این افکار و اخلاقیات جنسی در جامعه، نشان دهیم که ما ایرانیان شایسته زندگی بهتری هستیم. ما امیدواریم هرچه زودتر شاهد آن باشیم که سه کافی‌ها با هرگرایش و نیاز جنسی بتوانند بدون ترس و دغدغه‌ای بارها و محل‌های خاص خود را دایر کنند و آنوقت است که براستی از کار خود احساس غرور خواهیم کرد. (تا یار که را خواهد و میلش به که باشد) .

اما اجازه دهید که قلباً از تک تک شماها برای نثار آن همه کمک، حمایت، شور و شوق و محبت به سه کاف و گردانندگان آن صمیمانه تشکر کنیم.

همچنین از استریت واکر، دکتر امیر، پدرام، فرهاد، مریم، سیمین، و تمام دوستانی که در تهیه مطالب، داستان، عکس و...صادقانه به ما کمک کردند، تشکر می‌کنیم. و تشکر ویژه برای دوست هموطن و عرب خوزستانی همکار سه کاف که از اول با ما راه افتاد، هرگز اسمی از خود نبرد و در تمام مشکلات به او مراجعه میکردیم و هرچه از کمک ایشان بگوئیم باز هم کم گفته‌ایم و هرچقدر تشکر کنیم باز هم کم است و هنوز هم اجازه نداده که اسمی از او ببریم. اما به جرئت میگوئیم که بدون کمک و راهنمایی ایشان ادامه کار ناممکن بود.

یک قول هم به شما بدهیم و آن اینکه اگر سایت فارسی مربوط به مسائل جنسی پیدا کنیم که بخواهد در چارچوب کار سه کاف حرکت کند بدون شک با تمام توان در خدمت خواهیم بود. کافی است با ما تماس بگیرند.

=====

تمام سی شماره سه کاف را برای مدتی محدود روی شبکه و قابل دسترس نگه خواهیم داشت و حتی اگر فرصتی پیش آمد، ممکن است یکسری مطالب تازه (نه بصورت شماره بلکه تحت عنوان مطالب تازه)، هم اضافه کنیم. همچنین برای چاپ تمام شماره‌های سه کاف بصورت یک کتاب هم تلاش خواهیم کرد.

از تک تک شما دوستان میخواهیم که همچنان به معرفی سه کاف و پخش مطالب آن در بین دوستان و نزدیکان خود ادامه دهید.

شاد باشید

سه کاف

اومدم خونه، در رو باز کردم... ولو شدم رو تخت، انگار کوه کنده بودم.
زل زدم به سقف و چشامو بستم.
وای خدا... دوباره صداش، برق چشاش، اندامش و... بالش رو بغل کردم،
صدای نفسهایش هنوز تو ذهنم موج میزد. دستم رفت طرف تلفن، ولی
بخودم گفتم فقط دو ساعت ندیدیش، شاید الان خواب باشه، هرچی باشه
شب طولانی و پر ماجرای رو پشت سر گذاشتیم.
انگار همین یه دقیقه پیش بود!
زنگ زد و گفت "مامان اینا آخر هفته میرن درکه، برنامه خودتو خالی
کن دختر....."
پشت تلفن گر گرفتم، از ذوق نزدیک بود گوشی از دستم بیفته. آخه تو
این دو ماه اخیر نتونسته بودیم بدون سرخر با هم خلوت کنیم.
پنجشنبه صبح بود که با موبایلش بهم زنگ زد و گفت "من ده دقیقه
دیگه اونجام!"
گفتم: آخه..... هنوز لباس خواب تنم است.
خندید و گفت: "چه بهتر، یه مانتو بیوش، یه چیزی هم بکش سرت، به
خودت هم زحمت نده، از تراس بپر پائین صاف میای تو بغلم."
من هم زود پریدم تو آشپزخونه، مامان رو ماچ کردم، گفتم: مامان نگران
نباش، من دارم میرم گالری.
اونم تا بخودش بیاد و بگه چی؟ من تو ماشین بودم و پیچید سر کوچه.
وسط راه نگه داشت. دیدم رفت چهار جعبه پیتزا گرفت.
- نگفته بودی مهمون داری!
- آتیش پاره، این دو روز تو رو نمی خوام که برام آشپزی کنی! آسپز که
نیاوردم خونه!
پوزخندی زدم و گفتم: پیتزا واسه من کفایت میکنه اما با این حال
نزارت باید ویتامین ب. برا خودت میگرفتی.
رسیدیم خونه. بارونی و کت اش رو درآورد و گفت تا تو خودتو از این
قیافه اسفناک دربیاری، من یه دوش بگیرم. راستش خیلی بهام بر خورد
که منو دعوت نکرد.....؟ گفتم افسون نیستم اگه نیشم رو تو گوشت تن ات
فرو نکنم.
سی دی کیفم رو درآوردم و گذاشتم رو ضبط، صدای آهنگ تو خونه
طنین انداز شد:

my name is Dita
I'll be your mistress tonight
I'd like to put you in a tance

رفتم جلو آئینه و ایستادم. خودمو میدیدم که با موهای بلند، یه آرایش ساده، یه تاپ صورتی با یه.... تو این حال بودم که صداشو شنیدم:

”خفه خون این زنیکه جهنمی رو” بعد گفت ”خانم خانم‌ها شما تنی به آب نمی‌زنید؟”

رفتم تو حموم، دیدم بخار همه جا رو گرفته بود. می‌دیدمش، قد بلند با سینه فراخ، باسن خوش ترکیب و عضلات و شکم و صورتش که همه اجزا هیکلش با هم هماهنگی خاصی داشتن.... و البته ((جلوش)) که از زیر شرت مثل تندبسی بود که هنوز پرده برداری نشده بود.

اومد جلو، زانوهای شل شدن، منو میان بازوهای قوی و خوش تراشش گرفت، من هم دستامو دور کمرش حلقه کردم و با ناخن هام پشتشو قلقلک دادم.

اونم بیکار نبود..... لباسمو از تنم کشید بیرون. برق هوس رو تو چشاش میدیدم. از پشت دستامو کردم تو شرتش بعد بهش گفتم ((واسه تنوع و هواخوری هم که شده بذار چشممون به جمال شازده روشن شه.)) دستمو بردم طرف جلوش. یه تار از بغلش کندم و ابرو هامو تو هم کشیدم و گفتم ((آخرین با با کدوم بچه کلفتی سکس داشتی؟)) در ضمن اون زنیکه جهنمی هم اسم داره ((بانو مادونا))

دیدم میخنده و میگه: ((این تیغ و این شما، هر جوری دوس دارین مدل بدین.))

با یه چشمک بهش فهموندم که میدونی که اگه دستم بلرزه یهو می‌بینی که نادر، میشه نادره؟

کیرش که تو نظرم مٹ الماس بود حالا مثل یه بلور میدرخشید. گفتم: ((بینم میخوای ادکلن هم بزنی؟)) منتظر جوابش نشدم و با واله خاصی شروع به خوردن شازده‌اش کردم. با تمام وجودم احساس لذت میکردم.

یهو دستمو گرفت و بلندم کرد، شروع کردیم از هم لب گرفتن؛ زبونمون به هم گره خورده بود، تو زانو هام احساس ضعف میکردم و دیگه نای رو پا ایستادن نداشتم. دست برد طرف بند کمرستام، سینه‌هام که شدت فشار داشتن میترکیدن، با یه حرکت پریدن بیرون.

شروع کرد به بوسیدن گردنم و اومد پائین تا رسید به وسط چاک سینه‌هام. دیگه وحشی شده بود، شرتمو از پام کشید، نه پاره‌اش کرد. با چنان والایی میخورد که انگار صد سال قحطی کشیده، نوک سینه‌هام شق شده بودن، با یه دستش سینه‌هامو میمالید و با دست دیگه‌اش چوچوله‌ام

رو قلقلک میداد؛ اونم با چه مهارت و ظرافتی.....
نادر گفت: ((اگه موافقی ادامه کار رو بریم رو تخت، آخه اونجا نرمتره.))
گفتم: ((من هم نرمم.)) بغلم کرد.

If I take you from behind
push myself into your mind
when you least expect it
will you try and reject it
if I'm in charge and I treat you like a child
will you let yourself go wild

با همون تن‌های خیس رفتیم تو اتاق، تق، منو خوابوند رو لبه تخت،
جلوم زانو زد و سرشو برد لای پاهام و شروع کرد به لیسیدن کس‌ام.
از شدت هوس تمام تنم میلرزید. گاهگاهی هم حین لیسیدن چشاشو
بالا میگرفت و تو چشم نیگا میکرد و این لذت منو صدچندان میکرد.
کشیدمش رو خودم. شروع کردیم به لب گرفتن. حس کردم چیز داغی
رو چوچوله‌ام تکون میخوره؛ کیرشو مثل شلاق چرمی بدست گرفته بود
و با اون رو کس و چوچوله‌ام ضرب گرفته بود. دیگه طاقت‌ام طاق شده
بود، نیگام کرد، انگار فهمید، یهو وجود کیرشو تو بدنم حس کردم، اون
موقع احساس کردم که دیگه کامل شدم.
وجود کیرش به تن‌ام گرمی میداد. شروع کرد آروم آروم پس و پیش کردن.
سرم میون بازوهاش بود. هر دفعه که کیرشو تو کس‌ام احساس میکردم،
چشامو می‌بستم و آهی از لذت می‌کشیدم. تمام تنم می‌تاپید.
دیدم دم گوشم یواش میگه: ((افسون یواش‌تر، تمام همسایه‌ها خیردار
شدن.))

طاق باز خوابید. من که درسم رو بلد بودم. مثل پروانه رو شمع‌اش فرود
آمدم، میخواستم بسوزم و بسوزانم. با یه دست سینه‌هامو میمالوندم و با
چشای پر از خواهش‌ام تو چشای پرمهرش نیگا میکردم و رو کیرش بالا
و پائین میرفتم. چه لذتی، چه کیفی. تو آسمون بالای ابرها پر میزدم.
گفت: ((افسون بیا بالا!)) خودمو اونقدر جلو کشیدم تا کس‌ام کاملاً
به دهنش رسیده بود. اونم شروع کرد با زبونش به دریدن کس‌ام.
چه زبون با قدرتی داشت؛ دیگه تو این دنیا نبودم، یه چیزی تو وجودم
موج میزد..... بله به ارگاسم رسیده بودم. انگار تو کس‌ام اتم گذاشته
بودن.

بعد گفت: ((افسون دمر شو!)) من هم به دعوتش لبیک گفتم. دیدم

دست کرد تو کشو بغل تخت و یه کاندوم درآورد و کشید سر کیرش.
میدانستم که وقتش رسیده، دمر کردم و درحال انتظار دخول، با یه
دست شروع کردم به مالش چوچوله‌ام. برگشت و گفت: ((لامسب راه
نمی‌ده.)) و شروع کرد به لیسیدن مقعدم. مدتی بعد دوباره سر کیرشو
گذاشت دم سوراخ کونم و حساب شده، میلیمتر به میلیمتر اونو تو تنم
فرستاد. انگار آتیش به جونم انداخته بودن. چقدر لذتبخش بود. ای کاش
میشد این حس را تا ابد نگه داشت. شروع کرد آروم آروم عقب-جلو کردن.
یهو گفت: ((افسون وقتشه!)) سریع کشید بیرون، برگشتم و طاق‌واز رو
کمر خوابیدم. کیرشو گذاشت بین پستونام و..... آه، گدازه داغ بود که
همینطور فوران میکرد و با ناله پرهوش و شهوتی نادر درمی آمیخت.
هر دو ولو شدیم رو تخت. من سرمو گذاشتم رو سینه‌اش. چشمها بسته
بودن و به ضربان قلب همدیگه گوش میدادیم. شروع کرد به نوازش موهام.

Turn off the light

Take a deep breath
and relax

start to move slowly
very slowly

تا شب کلی به ما خوش گذشت و کلی شیطنت کردیم و فردا صبح‌اش،
قبل از رفتنم، روبروی آئینه ایستادم، خوشبختی و رضایت از سرو کولم
می‌بارید. سرمو جلو بردم و با یه بوسه جانانه، جای لبهام رو روی آئینه
براش به یادگار گذاشتم.

====

یک نصیحت به شما خواننده مطلب داستان من در بالا:

- روشن و خوش فکر باشید.
- نجابت تصنعی را کنار بگذارید.
- سه کافی بیندیشید.
- سه کاف را باور کنید.

۳-ستون استریت واکر

-

اولین عشق

سلام، این آخرین شماره از سه کاف است و در نتیجه فعلاً آخرین چیزی
است که استریت واکر - اینجا- براتون می‌نویسه. اول از همه بگم که هر جای

دیگه‌ای که پا بگیره، اگر من رو هم راه بدن، براتون خواهم نوشت و مطمئن هستم که حرکتی که سه کاف توی ایران ایجاد کرده، هیچ وقت توقف نخواهد داشت. به هر حال من خیلی فکر کردم برای آخرین شماره باید چی بنویسم. باور کنید هیچ چیز بهتر از این عنوان پیدا نکردم. پس بی مقدمه می‌ریم سر اصل مطلب:

چجوری باید سکس "خوب" داشته باشیم؟

قانون درباره سکس غیر ممکنه. برای داشتن سکس خوب دو قانون وجود داره: ۱- بدونید طرفتون چی دوست داره و ۲- اون رو انجام بدهید. این دو مرحله رو که اجرا کردید سکس برای طرفتون خوب خواهد بود و مطمئناً اون هم کاری خواهد کرد که شما لذت ببرید. [اسمش رو بذاریم سکس سوسیالیستی؟ شما لذت بدهید، لذت شما اتوماتیک توسط دیگران تامین میشه!]

اجرای قسمت دوم تقریباً ساده است. اون چیزی که مشكله دانستن بخش اول است و راه حل اون هم توصیه همیشگی: ارتباط! اگر می‌تونید حرف بزنیند، اگر هم حرف زدن سخته در یک موقعیت سکسی حرف بزنیند (مثلاً وقتی لخت و بعد از سکس همدیگه رو بغل کرده‌اید، بگید که " وقتی فلان جور میکنی خیلی خوشم می‌آد" یا اینکه " راستی چرا هیچوقت... نکردی؟" و.... و اگر این هم سخته (که اگر سخته باید برای انجامش تمرین کنید) کافیه موقع سکس چیزهایی که خوشتون می‌یاد یا بدتون می‌آد رو با رفتارتون به طرف نشون بدین. خودتون رو برای ناله کردن، منقبض شدن عضلات، فشار دادن بدن طرف و.... آزاد بذارید تا طرفتون بتونه یاد بگیره که شما چه چیزی دوست دارید و چه چیزی دوست ندارید و اگر کاری رو صحیح انجام نمی‌داد (مثلاً مالیدن رو) دستش رو بگیرین و آروم حرکاتش رو با دست خودتون هماهنگ کنید تا یاد بگیره.

چه وقت سکس داشته باشیم؟

اینکه دقیقاً چه ساعتی سکس داشته باشید خیلی مهم نیست، بلکه مهم اینه که وقتی سکس داشته باشید که هر دو (هر سه، هر چهار....) راحت باشید و در ضمن عجله‌ای هم برای رفتن به یک قرار رسمی نداشته باشید. (دفعات اول بهتره وقت زیادی برای سکس کنار بگذارید. اگر وقت کمتر از چهار ساعت باشه، اونوقت آنقدر زود میگذره که ممکنه شک کنید که اصولاً سکس داشتید یا فقط خواب دیده‌اید) اگر بتوانید یک پنجشنبه، جمعه آخر هفته رو جور کنید، بهتره. از اون هم بهتر ۱۶ روز تعطیل عید امسال....

گوشی تلفن رو بردارید.....

قبل از سکس چیزی بخوریم؟

ترجیحاً غذای سنگین نخورید، چون خوابتون می‌گیره. آقایون هم بهتره زیاد الکل نخورند و اگر از من میشنوید بهتره که اصلاً قبل از سکس از نوشیدن مشروب خودداری کنید چون اشتباه بزرگی که خیلی از تازه دامادها مرتکب میشن اینه که در شب عروسی شون الکل میخورند. یک خوبی الکل اینه که ممکنه خجالت و موانع روحی رو از سر راه برداره اما احتمالاً باعث خواهد شد که بجای برج ایفل صاف و محکم با یک برج کج پیزا (تو ایتالیا) و یا بدتر از اون هم مواجه بشن.

به خانم‌ها هم بگم که اگر آقایون زیادی مشروب بخورند احتمالاً به صورت موقت نقض عضو میشن (بلند نمی‌شه). پس اگر با این مسئله مواجه شدید، نگران نشوید و با یک کم صبر و ناز کار احتمالاً درست میشود.

کجا سکس داشته باشیم؟

این یکی خیلی مهمه. جایی که برای ۲۴ ساعت کسی نتونه مزاحم شما بشه. ماشین‌های این دور و زمانه هم آنقد بزرگ و راحت نیستن، پس رو په تخت دونفره رو انتخاب کنید. (خیلی از جوانها مشکل جا دارند، این را میدانیم) اگر رمانتیک هستید، پیشنهاد می‌کنم قبلش حتماً یک دوش با هم بگیرید و اصلاً خجالت نکشید. اینجوری کمی با بدن همدیگه آشنا می‌شید و کمی درباره عشق و سکس و آینده صحبت می‌کنید.

چه چیزهایی لازمه؟

شئوال احمقانه‌ای است؟ نه! اتفاقاً فوق‌العاده مهمه که هرچیزی که لازمه رو پیشاپیش دم دست داشته باشید تا در طول سکس یا بعد از اون مجبور نشوید برای آوردن دستمال، دولا دولا در اتاق پذیرایی و..... اینور و اونور بروید. (از چیزهای مهم می‌شه از کاندوم، دستمال و سطل زباله اسم برد) یه کم فرعی‌تر هم چیزهایی مثل حوله، کت حوله‌ای، بالش مورد علاقه شما (!)، حتی عروسک (اگه دوست دارید)، یه کم خوراکی خوشمزه و....

برای دخترها

اولش چیکار کنیم؟

دختر من! چیزی که باید بدونی اینه که طرفات احتمالاً چیز زیادی از اینکه یک دختر و یا یه پسر که جوری لذت می‌بره، نمی‌دونه. یعنی تجربه ندارد. باید همه چیز رو خودت بهش یاد بدی. باهاش صحبت کن، دستش رو بگیر و بذار

جاهایی که خوشت می‌آد. البته آروم،، خیلی آروم. اگه دفعه اولش باشه، مطمئناً خیلی هم دلشور و نگران است که چیکار باید بکنه و حتی ممکنه که آقا کوچولوش (یا آقا بزرگ؟) هم هیچ تکونی نخوره. خیلی آروم باش، باهاتش به آرومی حرف بزن. اصلاً عجله نکن. حتی میتونی بهش بگی که این چیزها را میدونی و می‌فهمی و اصلاً مهم نیست. حتی میتوانی کمتر روی انجا که "اعتصاب کرده" دست بزنی، در عوض بوسه و معاشقه و..... خواهی دید که کم کم خواب از سر "آقا کوچیکه / بزرگه" می‌پره و.....

درد داره؟

معمولاً درباره راحت شدن از پرده بکارت که خیلی دردناکه، خیلی حرفها و داستانها شنیده‌ای. مسئله اصلی اینه که به هیجان‌ات غلبه کنی و بتونی عضلات رو شل کنی و آروم باشی. به هیچ وجه نباید عجله کنین و بهترین کار اینه که از ژل‌های لیز کننده موجود در بازار هم به مقدار کافی یا حتی بیشتر مصرف کنین. ممکنه این ژل‌ها لذت رو کم کنن ولی هر دو شما، بار اول نباید توقع لذت آنچنانی داشت. (لوبری ژل تو داروخانه‌ها قیمت ارزانی دارد و میتوانید تهیه کنید.)

اگر سکس ابزار دوست شما (همسر جدید؟ - مبارکه) بزرگ هستش، اول با انگشتان طرف امتحان کنید، هر بار که انگشتش کمی داخل میره، بگین که همونجا نگه داره و سعی نکنه با تکون دادن انگشت به شما لذت بده. هر وقت احساس درد یا ناراحتی حس کردی، این را به طرف بگو، اگر هم احساس خوش و مطبوع داشتی باز هم این را اطلاع بده. با اینجوری جلو رفتن اصلاً دردی نخواهید داشت. به هم اعتماد کنید و آروم جلو بروید. یک راز دیگه هم اینه که خودتون رو با فانتزی‌هاتون و فکرهاتون سرگرم و غرق لذت کنید و مطمئن باشید که در حال حاضر در دنیا حدود دو میلیارد نفر قبل از شما این کار را انجام داده‌اند. بر ترع خود غلبه کنید. اگر باز هم ترس داشتید و عضلات شما منقبض هستند، کار رو متوقف کنید و به نوازش و بوسیدن و.... مشغول شوید. تا لحظه‌ای که کاملاً احساس آمادگی و اشتیاق نمی‌کنید، عملیات را شروع نکنید.

چه وضعیت بدنی داشته باشیم؟

بعضی خانم‌ها دوست دارند در بالا باشند تا بتوانند حرکات را به دلخواه خود کنترل کنند و خیلی‌ها در اولین سکس دختران این را پیشنهاد می‌کنند، در مقابل بعضی‌ها مایل هستند در پائین باشند تا خودشون رو

کاملاً ریلکس کنند و کنترل و حرکات رو به شریک خودشون واگذار کنند. شما هر کدام را که بیشتر می‌پسندید، امتحان کنید، فقط با شریک جنسی خود مشورت کنید و اطلاع دهید که چیکار می‌خواهید بکنید. اینجوری هر دو طرف اطمینان قلبی از همدیگر پیدا می‌کنید و از تنش شما کاسته میشود. نکته مهم اینجا اینه که به قصه‌ها و عکس‌العملهای سکسی توی اینترنت خیلی توجه نکنید. رساندن سکس افزارها به یکدیگه برای اولین بار کار نسبتاً سختیه. یک عکس خوب و مناسب از وضعیتی که می‌خواهید، در اینترنت پیدا کنید و بعد به دقت به وضعیت پاها و دست‌ها و انحنای بدن و اینکه پاها را کجا گذاشته‌اند و دستها را کجا تکیه داده‌اند، نگاه کنید. اینکار به اون آسونی که اول به نظر می‌آد، نیست. حتماً و حتماً پیشنهاد می‌کنم قبلش با هم در باره نحوه عمل، موقعیت دلخواه و..... مطالعه و تحقیق کنید. (هم خنده و هم آموزش).

برای پسرها

اگر نتوانستم راستش کنم، چی؟

با مزه است نه؟ شما مطمئن هستید که سالهای سال به خوبی کار کرده اما درست سر بزنگاه، امشب یا امروز باید ناز کنه. مطمئناً کمی عصبی هستی؟ نفس عمیقی بکش و اصلاً به موضوع فکر نکن. با دستها و لبها و دهان مشغول بشو و اصلاً لاپایی خودت رو فراموش کن. یک وقت سرت رو پائین میکنی و می‌بینی که سر بلند کرده و داره بهت سلام میده.

با هم به اوج لذت میرسیم؟

دفعه اول اصلاً نگران ارگاسم همزمان نباشید. بعضی خانمها اصلاً با دخول آلت مرد در واژن، ارگاسم نمی‌شن (در شماره‌های قبل در همین ستون در اینباره توضیح داده‌ام).

احتمال این هم هست که طرف شما علاقه زیادی به فعالیت کامل نداره. اینو از خودش پرس. میتوانید توافق کنید که کدامیک اول به ارگاسم برسه. یادتون نره که دفعه اول خیلی جنتلمن باشید. اگر طرفات احساس درد یا ناراحتی کرد، به کار ادامه نده و توقف کامل کن. اگر باز هم اذیت میشد، آروم بیرون بکش و بقیه کار رو با دست انجام بده. دائم نپرس که لذت میبره یا نه، اینو از تو حالات و حرکات میشه تشخیص داد. اگر آیم زود آمد چی؟

اگر "واقعاً" زود آمد، از بقیه وقتی که دارید، استفاده کن. یک کم استراحت کن و دوباره مشغول بشو. بار دوم مطمئناً آرومتر هستی و بهتر کار خواهی کرد. نگران نباش. درباره زود آمدن، یک چیز بگم و اون اینه که خیلی از پسران از حول حلیم تو دیگ می افتن. در اکثر موارد اگر هواس خود را متوجه این کنید که یک دوست خوب دارید و میخواهید با هم بوس و معاشقه کنید، اصلاً به تلمبه زدن فکر نکنید، خودبخود نوبتش میرسد، اگر از نظر ذهنی اینطوری خود را مجهز کنید، مشکل زود آب آمدن تا حدودی حل میشود.

مال من خیلی کوچیکه؟ کیلی بزرگه؟ اصولاً مدلش درسته؟
یه کم کجه....

همیشه این سئوالها هست. طبق ادعای دانشگاه مک گیل کانادا در پاسخهای عمومی به سئوالات جنسی اش، یک سکس افزار مردانه معمولی ۱۳ سانتیمتر است و این طول بسیار بیشتر از چیزی است که برای دسترسی به تمام بخش های حساس جنسی یک زن مورد نیاز است. پس نگران اندازه نباشید. تازه اندازه های کوچک تر برای دفعات اول بهتر است.

شکل و فرم هم مسئله مهمی است. خیلی از مردان نگران پیچ به چپ یا احیاناً به پائین سکس افزار خودشان هستند و فکر میکنند شاید این باعث اذیت طرف شود یا فشار بیشتری به او وارد شود. نگران این هم نباشید، سکا افزار زن به راحتی توانایی تغییر شکل بر اساس آلت مردانه را دارد و این امر در لذت و.... هم تغییری ایجاد نمی کند. از طرف دیگر تحقیقات نشان می دهند که برای سکس از راه دهان، زنان آلت های پیچیده به سمت پائین را ترجیح میدهند. (در عین حال انتخاب همه چیز با شما دو نفر است. اگر وضعیت بدنی خاصی شما را اذیت میکند، به سراغ وضعیت و شیوه های دیگر بروید. و تنوع را هم فراموش نکنید.

من می تونم خوب عشق بازی کنم؟

یک نفر که خوب عشق بازی می کنه اتفاقی یا مادرزاد بوجود نمی آید. با شریک جنسی خوب، وقت، توجه و صبر هر کسی می تواند یک شریک جنسی ماهری شود. توی سه کاف مطالب زیادی در اینباره هست که بخوانید. دفعات اول هر دوی شما آنقدر هیجان خواهید داشت که بعداً حتی مطمئن نخواهید بود که چکار کرده اید، اما جای نگرانی نیست،

چون اولاً ارتباط را فراموش نمی کنید و ثانیاً این دفعات اول مقدمه
یک سکس بهتر و دنیایی بهتر برای شما خواهد شد.
استریت واکر.
=====

حرف آخر:

سه کاف تحول بزرگی توی ایران بود. چه نویسندگان و چه خوانندگان
دوست اش داشتند و آیندگان ازش بعنوان یک شروع در فرهنگ جنسی
ایران نام خواهند برد. خلاصه سکاف احساس خواهد شد اما مطمئناً
سایت های دیگری تأسیس خواهند شد که جای اون رو پر کنند. امیدواریم
این فاصله زمانی زیاد طول نکشه. من با اسم " استریت واکر " اونجاها
هم خواهم نوشت و منتظر دیدن همه شما خواهم بود. من خیلی دوست
داشتم براتون داستان بنویسم ولی اونقدر جای اینجور مطالب خالی بود
که ترجیح دادم وقتم رو روی مسائل تئوری مصرف کنم. اما حرف آخرم
اینه که سکس و فرهنگ اش یک شبه به وجود نیامده، یک شبه هم تغییر
نمی کنه. شما خودتون رو یک نسل روشنفکر از نظر جنسی می دونید و
احساس می کنید باز باید فکر کرد و " انسان " بودن رو با تمامی
زیبائی هاش درک کرد و هیچ احساس زیبایی رو سرکوب نکرد. این باور
رو وقتی پدر و مادرهای فردا هم شدید، نمی گم حفظ، حداقل فراموش
نکنید. اگر شما بخواهید، یک یا دو نسل دیگه در ایران هم آزادی و
عدالت و برابری حکم فرما خواهد شد و تاریخ پدر و مادرهای ۱۳۹۰
رو فراموش نخواهد کرد. موفق باشید.

این هم ای میل من برای علاقمندان و بخصوص صاحبان سایتها که ممکن است
به همکار جدید نیاز داشته باشند:

streetwalker@softhome.net

۴- پدر-مادرهای نمونه

سلام ، من میخوام براتون ماجرای دوستی خودم و دوستم نسیم رو تعریف کنم.
امیدوارم این ماجرا برای جوانها و به خصوص پدر و مادرها مفید باشه.
من اسمم نوید است و ۲۱ ساله سن دارم. یه مشکل تو زندگی من بود و اون اینه
که کیرم کوچیک بود و برا همین هم تا ۱۹ سالگی طرف دخترا نمی رفتم چون
می ترسیدم کیر منو ببینن و بهم بخندن. اما بعداً به خودم اومدم و گفتم آدم

که فقط واسه سکس با یه دختر دوست نمی شه و اگه من کیر بزرگ ندارم عوضش اخلاقم خوبه و خوش تیپ و خوشگل هم هستم. دیگه این بود که افتادم تو فکر یک دختر با معرفت و دوست داشتنی. اما دوست نداشتم تو دانشگاه خودم باشه چون تابلو بود. پس تصمیم گرفتم از طریق چات کردن پیداش کنم. برا همین تو اینترنت زیاد می رفتم و با دخترا حرف میزدم. مدتها کارم همین بود تا اینکه یه روز که رفته بودم تو چات، یه اسم با حال دیدم. بهش سلام کردم و با هم حرف زدیم. وقتی بهم گفت که ۱۷ سالشه و دختره، اسمش رو پرسیدم اما نگفت. حال کردم. سریع اونو به لیستم اضافه کردم و باهاش حسابی حرف زدم. چون بعد که ازش خداحافظی کردم دیدم که خیلی احساس خوبی دارم و خیلی راحت بودم روزهای بعدش هم زیاد باهاش چات کردم. یه بار ازش خواستم که به ام زنگ بزنه ولی قبول نکرد، چند بار اصرار کردم تا قبول کرد. وقتی زنگ زد و صداشو شنیدم واقعاً از حال رفتم. عجب صدایی داشت، صداش به آدم آرامش میداد. اولین چیزی که ازش پرسیدم اسمش بود، بازم نگفت. یه کم که حرف زدیم بازم اسمش رو پرسیدم. دیگه راضی شد و گفت که اسمش نسیم است. من کم کم از پشت خط و ندیده دیگه داشتم عاشقش می شدم چون خیلی عاقل بود و خیلی هم غرور داشت و من عاشق غرورش بودم. شماره تلفن اونو خواستم اما نداد و من هم اصرار نکردم. یکماهی با هم تلفنی حرف میزدیم. دیدم که صدای گرم و عاقل این دختر داره منو ذوب میکنه. تصمیم گرفتم بهش پیشنهاد دوستی بدم و دادم اما.....قبول نکرد و گفت که منو مثل برادرش میدونه. حالم گرفته شد اما ناامید نشدم.....

سه هفته بعد از اون دوباره زنگ زد و گفت که مودم اش خراب بوده و دیگه نمی تونه بیاد تو اینترنت. خیلی ناراحت شدم اما بعدش بیشتر ناراحت شدم چون دیگ زنگ زدنش رو هم قطع کرد. داشتم می مردم، فکر نمی کردم اینقدر بی وفایی کنه. دو هفته خبری ازش نشد و من هم داشتم کم کم فراموشش میکردم اما روحاً خیلی داغون بودم تا اینکه یه روز رفتم تو اینترنت و دیدم که برام پیغام گذاشته که مودم جدید خریده و ساعت هشی شب تو چت منتظر من میمونه. چون از دستش عصبانی بودم، میخواستم نرم اما نتونستم و ساعت هشت که شد رفتم تو چت. اون هم اومد. ازم معذرت خواست که به من زنگ نزده و گفت که خیلی راجع

به من فکر کرده و عاشق اخلاقم شده و بعدش گفت که من خیلی خوشگلم و حتماً خوشت می‌آد. پیش خودم گفتم عجب اعتماد به نفسی داره. بهش گفتم که زنگ بزنه. وقتی زنگ زد با هم قرار گذاشتیم که یه جا همدیگه رو ببینیم. روز موعود فرا رسید و رفتم سر قرار. خیلی شلوغ بود، معلوم نبود نسیم من کدومه. تو این فکر بودم که صدای آشنایی را شنیدم که گفت سلام نوید. وقتی برگشتم باورم نمی‌شد چی دیدم و شاخ در- آوردم. نسیم بود اما نه اونی که من فکر میکردم، یک فرشته بود، یه دختر بینهایت زیبا که من تو خواب هم نمی‌دیدم، قد بلند، سفید و شیک پوش. جواب سلامش رو دادم و به یک آبمیوه دعوتش کردم. اصلاً حواسم پیش اون نبود، همش میترسیدم که که نکنه اون از قیافه من خوشش نیاد با اینکه من هم خوشگل بود. تو این فکر بودم که نسیم گفت نویدجان فکر نمی‌کردم اینقدر پسر خوشگل و خوش تیپی باشی. اینا رو که گفت انگار دنیا رو به من داده بودن. بعدش با هم قدم زدیم و سه ساعت بعد از هم جدا شدیم.

وقتی که رسیدم خونه همه جریان رو برا پدر و مادرم تعریف کردم، چون آخه من با اونها خیلی صمیمی هستم و اونا نه تنها دعوا نکردند بلکه ازم خواستند که نسیم رو بهشون معرفی کنم. من هم موضوع را به نسیم گفتم، اما او چیزی گفت که من باورم نمی‌شد. گفت که با پدر و مادرش دربارح من حرف زده و آنها میخوان که منو ببینن و منو واسه شام دعوت کردن. باز شوکه شدم، باورم نمی‌شد که یه پدر و مادر اینقدر روشن فکر و فهمیده باشن و دخترشون اینقدر با اونها راحت باشه. من اولش می‌ترسیدم اما قبول کردم و رفتم. عجب خونه‌ای داشتن. زنگ زد و باباش اومد دم در. مرد جوانی بود و خوش تیپ. سلام کردم و وارد شدم. بعد مادر نسیم آمد، عجب زنی بود، از نسیم هم قشنگتر بود. حسابی با من حرف زد و ازم سئوالاتی کردن که انگار من خواستگاری آمده بودم و بعد بابای نسیم به من گفت بین نویدجان دختر من الان ۱۸ ساله است و هنوز بزرگ نشده ولی اینطور که میگه تو رو دوست داره و میگه که تو پسر خوبی هستی و من هم همین نظر را دارم و من مخالفتی با دوستی شما ندارم اما ازت میخوام که که یه قول بدی: قول بده که مواظب باشی که نسیم دچار انحراف نشه که

خودت می‌دونی، بعدش..... حرفش رو قطع کردم و گفتم که من عاشق دختر شما هستم و قول می‌دهم. بعد شام خوردم و آمدم خونه و جریان رو برا پدر مادر خودم تعریف کردم. پدرم حال کرد و گوشه‌ی رو برداشت و به بابای نسیم زنگ زد و با هم حرف زد و بعد اونا رو برا شام دعوت کرد. الان ۱۴ ماه است که از این ماجرا می‌گذره و من و نسیم عاشق هم هستیم و پدر-مادرهای ما هم با هم دوست شدن و رفت و آمد دارند. تنها سگسی که من و نسیم با هم داشتیم اینه که لبهای همدیگه رو بوسیدیم و این برا من کفایت میکنه. ای کاش همه پدر و مادرها مثل پدر و مادران ما بودن. به امید آروز.

۵- باز هم دربارهٔ بیماریهای قارچی و کوندیلوم

مطلب شما دربارهٔ بیماریهای قارچی را خواندم لطفاً این را هم به آن اضافه کنید:

- ۱- قارچها و باکتریهای مفید در بدن انسان در حال تعادل هستند، اگر این تعادل به هم بخوره، قارچها بیشتر رشد میکنند، بنابراین قوهٔ عمومی بدن را افزایش دهید (با تغذیهٔ سالم، گنجاندن همهٔ ویتامین‌ها در برنامهٔ غذایی، ورزش کردن و.....
- ۲- از مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها تا حد امکان پرهیز کنید، زیرا آنتی‌بیوتیک‌ها علاوه بر اینکه باکتریهای مضر رو از بین می‌برند، باکتریهای مفید رو هم می‌کشند و شرایط رو برای رشد قارچ‌ها فراهم میکنند.
- ۳- کاندیدا(قارچ) در محیط‌های گرم و مرطوب بیشتر رشد میکنند، بنابراین از پوشیدن لباس‌های زیر تنگ خودداری کنید، وقتی پریود هستید، در انتخاب نوع نوار بهداشتی دقت کنید (زیرا استفاده از نوار بهداشتی از ورود هوا به درون مهبل جلوگیری میکند)، سعی کنید بیشتر دامن بپوشید تا واژن در معرض هوای خنک و تازه قرار بگیرد.
- ۴- موادی که حاوی باکتریهای مفید (اسیدوفیلوس) هستند را بیشتر استفاده کنید، مثل ماست تازه، سیر (میتوانید هر صبح یک دندونه سیر تازه قورت بدین تا بوش بقیه رو اذیت نکنه).
- ۵- از استرس و فشارهای عصبی پرهیز کنید.
- ۶- از مصرف زیاد شیرینی و مواد قندی پرهیز کنید.

- ۷- کتاب " خود درمانی عفونت‌های قارچی " را هم حتماً بخوانید.
- ۸- قارچ‌گا در محل زخم بیشتر جمع میشوند، بنابراین از زخم شدن و خراشیدگی در اطراف واژن و درون مهبل (در اثر سکس خشن) بپرهیزید.
- ۹- در رفتن به استخر بیشتر دقت کنید و اگر احساس میکنید به عفونت قارچی مبتلا هستید، تا بهبود کامل از رفتن به استخر خودداری کنید.

=====

یک خانم هموطنی در خارج از کشور مطلب بلندبالایی در باره مشکل خودش و ابتلا به کوندیلوم نوشته و بعد چند سؤال کرده بودند. ما باید از این هموطن عزیز پوزش بخواهیم که بعلت گرفتاری و مشغولیت ، دیر به آن جواب میدهیم. بهر حال:

این بیماری کوندیلوم همان زگیل تناسلی است که توسط پاپووا ویروس ایجاد میشود. دوران کمون بیماری بین ۸ تا ۳ ماه است (بطور متوسط ۳ ماه). این ضایعه در مناطق بیرونی دستگاه تناسلی بصورت ضایعات کوچک و پهن به قطر ۲-۱ میلیمتر و در مناطق داخلی بصورت رشته مانند و درشت (۵-۱ میلیمتر) میباشند. منظره آنها هم مانند گل کلم است. درمان این بیماری مدت زیادی طول می کشد و قبلاً در سؤال و جوابها توضیح داده شده است (شماره ۲۸ یا ۲۷ سه کاف). و اما در مورد کلیات که پرسیده اید: این بیماری در ایران کاملاً شناخته شده است، اما آمار دقیقی از مبتلایان در دسترس نیست چون اولاً سیستم آمارگیری و گزارش دهی توسط پزشکان (بعلت نبود مؤسسه‌ای برای ثبت این آمار و گزارشات) و حتی متأسفانه بخاطر ترس بسیاری از مبتلایان از مراجعه به پزشک خودداری میکنند. در مورد انتقال از طریق دهان (لیس زدن) : اینکار باعث گسترش عفونت و بیماری میشود پس از این کار اجتناب کنید. اگر درمانهای ذکر شده (۱- پودوفیلین ۲۵ تا ۵ درصد، ۲- تری کلرواستیک اسید ۱۰۰-۵۰ درصد، ۳- الکتروکاتری، ۴- کریوسرجری، ۵- برداشتن به کمک قیچی) انجام نشود، احتمال برگشت بیماری هست. در طول درمان لازم است حتماً از کاندوم استفاده شود.

۶-داستان من

حس عجیبی سراسر اتاقم رو تسخیر کرده، مثل وقتی که خسته‌ای. روی تخت دراز کشیدم، چراغ بالای سرم روشن-خاموش می‌شه. باد پنجره رو باز میکنه، چشمامو می‌بندم، همه جا تاریکه. صدای خنده‌ی بلندی فضای تکراری و مرده‌ی اتاقم رو به هم می‌ریزه. می‌ترسم. صدای پا می‌آد. زیر صدای خنده‌ی مرد، نفسهای ممتد و آروم دختری بگوش میرسه. انگار به اینجا می‌آیند. چند سالیه که هیچکس اینجا نیومده. صدای خنده‌های مرد مثل پتک مغزمو می‌کوبه. چقدر برام اشناست. انگار من باهاش بزرگ شده‌ام. شاید بهتره بلندشم. این فکر آخرش منو می‌رفستند بیمارستان. از تخت می‌آم پائین، سرده. درو پنجره رو می‌بندم. در اتاق باز میشه. چقدر راحت! انگار همین دیروز در رو کار گذاشتن. یه لیوان آب میخورم. خیلی تشنه هستم. در بسته شد.

حالا دیگه هیچ کس اینجا نیست. ما با هم تنهائیم. دستای فرشته‌ای توی دستام هستن که انگار همیشه باهام بوده. نمیدونم چرا ازش خجالت میکشم. نمی‌تونم تو چشاش نگاه کنم. سرم ناخودآگاه پائین می‌افته. چقدر گرمه! حس عجیبی دارم. انگار همه‌ی دنیا منتظرند که من کاری بکنم یا حداقل چیزی بگم. دستام عجیب سرد شدن. نمی‌دونم چیکار باید بکنم. باید یه چیزی بگم. سرم رو..... بالا می‌آرم و ازش می‌خوام که..... با خودم زمزمه میکردم.

نگاهم روی ساق باریک و سفید پاش وامیسته. تموم وجودم پر میشه از شهوتی آمیخته با شرم..... غیر از دستام همه جای بدنم سرد شده. سرد سرد. با نگام روی بدن نحیف و تندارش راه می‌رم. آروم آروم دستام رو میگیرم به شونه‌هاش. تپش قلبش رو حس می‌کنم. چقدر تند میزنه! بالا و پائین رفتن سینه‌هاش که حالا دیگه بزرگ‌تر از همیشه شدن، شرم رو ازم میگیره و بهم اجازه میده که دستمو رو تنش برقصونم. نگام روی لبای قرمز و منتظرش می‌مونه. دیگه نمی‌تونم سرم رو تکون بدم. جرا میکنم و دستم رو می‌برم پائین‌تر.... انگار با این کار حس خودم رو به اون منتقل کردم. هنوز نگام روی لباس خیره مونده. نیروی عجیبی ما دوتا رو به طرف هم

می‌کشونه، به هم وصل می‌شیم.
نمی‌دونم اون موقع چه احساسی داشتم. روی تخت افتادیم. ساعت دیواری
وایستاد. باد پنجره رو کوبید به دیوار. من هنوز کنار پنجره‌ام..... اون دوتا
روی تخت هنوز به هم می‌پیچند.....چقدر این صحنه برام آشناست. آشنا
و زجرآور. انگار همه‌ی هستی من روی این تخت شکل گرفته. ذره‌های تنم
آب شدند.....قطره قطره. انگار این من بودم که تو رحم اون زن شکل
می‌گرفتم..... باد پنجره رو محکم به دیوار می‌کوبه. چشم‌مو باز می‌کنم.
انگار لامپ بالای سرم سوخته. باید شمع روشن کنم. خسته‌ام. اونقدر
که دوست دارم.
حمید، دیماه ۸۱

۷- معرفی پایگاه‌های جدید در این شماره

مدت زمانی است که سایتهای فارسی زبان در عرصه مسائل جنسی
در حال گسترش بی‌سابقه‌ای هستند، ما این را به فال نیک میگیریم اما
باید به یک نکته بسیار منفی و زشت در بعضی از این سایتها هم اشاره بکنیم و
آن اینکه مسئولین و گردانندگان این سایتها بجای آموزش درست مسائل جنسی،
دفاع از برابری جنسی زن و مرد، معرفی فرهنگ جدید و امروزی، کماکان
همان فرهنگ زشت، کهنه، سرکوبگر و سنتی عهد حجر را تبلیغ و پیش
میبرند، (چه آگاهانه و چه ناآگاهانه) مثلاً در بعضی از این سایتها هنوز
به یک دختر یا زن میگویند کس، یا سکس با یک دختر را مخ زدن و فریب
او میدانند و یا طوری مینویسند که خواننده همان باور کهنه بد بودن
و زشت بودن سکس را برداشت میکند و امثال اینها.
مسئله دیگر اینکه در بسیاری از سایتها از مسائل آموزشی و سکس
امروزی و صحیح اصلاً خبری نیست. بارو خوشحال است که یک سایتی
زده و چهارتا عکس از سایتهای خارجی کش رفته و آنها را آنجا گذاشته.
یک انتقاد جدی به خود ما این است که ما بعلت مشغولیات زیاد، متاسفانه
در معرفی سایتها دقت لازم را بخرج نداده و خیلی از سایتها را بدون آنکه
سر بزنینم و محتوای آن را بشناسیم، معرفی کرده‌ایم. ما از این نظر از

شما خوانندگان پوزش می‌خواهیم.
و نکته آخر اینکه ما بارها اعلام کرده‌ایم که هیچ مانعی نداریم که صاحبان
سایت‌های ایرانی، چنانچه مشکل یافتن اطلاعات را دارند، با کمال میل
میتوانند از مطالب سه کاف (البته با ذکر منبع) استفاده کنند. هدف ما بردن
این آگاهیها در میان مردم است.
ما عاجزانه از همه دوستان مسئول سایت‌هایی که به مسائل جنسی مربوط
میشوند، تقاضا میکنیم که حداقل یک بخش از سایت خود را به آموزش
درست مسائل جنسی اختصاص دهید.

=====

۱- یک سایت برای روانکاو و علاقمندان به این علم:

<http://ravankavi.persianblog.com>

۲- این هم یک پایگاه برای دوست یابی:

<http://DOOSTE-KHOB.persianblog.com/>

۳- این هم یک سایت اهوازی و بقول خودش، پسری از دیار جنوب، نخل و غروب.

حتماً ببینید.

<http://cdi.blogspot.com>

۴- این هم سایت مشهدهای عاشق:

http://groups.yahoo.com/group/eshgh_mashhadi

۵- این هم یک سایت دیگر مشهدهی که محل دوستیابی هم دارد:

<http://www.omidsoft.com>

۶- این هم سایت بچه‌های یزد:

http://groups.yahoo.com/group/doostyabi_yazd

۷- این هم سایت بچه‌های تبریز:

http://groups.yahoo.com/group/tabriz_dosty

۸- این هم صدای گی ایران :

<http://sedayegay.persianblog.com>

۹- این هم سایت دیگری برای همجنسگرایان با ذائقه خاص خود :

<http://iranian-gaybears.9f.com>

۱۰- این هم یک سایت دیگر برای همجنسگرایان:

<http://www.hamjensgaraa.blogspot.com>

۱۱- این هم برای دختر و پسرای دانشجو:

<http://groups.yahoo.com/group/bguniversex>

۱۲- این هم سایتی بقول خودش با جوکهای سه‌کافی:

<http://www.irjokes.blogspot.com>

۱۳- این هم سایت حشری که یک آدرس جدید پیدا کرده:

<http://hashari.issexy.tv>

۱۴- این هم یک سایت بین‌المللی دوست‌یابی که ایرانیان هم در آن

فعال هستند:

<http://adultfriendfinder.com/cgi-bin/public/main.cgi>

۱۵- این هم یک سایت برای زوج‌یابی بر اساس نظرات سه کافی مانند عدم اعتقاد به باکره بودن دختران در شب زفاف، آزادی و برابری دو جنس و.... اما بهتر است که علاقمندان خود سر بزنند و ببینید. (ما در این سایت دستی نداریم.)

http://groups.yahoo.com/group/cekafi_marriage

۱۶- این هم یک سایت:

<http://www.sexfarsi.tk>

۱۷- این هم یکی:

<http://www.oxsy.8m.com>

۱۸- این هم یک سایت برای طرفداران عکس:

<http://www.anycities.com/user1/salarxxx>

۱۹- این هم یک سبک است؟:

www.ghorazeh.iran.li

۸-خاطره

”وقتی من بزرگ شدم که تو را یافتم، تو منو از هر نظر ساختی دیگر هیچوقت احساس ضعف نمی‌کنم. تو خوبی و من تو را بیشتر از همه خوبیهایت دوست دارم.”
این حرفهای بالا را برای او نوشتم و حالا یک خاطره فراموش نشدنی من با او:

یک روز گرم تابستانی و من و اون واقعاً داغ کرده بودیم، توی اتاق بودیم و عرق ریزان حال میکردیم و واقعاً خوش میگذشت. همیشه از پشت حال میکردیم ولی دو سه باری بود که منو از کس کرده بود. آن روز هم تصمیم داشتیم از جلو (از کس) حال کنیم. چندتایی کاندوم حاضر و آماده داشتیم. اول یک کاندوم گذاشت و توی کونم کرد؛ چشمتان روز بد نبیند، سوراخ کونم به شدت درد گرفت، ولی بهر حال گذشت. بعدش نوبت کس ام رسید. دوباره یک کاندوم تازه سوار کرد و اینبار جای شما خالی؛ حسابی حال کردیم. با هوس و شدت هرچه تمامتر کیر خوشگلش را به کوسم می کوبید و من هم تو ابرها سیر میکردم. راستی از کیرش بگویم کیری بزرگ که طول و عرضش یکی است و واقعاً خوشمزه. و بعد از حدود یک ساعت هردو بی حال روی هم افتادیم.

قسمت دوم سه کاف شماره سی

۹-حرف دل دختران

سلام ، تو این شماره هم میخوام با شما حرف بزنم. بعد از چاپ شماره قبلی، چند تایی از دوستان برایم نامه نوشته و یک سری نظرات رو بهم گوشزد کرده بودند، از جمله یک اقا پسری نوشته بود که همه پسرها بعنوان نگهبان خواهران خودشون نیستند و اضافه کرده بود که مهم این است که خواهر و برادر بتوانند در خانه با هم دوست و صمیمی بشوند و آنوقت خیلی از مشکلات فعلی حل میشوند. من هم با این دوست موافق هستم که این یک راه برای برخورد و حل مشکل است. ولی هر کدام از شما میتوانید راه حل خاص خودتان را پیدا کنید.

چندتایی از دختران هم نامه داده و گفته اند که بزرگترین مشکل آنها این است که تا با پسری دوست میشوند و هردو بهم میگویند که عاشق و کشته مرده هم هستن و وقتی اعتماد بوجود می آید، خوب دختر هم میخواهد راستگو و صادق باشد و به دوست پسرش اعلام میکند که باکره نیست، ولی در عوض یک برخورد درست، یک مرتبه پسره ول میکنه و میره. به نظر من، چه خوب که همچو پسرهای عقب مانده و با افکار قدیمی ول کنن و برن. اصلاً ارزش غصه خوردن هم ندارند. من مطمئن هستم که پسران با افکار سه کافیه که به پرده بکارت یا اینکه دوست دختر آنها قبلاً دوست پسر داشته یا نه، توجهی نمی کنن. چون یک انسان فهمیده و با عقل و دانش و منطق در واقع دانش، اخلاق، خصوصیات، محبت، علاقه و افکار یک دختر را معیار دوستی و ادامه آن و حتی ازدواج میداند نه یک تکه پرده نازک قایم شده لای پای دختر که اگر نباشد ول میکند و میرود.

به نظر من دختران و زنان ایرانی به همراه پسران و مردان با فرهنگ سه کافیه، به هیچوجه نباید تسلیم خرافات عده ای عقب مانده شوند و سکس و لذت جنسی را از خود محروم کنند.

اما برویم سر اصل مطلب این شماره.

خیلی از دخترها وقتی یک رابطه ای را با یک پسر شروع میکنند، همچی مطمئن نیستن که پسره اونو دوست داره یا نه.

به نظر من قبل از هرچیز شما بعنوان یک دختر در زندگی خود و در رابطه با دیگران باید به این نکات توجه کنید:

- همیشه سعی کن خودت باشی، از رل بازی کردن بپرهیز. این نه تنها

کشاکش و اختلاف درونی در شما بوجود نمی آورد بلکه حس احترام

دیگران به شما را افزایش می دهد چون متوجه میشوند که شما شخصیت

خاص خود را دارید و یاد میگیرند تو را همانطور که هستی بشناسند و به تو احترام بگذارند.

دخترانی که سعی میکنند، یک نقش و شخصیت دیگری را جلو دیگران بازی کنند، کمتر موفق هستند چون همینکه دوست پسر آنها فهمید که دختره اونی نیست که فکرش را میکرده، فوری راه خودش را جدا میکند.

غیر از این، هیچکسی نمی‌تواند تا ابد خود نبودن و نقش بازی کردن را ادامه دهد و اینکار برای فرد خیلی ضرر دارد.

هیچ نسخه‌ی حاضر و آماده برای اینکه چه لباسی بپوشید، چطوری راه بروید یا چگونه صحبت کنید هم وجود ندارد. سعی نکن ادا درآوری. فقط خودت باش. کسانی که سعی میکنند در رفتار و گفتار غیر از آنی جلوه کنند که هستند، هم حالت ظاهری مسخره‌ای بخود میگیرند و هم اطرافیان آنها چه پسر و چه دختر خیلی زود متوجه میشوند و او را جدی نمی‌گیرند و پشت سر بهش می‌خندند. حتی اگر چنین دختری یک دوست پسر خوب هم پیدا کند، خواه ناخواه پسره خیلی سریع متوجه میشود که این همانی نیست که او میخواست و زود ول میکند.

پس پیشنهاد من به همه دختران این است که در تمام جهات زندگی، نقش بازی نکنید و همیشه خود باشید. حتی اگر دوست پسر شما هم بخواهد که شما طور دیگری باشید، قبول نکنید. این در دراز مدت نتیجه بهتری برای شما دارد. همچنین اینکار به شما کمک میکند که بدون توجه به غیبت‌های پشت سر، یا افکار دیگران، بتوانید روی پای خود بایستید و مستقل باشید و آنطور که خود می‌خواهید زندگی کنید.

به توقعات دیگران از خود، کمتر بها دهید، اگر همیشه خواسته‌اید در زندگی یک کاری بکنید، برو، دست بکار شو و از شکست احتمالی نترس.

سعی کن یاد بگیری استقلال کامل خود را همیشه حفظ کنی. یاد بگیر بدتوانید بطور تمام و کمال روی پای خود بایستید. همانطور که واقعاً هستی باش. برای خودت زندگی کن، کاری هم به این نداشته باش که دیگران خوششان می‌آید یا نه. یادت نرود به شیوه و روش زندگی دیگران هم احترام بگذاری و از قضاوت کردن یا محکوم کردن آنها بپرهیزی.

همه اینکارها آسان نیست، وقت می‌خواهد و اراده. مهمترین و اولین قدم شما باید این باشد که خود را بشناسی، بدانی چه را می‌خواهی و از چه خوست نمی‌آید، به خودت فرصت بده. آنوقت حتماً کسی پیدا میشود که شما را آنطور که هستی دوست خواهد داشت و مطمئن باش که چنین دوستی‌ای پایدار خواهد بود.

می‌خواهم بگویم که راز و کلید در درون خود شماست. و آن اعتماد به نفس،

آگاهانه انتخاب کردن و اینکه بدانید چه میخواهید، می باشد.
بعد از آن، پسری که خاطر خواه شماست و واقعاً شما را دوست دارد، دست به اینکارها میزند:

- سعی میکند خیلی از اوقات خودش را با شما بگذراند، حتی زمانی که فرصتش کم باشد.
- با شما شوخی میکند، سعی میکند با ادای یکسری کلمات، محبت و دوستی خودش را نشان دهد، حرفهای زیبا و قشنگ میزند.
- سعی میکند روی شما تاثیر خوب بگذارد، هی میخواهد به شما کمک کند.
- در جمع دوستان رفتار و برخورد خیلی بهتری با شما دارد.
- مرتب به دنبال شما میگردد یا از دوستان سراغ تو را میگیرد و گاهی از دوستان یکسری سئوالات درباره تو می پرسد.
- اگر مسئله ای پیش بیاید، از شما حمایت و دفاع میکند.
- هر وقت به او احتیاج داشته باشی، از کمک و پشتیبانی دریغ نمی کند.
- یکسری جملات و کلمات جدی به شما میگوید، مثلاً "ای کاش مال هم بودیم".
- اگر امکانش را داشته باشد، به شما زنگ میزند که با شما صحبت کند، بدون آنکه حرف یا مطلب خاصی را بخواهد به شما بگوید.
- توی چشات خیره میشه اما وقتی ازش می پرسی، دلیلش را نمی گوید.
- وقتی با هم هستید، شاد و شنگول می باشد، می خندد، و سعی میکند تو را هم بخنداند و شاد کند.
- اگر امکانش باشد تا سر کلاس یا دم در خونه، تو را همراهی میکند.
- آگه با هم هستین، احساس راحتی میکنی و خیلی پر حرف میشوی،
- سعی میکنه آروم بهت دست بزنه، و گاهی هدیه های کوچکی بهت میده.
- برات نامه میده یا ای-میل می فرسته.
- اگر ازش بخواهی که یک جایی بروید که او معمولاً نمی ره، یا ازش بخواه کاری انجام دهید که او معمولاً انجام نمی دهد ولی بخاطر شما، اینکار را میکند.
- و در آخر، یکمرتبه حس میکنی که تازگیها خیلی تو دل برو، مهربان و دوست داشتنی شده و دلت بیشتر برایش تنگ میشود.
- اینها همه نشانه این است که هر دو شما بهم علاقه دارید.
- یک چیز هم یادتان نرود و آن اینکه از دوستان خود نخواهید که از پسره بپرسند که آیا شما را دوست دارد یا نه. چون به احتمال قوی حقیقت را به آنها نخواهد گفت. اگر میخواهی بدانی، بهتر است که خودت بعد از مدتی، مستقیم از خودش بپرسی.
- اگر تا اینجا خوب پیش رفته و با هم هستید خودبخود به این نتیجه رسیده ای

که آیا به هم علاقه دارید یا نه.

مسئله مهم دیگر که باید به آن اشاره کنم این است که در باره سکس و نزدیکی جنسی با دوست پسر خود (هر چند که لیلی و مجنون هم باشید) اما اینجا هم استقلال و حق انتخاب خود را زیر پا نگذارید. اگر به سکس علاقه ندارید، اگر نمی‌خواهی از جلو یا عقب سکس داشته باشی، اگر می‌خواهی فقط به یک یا چند بوسه بسنده کنی، اینرا به او گوشزد کن. درباره افکار و قضاوت‌های خود با او صحبت کن و سعی کن با افکار او هم آشنا شوی. این به معنای صرف نظر کردن از یک سکس کامل نیست. اگر دلت می‌خواهد هرکاری را می‌توانید انجام دهید، حرف من این است که حق انتخاب و استقلال خودت را فراموش نکن. چرا که دو انسان مستقل قادرند رابطه دوستی و حتی سکسی بهتر و دوطرفانه را داشته باشند.

خیلی از افراد، چه پسر و چه دختر فقط برای سکس با هم دوست میشوند، اگر هر دو این رابطه را می‌خواهند، هیچ اشکالی ندارد، اما توی یکسری رابطه‌ها اینطوری پیش می‌آید که دختر خیلی احساساتی و رمانتیک میشود و به دوست پسرش دل می‌بندد اما به دلائلی نمی‌خواهد در این شرایطی که هست، سکس داشته باشد، در نتیجه پیشنهاد دوست پسرش برای سکس را رد میکند و پسر هم ول میکند و می‌رود. و دختری با یک دنیا احساسات جریحه‌دار شده و غم و غصه تنها می‌ماند. چندین نامه در این باره برایم رسیده. در جواب این دوستان بگویم که من شما را درک می‌کنم، جدایی همیشه سخت است، اما می‌ارزد که آن را به قیمت حفظ استقلال و شخصیت خودمان، تحمل کنیم، بخصوص که گذشت زمان حلال خیلی از مشکلات است. دوست شما مریم.

۱۰- کلاس نقاشی

من یک دختر ۲۰ ساله هستم، چند وقت پیش کلاس نقاشی خصوصی می‌رفتم که دختر و پسرا قاطی بودن. یکی از پسرای کلاس خیلی خوشگل بود به اسم علی، من هم خیلی ازش خوشم می‌اومد. معلم ما هم یه خانم بود. یه روز اتفاقی زودتر به کلاس رسیدم. گفتم صبر میکنم تا بچه‌ها بیان و با هم بریم تو. (چون اونجا یعنی محل کلاس تو خونه معلم برگزار میشد.) یه دفعه دیدم که لای در ورودی ساختمون یه کم بازه؛ رفتم تو. زنگ آپارتمان رو که زدم یه چند دقیقه‌ای طول کشید تا پونه (معلم نقاشی) اومد و در رو باز کرد. دیدم که سر و وضعش نامرتب است. منو که دید هول شد. گفت اه نازنین تو چرا اینقدر زود اومدی؟ گفتم آخه از جایی

اومدم و زود رسیدم، گفت آها، خوب بیا تو. فهمیدم که یه کاری داشته میکرده. رفتم تو، دیدم علی از دستشویی اومد بیرون. داشتیم از تعجب شاخ درمی آوردیم. به علی سلام کردم. دیدم خیلی آشفته است. پونه به من گفت برو تو کلاس مدل رو بذار و بکش تا من پیام. من هم رفتم تو کلاس. ده دقیقه ای گذشت، دیدم از علی و پونه خبری نشد. رفتم دم اتاق بغلی که درش بسته بود، دیدم از تو اتاق صدا میآد. آروم گفتم پونه جوون..... علی..... دیدم کسی جواب نمی ده. در رو باز کردم، دیدم به به، دوتایی حسابی مشغول عملیات هستن. علی داشت تند تند کس پونه رو می لیسید ولی هیچکدوم نفهمیدن که من دارم نگاهشون میکنم. اما از دیدن اون صحنه به حدی حشری شده بودم که ناخودآگاه مانتو و بلوزم رو در آوردم و شروع کردم با خودم ور رفتن. یه دفعه علی سرشو بلند کرد و منو دید. پونه هم فهمید و به من زل زد.... علی بلند شد و اومد سمت من. بغلم کرد، یه لبی ازم گرفت که لبام کش اومدن. منو آروم با خودش برد اونجا که پونه خوابیده بود. من هم رفتم سمت پونه؛ یکی از پستوناشو کردم تو دهنم و کونمو دادم به سمت علی. دیدم که علی داره با دستش سمت سوراخ کونم رو میماله. کونمو بیشتر دادم عقب که راحتتر بماله. بعد علی شلوارمو از پام درآورد و شرتمو کشید پائین و مشغول لیسیدن لپای کونم کرد. من هم مشغول خوردن پستونای پونه جوون بودم. پاهای پونه هم باز بودن و خیلی حشری بود، دیدم یه دفعه علی منو ول کرد و افتاد رو پونه و کیرشو درآورد و کرد تو کس اش. من هم بلند شدم و با دست شروع کردم به مالوندن چوچوله پونه. یه دفعه احساس کردم پونه ارضا شد. جیغ و داد پونه که قطع شد، علی کیرشو کشید بیرون و منو خوابوند. پونه هم افتاد رو من و شروع کرد به خوردن پستونام. علی هم اول یه کم لای پاهامو خورد و لیسید، بعد محکم کیرشو کرد تو کسم. دیگه داشتیم از حال میرفتم. اونقدر تلمبه زد تا من ارضا شدم. بلافاصله بعد از من علی هم آبش اومد، کشید بیرون و ریخت تو دهن پونه. بعد سه تایی بلند شدیم و خودمونو مرتب کردیم چون دیگه بچه های کلاس یواش یواش می اومدن.

۱۱-ملاحظات شما (قسمت اول)

بوسه عید

(از سینا سمیل)

عید آمده از برای بوسه

از خانه و کوچه و خیابان

با بنده نده تو دست خالی

بر من بده از چغندر لب

هر بوسه که از لبی بگیرم

ایکاش به جان من بیفتد

روی چو مه تو کرده ما را

مرغ دل من نموده پرواز

هر جا که پریرخی ببینم

تنها نه منم که بوسه خواهم

با ریش بلند خود مکن بوس

چون یار نداده بوسه بر شیخ

دستی به دعا بلند کرده

صد شکر که روزهای نوروز

درد دل عاشقان شیدا

جان و دل من فدای بوسه

برگوش رسد صدای بوسه

کی دست گرفته جای بوسه

شیرینی جانفزای بوسه

خون میچکد از قفای بوسه

از لعل بتان بلای بوسه

بیچاره و مبتلای بوسه

در گلشن دلگشای بوسه

افزون شود اشتهای بوسه

هستند همه گدای بوسه

زیرا که رود صفای بوسه

بگرفته کنون عزای بوسه

حسرت زده در هوای بوسه

ارزان شده بس بهای بوسه

درمان شده با دوی بوسه.

نفی حقوق زنان

زنی هستم ۳۴ ساله، در سن ۱۳ سالگی به اصرار پدرم ازدواج کردم. بهتره کمی هم از وضع قبل از ازدواج بگم. پدر من خیلی خودخواه بود و اصلاً به حرفها و نصیحتهای دیگران توجه نمی کرد. مادرم زن با سواد و زحمت کشی بود. خلاصه از کلاس پنجم خواستگاراها راهشون به خونه ما باز کردن. پدرم هم میخواست هر جور شده منو شوهر بده. بیست تایی خواستگار اومدن و رفتن، ولی حتی یکبار هم پدرم از من نخواست که نظر بدم. تا اینکه محمد اومد خواستگاری. من نمی دانستم که طرف کی هست، کجا زندگی میکنه و هیچ اطلاع دیگه ای هم ازش نداشتم. پدرم خودش برید و دوخت.. شب خواستگاری هم یه دست کتک مفصل از پدرم خوردم، چون فرداش من امتحان داشتم و نمی خواستم که چای واسه مهمونا ببرم. بهر بدبختی بود اون شب گذشت و سه ماه بعد منو به عقد محمد درآوردن. چندماه بعد که هنوز هم ۱۳ سالم بود و چپ و راستم را بلد نبودم، خونه محمد رفتم. تازه اول بدبختی و سیه روزی هام بود. محمد مردی شکاک و از خود راضی بود. همیشه به همه کس شک داشت، از اون بدتر اصلاً از روابط انسانی هیچی حالی اش نبود؛ فقط خودش سکس انجام میداد و تموم که میکرد، می رفت پی کارش. اصلاً من براش مهم نبودم، تازه خود من هنوز معنی سکس رو نمی دونستم. هشت ماه بعد ازدواج حامله شدم و در اول پانزده سالگی اولین فرزندم متولد شد، بدون اینکه خودم هم بفهم که حالا مادر شده ام و وظایف مادری و....

بیست سالم کامل نشده بود که چهارمین فرزندم بدنیا آمد. و بعد از اون بود که فهمیدم من عاشق شوهرم نیستم، دوستش ندارم و هیچ احساسی خوبی هم نسبت به او نداشتم. اینو به کی باید میگفتم؟ هیچ پناهی نداشتم و خیلی احساس تنهایی میکردم. باید میسوختم و می ساختم. شوهرم هم از اون آدمای خرافاتی و خشک بود که فکر میکرد فقط مردا تو این دنیا حق دارن.

باور کنین تو ۲۵ سالگی بودم که فهمیدم من هم نیاز جنسی دارم و به سکس احتیاج دارم، اما چکار باید میکردم، به کی میگفتم؟ من تو مسائل خودم درگیر بودم.

تو همین حول و حوش یکی از آشنایان خبر داد که شوهرم با یک زن دیگه رابطه داره، باورم نمی شد که اون به من خیانت کرده، چند نفر دیگه هم گفتن، تا اینکه ثابت شد آقا عقد هم کرده. به هر کی هم میگفتم که کمکم

کند، کسی کاری نمی‌کرد، آخه حکومت اسلامی این حق رو به مرد داده که چند زنه باشن، اما به زن که میرسن، اگه ببینن که اون هم به سکس احتیاج داره فوری سنگسارش میکنن. خالصه خواستم ازش طلاق بگیرم، اما چون بچه داشتیم و اینا، زنش رو طلاق داد و اومد خونه ولی من از محمد بیشتر از گذشته نفرت پیدا کرده بودم، اصلاً نمی‌تونستم تحملش کنم (هر کاری هم که میکردم اما نمی‌تونستم مقبله به مثل بکنم). حالا مدتی است که ازش جدا شده‌ام اما با دلی شکسته، محزون، ناامید از هر جا رانده شده، جوونی بریاد رفته. حالا ۳۴ سال دارم اما تو این همه سال حتی یکبار هم نعمت و لذت سکس رو تجربه نکرده‌ام. دیگه نمی‌تونم عاشق بشم، چون دیگه از من گذشته.

جواب: سرگذشت شما، سرگذشت تلخ بسیاری از زنان و دختران ماست، معجونی از بی‌فرهنگی بخشی از مردان در همکاری با قوانین ارتجاعی، عقب‌مانده و قرون وسطایی رژیم آخوندها، چه بلاهایی که برسر مردم ما و بخصوص زنان ما آورده است. برای از بین بردن هر دو این مسائل باید تلاش کرد، زور زد و از پاننشست و گرنه دختران نسلهای آینده ما هم همین سرگذشت را خواهند داشت.

اما تا آروز بیائیم همه دست بدست هم دهیم و:

- در انظار عمومی چندزنی را امری زشت و کریه معرفی کنیم. اگر کسی از رابطه زناشویی خودش راضی نیست، اول جدا شود و بعد همسر دیگری انتخاب نماید.

- زنان و دخترانی که این مطلب را میخوانند، به خود قول دهند که با مرد زن‌دار ازدواج نکنند.

- مردان و پسرانی که این را میخوانند به خود قول دهند که هیچوقت چندزنی را برای خود انتخاب نکنند.

- این را در بین دوستان، آشنایان، بستگان و..... تبلیغ کنید.

- برای لغو قوانین تبعیض آمیز مشترکاً با هم همکاری کنیم و رژیم را به عقب‌نشینی وادار نمائیم.

یک جواب خصوصی برای این خواننده عزیز ارسال کرده‌ایم اما همینجا به زانی که ممکن است چنین سرنوشتی داشته باشند میگوئیم که سکوت نکنید و برای تغییر شرایط تلاش کنید. از این گذشته برای عشق و لذت از زندگی هیچوقت دیر نیست.

پیام از زبان پسری دلسوخته برای همه دخترها

همه ما میدانیم که تو جامعه خفقان زده ما دخترها و خانمها راحتتر از پسرها و آقایون میتونن به سکس خود برسند. همین هفته گذشته که در تاکسی نشسته بودم، حس کردم که دختر محترم کناریم شهوتی و دنبال گمشده خود میگردد، به همین جهت از روی خیر خواهی برای طرفین فقط کمی رانم را به رانش نزدیک کردم که اگر پاسخ اندکی داد ادامه دهم، ولی چشمتان روز بد نبیند چنان با کلاسورش زد توی سرم که تا چند ساعت از هرچه کس تو دنیا هست، بیزار شدم. ولی چیزی نگذشت که در حال عبور در پیاده رو شلوغ دختر خانمی چنان سینه‌های متورم شده خود را به شونه و سینه‌ام مالید که حتی نوک متورم شده سینه‌هاش رو هم حس کردم. نگاهم را که برگرداندم، دیدم او هم برگشت و باخنده‌ای تشعشعات الکتریکی نگاهش را تا عمق وجودم نفوذ داد، چنان که گویی کیرم میخواست هر مانعی رو از بین بیره و خودش آزاد کنه، در آخر هم اینطوری شد و به آنچه میخواستم، رسیدم. پس نتیجه میگیریم که دخترها راحتتر میتونن کار کنن، پس لطفاً ما پسرها را اینقدر بدنبال خودتون ندوانید.

عجب حکایتی

من یک زنی هستم شوهردار ، هردوی ما تحصیل کرده و علاقمند به سکس ضربدری. توی چند شماره اخیر متوجه شدم که یک عده با این مسئله مخالف هستند و میخوانم نظر خودم را بگویم.

یکی از ریشه‌های بدبختی و عقبماندگی ما ایرانیها و کشور ما اینه که تو قرن بیست و یکم هم به چرندیاتی مثل غیرت و ناموس و اخلاق عهد عتیق باور داریم، هی تو کار همدیگه دخالت میکنیم، هی پشت سر هم حرف میزنیم، هی.....مردم کشورهای دیگر سالهای سال است که این چیزها را کنار گذاشته و مسائل خصوصی افراد را به خودشان واگذار کرده و بعد از این بود که به فکر توسعه، پیشرفت و اختراعات افتادند. ما ایرانیها هم از این نکبتی که درس هستیم، درنخواهیم آمد مگر اینکه این مسائل را کنار بگذاریم، دوست عزیز اگر تو یک اخلاق و یک شیوه زندگی داری و آن را می‌پسندی، مبارک باشد، کسی ازت نمی‌خواهد که آن را عوض کنی اما سعی نکن این معیارهای اخلاق خودت را به دیگران تحمیل کنی، یا حق

قضاوت به خود بدهی. اصلاً به شما چه که من و شوهرم به اختیار خودمان هر کاری که می‌خواهیم توی اتاق خواب خودمان و با هر کسی که مایل باشیم انجام دهیم. حتماً یکی می‌گوید این اخلاق و رفتار ما ایرانیها نیست و ما نمی‌توانیم آن را قبول کنیم، خوب، شما هم آخوند هستید، مگر آخوند فقط کسی است که عمامه رو سر دارد؟ والله نه، آخوند یک سیستم فکری است، فکر آخوندی امر به معروف و نهی از منکر دارد، هر چه خودش می‌گوید درست است و مانع دیگران میشود که هر چه بخواهند انجام دهند. می‌گوید اینکار شما ضد این است و ضد آن، می‌گیرد، می‌کشد و... شما هم در نهایت یک همچو سیستم فکری دارید. مسئله دیگه اینه که کی گفته که ما ایرانیها (۶۵ میلیون نفر) حتماً باید یک طور فکر کنیم، یک روش سکس داشته باشیم و مگر کشورهای دیگر که مثل ما نیستند چه بلایی سرشان آمده؟ نه تنها بلایی سرشان نازل نشده که به مراتب انسانهای آزادتر و کشور مدرن تر و پیشرفته تر دارند. در عوض ما قرن‌ها مثل هم فکر کردیم، به یک خدا اعتقاد داشتیم، یک روش سکس داشتیم و... به کجا رسیدیم؟ و کجا هستیم؟ بدبختی ما اینه که می‌گیم رژیم آخوندی خوب نیست چون آزادی نداریم ولی به نظر من فقط انسانهای آزاد شایسته آزادی هستند نه کسانی که از نظر ذهنی و فکری و اخلاقی خودشان یک دیکتاتور تمام عیار هستن. ما باید تعصبات خودمان دربارهٔ باکره بودن دختران، ناموس غیرت و... را کنار بگذاریم تا بتوانیم هم شهروندان آزادی داشته باشیم و هم فکر خود را بجای این چیزها، صرف کارهای مهم دیگر مثل آباد کردن کشور، کارایی، پیشرفت علم و تکنیک و... صرف کنیم. و گرنه همچنان در خم همین کوجه‌ای خواهیم ماند که هستیم.

خواهش یک جوان تبریزی از جوانان

من یه پسر ۲۵ ساله از شهر تبریز هستم، دوستان بیائید واقعاً به حریم دیگران احترام گذاشته و بزور نخواهیم با کسی دوستی کنیم. من اینجا هر روز شاهد چندین صحنه هستم که پسرهای می‌افتند دنبال دختران و هی پشت سر هم به آنها متلک می‌گویند و در آخر هم چندین فحش و اگر نتوانستند از پشت سر ایشان کارهای ناشایست انجام میدهند، یا در بازار بخصوص این روزها که به خاطر خرید عید شلوغ شده، خیلی از پسرهای بی فرهنگ از این موقعیت شلوغی سواستفاده میکنند.

من از شما خواهش میکنم که حریم دیگران را محترم بشماریم . سکس زمانی خوب است که هر دو طرف به انجام کار تمایل داشته باشند. بعدش هم یه صحبتی با دختران، چرا شما برای سکس داشتن اینقدر جوانها را پشت سر خود میگردانید و پسره باید جانش به لب بیاید تا شما راضی به دوستی شوید، یا چرا به محض اینکه با کسی دوست شدید، فوری میخواهید که طرف باشما ازدواج کند؟ شاید پسری نخواهد ازدواج کند و فقط مایل است یک دوستی خالص باشما داشته باشد؟ لطفاً کسی برای این سخنان من جوابی بنویسد.

جواب: متلک گفتن به دختران و زنان تنها مختص جوانان نیست، خیلی از غیر جوانان هم اینکار را میکنند، اما هر کسی چه جوان و چه غیر جوان که متلک می‌پرانند، هیچ چیزی را نشان نمی‌دهد جز عقب ماندگی فکری، تحجر، کهنه اندیشیدن و ذهن عقبمانده خود در رابطه با مسائل جنسی و بخصوص تعلیمات و فرهنگ غلط خودش درباره زنان و دختران و نوعی حس برتری بر زنان، همین. حالاً مسئله تجاوز به حریم دیگران که جای خود دارد، به همین دلیل یک سه کافی مذکر به هیچوجه نباید به خودش اجازه دهد که به کسی متلک بگوید یا از پشت انگشت به کسی برساند. این فرهنگ غلط را ما باید کنار بگذاریم.

اصلاً ما ایرانی‌ها (اکثر ماها) معنی دوست پسر یا دختر داشتن را نمی‌دانیم. دختر و پسری که همدیگر را می‌بینند و حس میکنند که از هم خوششان می‌آید، افکار یا علاقه‌مندیهای مشابه یا بالاخره چیزهایی که آنها را به هم نزدیک میکند، دارند. خوب رابطه دوستی برقرار میکنند، با هم به سینما می‌روند، با هم تفریح میکنند، کتاب رد و بدل میکنند و..... یعنی نیازهای روحی-روانی و انسانی خودشان را پاسخ میدهند، تو همین چارچوب یک نیاز جنسی هم هست که اگر دو طرف خواستند، با هم سکس میکنند و این نیاز را هم جواب میدهند و گرنه خیلی از دوستیها ممکن است سالها ادامه یابد ولی هر کدام نیاز جنسی خودش را در جای دیگری سیراب کند و این هیچ اشکالی ندارد.

درباره دخترها، خوب تعالیم کهنه جامعه درباره دختری که دوست پسر میگیرد و با غریبه رابطه برقرار میکند و امثال اینها یک مشکل است، مشکل دیگر فشارهای خانواده است، مثلاً آیا شما حاضرید که خواهر شما دوست پسر انتخاب کند، بیاوردش خانه و به شما معرفی کند و مثلاً

تعطیلات هفته را با دوست پسرش در یک شهر دیگر بگذرانند؟ اگر جواب شما مثبت است، به راستی شما یک سه‌کافی هستید و به شما آفرین می‌گویم. اگر هم قبول ندارید، خوب هر کسی بهتر است اول از خودش شروع کند.

این دیگه چه وضعی است؟

من می‌خوام بدونم آخه این چه وضعیه، آخه تو کدوم کشور و مملکت اجازه دارن بدون هیچ اتهامی به آدم توهین کنن؟ روز ۱۹ اسفند من و چندتا از دوستانم (همه پسر) سر میدون شهرک غرب وایساده بودیم که یه دفعه یه دونه از این بنزهای جدید که برای حفظ نظام اومدن، جلو ما ترمز کرد و چهار نفر از توش پیاده شدن و ما رو هل دادن رو ماشین و پاهامونو باز کردن و دستامونو گذاشتن رو ماشین و همه جاهامونو گشتن و بعد که هیچی پیدا نکردن، گورشونو گم کردن. آخه من می‌خوام بدونم ما جوونا تا کی می‌خوایم این وضع رو تحمل کنیم؟ من و دوستانم هرچه میتونیم انجام میدیم که اینا گور خودشونو گم کنن و برن و مملکت ما آزاد بشه. باور کنیم مثل اشغالگر عمل میکنن که هی میخوان قدرت خودشونو به رخ بکشن و روحیه رو خراب کنن. اما کور خوندن، من و دوستانم هرچه که درتوان داریم انجام میدیم تا ما هم یه کشور آزادی داشته باشیم و می‌خواستیم از بقیه جوونا هم خواهش کنم که بیشتر تلاش کنین. امیدوارم که مردم هم ما رو حمایت کنن.

افسر پلیس: ما چوب دو سر نجس هستیم.

من یه افسر پلیس هستم و از بازدید کنندگان سایت شما. سایت خوب و جالبی دارید اما یک گله هم از شما بکنم و آن اینکه پلیس و نیروی انتظامی را خیلی می‌کوبید. ببینید ما نظامی‌ها مثل چوب دو سر نجس هستیم، هم از طرف ملت و هم از طرف رژیم مورد تنفر هستیم. ملت فکر میکنن که ما با رژیم هستیم و رژیم فکر میکند که ما با ملت هستیم. کل نیروی ارتش انتظامی دست آخوندها سپاه هستش، همه رو عقیدتی می‌چرخونه و آنقدر به ما زور میگن که حد نداره. مردم هم آنقدر به ما فحش میدن که حد نداره، برا چی؟ چون ما مجبوریم حرف آخوندها را گوش کنیم تا صنارشاهی آخر برج به ما بدن. حالا همه میگن یاد

محمد رضا به خیر، بقیه مطالب رو خودتون درک کنین.

بی خاصیت ترین عضو

طبق کتابهای زیادی از جمله " تاریخ تمدن " نوشته ویل دورانت بی خاصیت ترین عضوی که تاکنون پزشکان تو بدن انسان پیدا کرده اند، همان پرده بکارت است. حتی در ایران قدیم داشتن پرده بکارت یک عیب حساب می شده (مانند اکثر مناطق دنیای کنونی) در قدیم پرده را دلیل سرد مزاجی یا حتی بیماری یک دختر میدانسته و در بعضی از قبایل شوهران عیب میدنستن که شب از دواج پرده بکارت همسر خودشون رو پاره کنن و خونی زمین بریزن. به همین دلیل مردان خاصی در قبیله وجود داشته اند که این کار رو برای آنها انجام می دادند. کم کم، مردها از " این عضو بی خاصیت " بعنوان یک حربه برای تحت سلطه در آوردن مردان دیگر استفاده میکردند، زیرا بنا بر حس مالکیت که نسبت به همه چیز داشتن، میخواستن که زنان اونها هم فقط مخصوص خودشان باشد و این حس مالکیت زن و غیرت امروزی از همانجا ریشه گرفته است. مردم با فرهنگ و امروزی باید عاقلانه و منطقی به این مسائل فکر کنند و حس مالکیت به زن یا خواهر یا مادر را از خود دور کنند.

دوستی خواهر و برادر در خانه

من میخوام در بارح مطلب مریم خانم در شمارح قبلی بگم اینکه برادرها خودشونو بهتر از خواهراشون میدنوو، به خود خواهر هم بستگی داره چون من خودم دوتا خواهر دارم، یکبار هم که یکی از دوستانم با یکی از خواهرام دوست شد، هیچکس با این موضوع مشکلی نداشت. اینکه فکر میکنین همه پسرها خودشونو بهتر از دخترها میدونن، اصلاً درست نیست. شما اگه از همون اول برادرتون رو امین خودتون بدونین، اون هم خودشو دوست شما میدونه، چون خیلی از دخترا خودشو دور میگیرن. من و دسای پسر، هیچکدوم خودمون رو بهتر از خواهران خودمون نمی دونیم. و دیگه اینکه یکسری از پسرها به دخترها کس میگن این بستگی به طبقه و شخصیت اون پسرها داره چون تعداد کمی از پسران این اصطلاح را بکار می برند و در آخر

مرسی بخاطر راه حل‌های خوبی که دادین.

۱۲- ملاحظات شما (قسمت دوم)

اینهمه مشکل و عذاب روحی بی خود برای دختران

سلام، من یک زن ۳۲ ساله هستم و باور کنید تا ۲۰ سالگی با هیچکس سکس نداشته‌ام. فقط یکبار یک دوست پسر داشتم آنهم برای مدتی کوتاه که به سکس نرسید، چون خانواده‌ام بو برده بود و حسابی کتک خوردم که تمام صورتم ورم کرده بود و تا مدتی نمی‌توانستم از خانه بیرون بروم. چندوقت بعد بر اثر سانحه‌ای متوجه شدم که خونریزی دارم که فهمیدم به پیرودم مربوط نمی‌شه. دو سه روز اولش آنچنان وحشت و اضطراب داشتم که باور کنید داشتم دیوانه می‌شدم، چون حدس می‌زدم پرده‌ام پاره شده، بعدش هرطوری بود مادرم فهمید که حالم خوب نیست و جریان را به او گفتم. خلاصه رفتیم دکتر و بله، گفتند که پرده‌ام پاره شده، اما مدرک ندادند، نمی‌دانم چرا. آمدیم خانه و روز بعد بدون مقدمه و با روحیه شکسته، آنچنان زیر مشت و لگد پدرم قرار گرفتم که باور کنید اگر میتوانستم، او را خفه می‌کردم. خوشبختانه بعدها با مردی ازدواج کردم که فهمیده و خیلی آقا بود و پرده نداشتن من برایش مسئله‌ای نبود، مردها و پسرای که این مطلب را میخوانند، خودشان را یک لحظه جای من قرار دهند و بعد درباره این مسئله نحس پرده و باکره‌گی دختران قضاوت کنند که از بابت این مسئله چه رنج و دردی که ما دختران و زنان که تحمل نمی‌کنیم. چرا نصف جمعیت مملکت ما یعنی زنان باید اینقدر ذلیل باشند؟ من خیلی خوشحالم که از طریق یک دوست بسیار صمیمی با این سایت آشنا شده‌ام و خیلی چیزها یاد گرفته‌ام و امیدوارم شرایط فرهنگی ما روزی بهتر از این باشد که حالا داریم.

تذکره به بعضی از جوانان

از آنجا که شما به مسائل فرهنگی بها می‌دهید، از شما خواهش میکنم در مورد شوخیهای نابجای بعضی از جوانان با مسائل مهم و جدی تذکراتی بدهید:

۱- تعدادی از پسران توی چت روم، خود را به اسم دختر معرفی میکنند و چت را یک مکانی برای شوخی کردن و دست انداختن دیگران میدانند، البته بعضی از دختران هم به دلائلی که شما خود میدانید، اینکار را انجام میدهند و اسم پسر انتخاب میکنند. این باعث میشود که عده‌ای از چت کردن زده شوند.

۲- من گی نیستم ولی در میان دوستانم بعضی از آنها ادعای گی بودن میکنند ولی وقتی به آنها فیلم یا مطلبی در مورد گی‌ها می‌دهم، حالشان به هم می‌خورد و به دلیل پائین بودن سطح دانش آنها در زمینه‌های مسایل جنسی میگویند که این گی‌ها آدمهای کثیفی هستند. در واقع می‌خواهم بگویم که این دوستان من فقط ژست گی‌ها را میگیرند، البته این فقط در بین دوستان من نیست، بلکه در ایران عزیز ما خیلی‌ها گی بودن را برای شوخی کردن بکار میبرند و آن دسته از افرادی که واقعاً گی هستند، نمی‌توانند به کسی اطمینان کنند. خواهش میکنم که همه به این مسائل توجه کنند قبل از اینکه زخمها عمیقتر شوند.

نهضت سه‌کاف را فراگیر کنیم

توی سه‌کاف تنها جایی است که بین پسرها و دخترها هیچ‌گونه فرقی نگذاشته است، فقط تاسف می‌خورم به اینکه در کشور ما خیلی از مردم بخصوص اونها که اصلاً توی سکس چیزی سرشون نمی‌شه، به اینترنت دسترسی ندارند و نمی‌توانند این مطالب را یاد بگیرند، از اونهایی که دسترسی دارند، خواهش میکنم به کسانی که دور و برشان هستند و به سه‌کاف یا کلاً اینترنت دسترسی ندارند، این مطالب و اطلاعات را هم برسانند- بخصوص به خانمها- که خیلی از آنها تا آخر عمر طعم واقعی سکس را نمی‌چشند و فکر میکنند که این گزینه فقط برای حامله شدن است. یه چیز دیگه هم بگم و اون اینه که ما جوونها نمی‌تونیم در خانواده‌ها راحت باشیم و یک دوست پسر یا دوست دختر داشته باشیم، تقصیر خودمونه چون از خانواده‌ها میترسیم و فکر میکنیم هرچی اونا بگن درسته. من میگم باید از تجربیات اونها استفاده کنیم ولی نباید اجازه بدیم که تو زندگی ما دخالت کنن. باید جلوشون بایستیم و بگیم این فکرها مال زمان شما بوده! و نگران هم نشید

که از دستتون دلخور میشن، اگه اونا حق به گردن شما دارن، شما هم انسانید، نمیتومنن که حق انتخاب و زندگی را از شما بگیرن. تازه میخواستن بچه دار نشن، خوب، حالا که شدن، مسئولیت بزرگ کردن بچه با آنهاست ولی نه اینکه فکر کنن یه انسان مطیع و فرمانبردار برای خودشون درست کردن.

شما با خودتان در تناقضید

به نظر من شما دارید همان راهی را میروید که خیلی وقت پیش شکست خورده.... شما در دادن اطلاعات به مردم پیشتازید...انصافاً که اطلاعات جنسی که در اختیار مردم قرار میدهید خوب است....اما شما باید توجه داشته باشید که این اطلاعات به تنهایی کافی نیست....این گفته سردبیر محترم خودتون میباشد.....پس سعی کنیداطلاعاتی صحیح به مردم بدهید، شما هم نمیخواهید مردم بدونن که حقی ازشون به توسط مذهب ضایع شده؟!!!!!!! همیشه فقط با این جمله که ما به تمام تفکرها در مورد دین احترام میگذاریم، از این مطلب چشمپوشی کنیم که اسلام با آزادی زنان چقدر منافات دارد. می دونم که دیگه حرفای من و امثال منو تو مجله اتون منتشر نمیکنید....،چون حس میکنید که خوانندگان مذهبی شما کم میشن.... اما اگه اونها هم یک کم با فکر به موضوع نگاه کنن که مظهر چه بر سرشون آورده نه اینکه خوانندگان شما کم نمی شن بلکه تعدادشون هم زیاده تر میشه.... به هر حال اگر شما به آزادی فکر میکنید و به هر طرز تفکری بها میدهید حداقل نظر من و افرادی مثل من را در سه کاگف چاپ کنید و هم نظر مذهبیون را تا خوانندگان خودشان قضاوت کنند که کدام راه درست است.

تلویزیون سه کاف

آیا این امکان داره که شما دست اندرکاران سه کاف وقتی که ایران به امید خدا آزاد شد یک تلویزیون مانند سایت خود و یا مثل چند شبکه که در آنها فقط درباره سکس صحبت میشود و فیلمهای سکسی نشان میدهند، درست کنید؟ به نظر من کشور ما هم نیازمند چنین

چیزی میباشد و بهره‌ته که شما تجربیاتی که از سه‌کاف بدست آوردین یک چنین تلویزیونی هم راه‌بندازید. به امید آرزو و به امید آزادی ایران.

جواب: بدون شک روزی که یک ایران آزاد و آباد داشته باشیم، آرزوی شما برآورده خواهد شد، اما اینکه ما گردانندگان سه‌کاف اینکار را انجام دهیم، قول نمی‌دهیم.

تا کی باید تحمل کنیم؟

میخواستم بدونم آخه ما تا کی باید منتظر باشیم تا یه روزی برسه که ما باخیالت راحت بتونیم دست زیدمون رو بگیریم و با هم خوش باشیم؟ تا کی باید با ترس از اینکه پلیس ۱۱۰ بیاد و گیر بده که این دختر کی هست، همینجوری تو کوچه‌پس‌کوچه‌ها قدم بزنییم؟ تا کی باید این مسائل رو از همه مخفی کنیم، بابا ما هم دل داریم و عاشق زیدمون هستیم و با یه دنیا هم عوض نمی‌کنیم. بخدا اگه شما سایتهای اینترنتی نبودین، ما جوونا باید الان خودمون رو از دست اینها دار میزدیم. باز خوبه که شما هستین و ما میتونیم با شما درد دل کنیم.

اولین انقلابی

سلام، من علی هستم، از طرفداران سه‌کاف و حاضر تمام تلاشم را هم برای به تحقق پیوستن اهداف آن انجام دهم. من دانشجو هستم و در شهر مشهد زندگی می‌کنم. در ایران نوعی ترس از بیان اخلاق و عادات جنسی وجود دارد که ناشی از حکومتی شیخ‌هاست و من قصد دارم تا بعنوان اولین انقلابی ایران به این ترس خاتمه دهم. تا کی باید از ترس بر خود بلرزیم و میل جنسی را در خود سرکوب کنیم؟..... من همجنسگرا هستم و از گفتن آن اصلاً نمی‌ترسم. البته با دختران هم سکس داشته‌ام ولی اصلاً به من نمی‌چسبد و لذتی نمی‌برم. در ضمن این را هم بگویم که من دوست دارم مفعول باشم و از اینکار خود هم نه تنها بدم نمی‌آید بلکه خیلی هم لذت می‌برم، از لیسیدن و خوردن کیر با دهان هم خوشم می‌آید. من بدون خجالت و ترس گرایش و تمایل

جنسی خود را به شما خوانندگان سه کاف مطرح کردم، تا ببینم که انقلابی
بعدی کیست؟

۱۳-مطب دکتر امیر

-

قرص روز بعد

در این شماره میخوام درباره قرص روز بعد مطلب بنویسم اما قبل از آن
میخوام مطلبی درباره خداحافظی سه کاف بنویسم:

تقدیم به صمیمی‌ترین دوست جوانان

به شما عادت کرده بودیم. همیشه منتظر بودیم که این شماره کی چاپ
میشود تا اطلاعات مفیدی بگیریم. سالها بود به دنبال یک چنین دوستانی
می‌گشتیم و خوشحال بودیم که این دوست را پیدا کردیم.

اما امروز روز خداحافظی است. روز تلخ جدایی. خوب میدانم که دوست
بسیار خوبی را از دست میدهم. میدانم که دوباره تنه‌ایم. اما خوشحالم
از اینکه مرا با راهی آشنا کردید که بتوانم بهتر زندگی کنم، بتوانم از این
زندگی لذت ببرم، مرا با خود آشنا کردید.

سه کاف عزیز، در این چند ماه، تنها کاری که میتوانستیم انجام دهیم، تشکر
بود و تشکر. من از جانب تمام پزشکان و متولیان امر بهداشت به شما خسته
نباشید می‌گویم.

ما پزشکان به زحمات شما ارج می‌نهیم و برای شما در تمام مراحل زندگی
آرزوی موفقیت و شادکامی داریم. امیدوارم در این سال پیوسته شاد و خرم
باشید.

دکتر امیر.

=====

قرص روز بعد

این روش یکی از بهترین روشهای جلوگیری از بارداری است. این روش وقتی
انجام میشود که شما یک آمیزش ناخواسته داشته باشید یا مثلاً در حین آمیزش

کاندوم پاره شده باشد و.....

در این روش شما باید حداکثر ۷۲ ساعت بعد از آمیزش دو عدد قرص HD را یکجا بخورید و ۱۲ ساعت بعد دو قرص HD دیگر میل نمایید.

اگر این قرص در دسترس نبود، میتوانید بجای دو قرص HD از چهار قرص LD استفاده کنید. با خوردن این قرصها احتمال حاملگی به میزان ۹۹ و نیم درصد (۰.۹۹۵٪) از بین می‌رود.

چنانچه در اثر مصرف این قرصها، حالت تهو شدید ایجاد شود، میتوان یک آمپول ب.۶ (B6) تزریق نمود.

اگر چند روز پس از مصرف این قرصها قاعدگی پیش آمد، امری طبیعی است و نشانه برطرف شدن احتمال حاملگی است. موارد ممنوعیت استفاده:

در مواردی که در زیر ذکر میشوند. استفاده از این روش ممنوع است:

۱- سابقه سکته قلبی یا مغزی.

۲- زنان سیگاری چاق که بالای ۳۵ سال سن دارند.

۳- اگر ۷۲ ساعت از زمان آمیزش جنسی گذشته باشد.

۴- زنانی که دیابت دارند.

۵- در کم‌خونی‌های پاتولوژیک (از جمله بخاطر اختلال کارکرد سلولها و مغز استخوان ناشی میشود).

۶- افرادی که فشارخون دارند

۷- سن بالای ۴۰ سال.

مواردی که بهتر است از این روش استفاده نشود:

در این موارد بهتر است از این روش استفاده نکنید، اما اگر راه دیگری وجود نداشت، میتوانید با احتیاط استفاده کنید:

۱- آسم

۲- افسردگی

۳- صرع

- ۴-میگرن
۵-نارسایی کلیوی
۶-واریس
۷-زیادی چربی خون.
شاد باشید
دکتر امیر

=====

سفارش به همهٔ دوستان : همواره برای مشکلات جنسی خود
به پزشکان مراجعه کنید تا جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

۱۴-قلب کسی را نشکنید

من همیشه از دوست شدن یه پسر و دختر عقیدم این بود که هر دو باید عاشق هم باشن. البته بعد از شناخت کامل روی همدیگه... سرتون رو درد نمیآرم.... این قصه عشق منه که اون خرابش کرد... عشقی که شاید با همه حال و هوای سکسی اش می شد که به سرانجام برسه..... حالا براتون تعریف می کنم... اون لحظات قشنگ و اون.....

من و امیر حدود یکسال و نیمی بود که با هم دوست بودیم و امیر از همون لحظهٔ اول مزهٔ سکس رو بهم نشون داد.... یادمه اون اوائل از لمس کیرش هم چندش می شد...اما... اون عقیده‌هایی داشت که من رد میکردم..... اون می گفت که برا ازدواج دو نفر باید تو سکس به تفاهم برسن.... من هرکاری رو واسه ثابت کردن عشقم به اون انجام میدادم..... چندین بار هم از هم جدا شدیم اما او دوباره برمیگشت. بعدش من با خودم عهد کردم که دیگه کاری نکنم که ناراحتش کنم. از اونجایی که امیر به سکس اهمیت زیادی میداد من هم سعی کردم با اخلاقیات سکسی اون مخالفت نکنم، آخه من همیشه باهانش سر همین موضوع مشکل داشتیم... اوایل یه کم سخت بود، اون از اینکه من کیرشو بخورم

خوشش می‌اومد، اما بعد از آن همه قهر و آشتی، تو همون اولین ملاقات
آشتی مجدد چنان کیرش رو خوردم که باورم نمی‌شد خودم هستم.....
تا اون موقع که با سه کاف آشنا شد و ایا دیگه دگرگون شدم، خیلی
زیاد.... من دیگه از خوردن کیر نه تنها بدم نمی‌اومد بلکه عاشق کیر
خوردن شدم؛ آخ خداجون، کیر چه نعمتی است و چقدر حال میده!
اون روز بعد از کلاسم باهاش قرار داشتیم... و ایا دل تو دلم نبود و دلم
براش یه ذره شده بود. بعضی دوستانم از پسرایبی که بدنشون مو داره
خوششون می‌آد اما من از پسرایبی خوشم می‌آد که بدنشون مو نداره...
امیر هم از همون پسراست. سر قرار همدیگه رو دیدیم و رفتیم خونه.
بلند شدم و بغلش کردم. اون هم منو بلند کرد طوری که کیرش درست
رو کس‌ام جا گرفت. آخ، یاد اون لحظات هم کافیه تا منو خیس کنه.
خلاصه تو بغل هم همانطور که امیر منو بلند کرده و تو بغل گرفته و
کیرش هم جای حساس، هی لب گرفتیم، پشت سر هم. بعدش دراز
کشیدیم و یگراست رفتیم سراغ کیرش که دلم براش تنگ شده بود.
هی سرشو لیسیدم و بعد بردم تو دهنم، هی با دستام با تخماش بازی
کردم، هی قورت دادم و هی کیرشو خوردم. چه خوشمزه!!!!
بهم گفت آبم که داره می‌آد بهت بگم؟ گفتم بگو (آخه اونقدر جو
سه کاف منو گرفته بود که می‌خواستیم آب کیرشو بریزه تو دهنم)
خلاصه اونقدر اون کیر داغ و خوشگلشو خوردم که یهو آبش اومد
و همشو ریخت تو دهنم.... بعدش دستمال آورد و من آبشو تو
دستمال خالی کردم.... بعد دوتا شکلات خوردیم. یه کم هم دراز
کشیدیم و بعد دوباره من هوس لب کردم. کیر ناز نازیش هنوز نیمه
خواب بود، ولی بازم رفتیم سراغش، خوردن کیر خوابیده هم حالی
داره که نگووووووووو..... وقتی کیرش دوباره شق شد، امیر بلند شد
و منو رو کمر خوابوند و شروع کرد به خوردن و لیسیدن گردنم و

لبام و همینطور رفت پائین و سینه هامو با یه دست گرفت و هی میخورد..... بعدش عکس هم خوابیدیم جوری که سر من رفت لا پای اون و سر اون لا پای من. بعدش امیر بلند شد و نشست و من طوری رو کیرش خم شدم که دست امیر به لاپام برسه. هی من کیرشو میخوردم و اون هی کسم رو با دست و انگشتاش می مالید و گاهی هم انگشتاشو میکرد تو. نگو که چه حالی میده، اینقدر ادامه دادیم تا ارگاسم شدم، امیر هم آبش که اومد گفتم این دفعه بریزه رو دهنم که همین کار رو کرد و بعد با دستمال همه رو پاک کرد و لپم رو بوسید و هر دو مون دراز کشیدیم.

حالا یه مدتی اسی که من با امیر که عشقم بود دیگه دوست نیستم اما از همینجا از همه پسرا میخوام که اگه دختری دوستتون داره، خودتونو نگیرین.... به خدا طرفتون جوری میشکنه که دیگه هیچ عشقی نمی تونه قلب شکسته اونو درست کنه.

۱۵-ستون فرهاد ۱۸ ساله

باز هم سلام.....

اول اینکه عید همه اتان مبارک و امیدوارم سال بسیار خوبی را در پیش داشته باشید و در این سال جدید موفق و سر بلند باشید.

در مقاله قبلی پیشنهاد دادم که برای حذف مشکل در مورد داشتن دوست پسر و دختر بریم بشینیم و با پدر و مادرمان حرف بزنیم، بلکه بتوانیم آنها را راضی و هم عقیده خودمان کنیم. نمی دانم آیا چنین کاری را کردید یا نه و اگر هم کردید آیا موفق بودید یا هنوز آش همون آشه و کاسه همون کاسه و شاید هم آن آش داغتر شده!!!؟؟؟؟؟
یک موضوعی است که بهتره الان بگم و آن اینکه این ستون مخصوص این حرفا نیست و حتماً نباید حرفایی که مربوط به مشکلات است در

آن زده شود، بلکه ما همه جور حرف خواهیم زد!! و موضوع دیگر اینکه کسانی که نامه فرستاده‌اند و خواستند که به آن جواب داده شود من سعی می‌کنم در همین ستون خلاصه به آنها جواب دهم و بدانند که من نمی‌توانم جواب را بطور خصوصی برایشان بفرستم مگر اینکه واقعاً آن مطلب خصوصی باشد.

دوستی نامه‌ای فرستاده بود که مادر یا پدرش به این علت او را از دوستی با شخص دیگر منع کرده‌اند زیرا بر این باورند که این کار به درس فرزندشان لطمه خواهد زد، این مطلب درست است مگر اینکه این دوستی از حد و مرز خودش خارج نشود. مثالی می‌زنم:

فرض کنید که شما با کسی دوست شده‌اید و برای آن دوستی، خودتان را از تمام زندگی‌تان انداخته‌اید و همیشه به دوستان فکر میکنید، در این مورد شما در معرض خطر بدی هستید، شما مانند یک عاشق دیوانه میشوید که عشق را حاکم بر عقلش کرده است و اینکار در آینده نه چندان دور برایتان خطرناک خواهد بود. ولی اگر یک دوستی و عشق منطقی حکم فرما باشد آن لحظه میتوان گفت که خوشا به حال آن دو دوست، زیرا در آن هنگام نه اینکه به زندگی هم لطمه نمی‌زنند بلکه هر کدام برای دیگری مانند یک حامی و همیشه پشتیبان خواهند بود. بگذریم.

بهتر است وارد بحث امروزیمان شویم، قبل از اینکه موضوع مقاله امروزی را بگویم بهتر است که یک مقدمه برای آن داشته باشیم:

من چند روز پیش در خانه یکی از دوستان یا بهتر بگویم در یک پارتی نسبتاً رسمی دعوت بودم، حدود شش دختر و چهار پسر بودیم که حوصله‌امان در آنجا داشت سر می‌رفت که من یک موضوعی را به آنها پیشنهاد دادم که بیاییم و مثلاً بگوئیم آیا دوست دختر یا پسر داریم و بسیاری از موضوعات دیگر که چون همه بیکار بودیم مورد استقبال قرار گرفت و در آخر بحث آن چنان

داغ شده که افراد دیگر هم به ما اضافه شدند به طوری که در پایان عده ما به ده پسر و هیگده دختر می‌رسید. این بحث حدود ۹۰ دقیقه به طول انجامید که در موارد زیر بحث شد:

من گفتم که از دوستانمان (منظور دوست پسر یا دخترمان) بگوئیم، بگوئیم که رابطه ما با آنها چگونه است، آیا تا حالا با هم سر قرار رفتیم و اصلاً تا حالا آیا از هم لب گرفته‌ایم؟ آیا مسئله دوستی‌امان را با پدر و مادر خود مطرح کرده‌ایم و عکس‌العمل آنها چگونه بوده است؟ و آنهایی که سن بالایی دارند هم آیا قصد ازدواج با دوست دختر یا پسر خود دارند یا نه؟ اگر نه، تا کی می‌خواهند دوستی‌اشان را ادامه دهند؟؟

شرح کامل سئوالات و جواب آنها در این مقاله جایی ندارد ولی من می‌خواهم از این به بعد به توضیح هر یک از این مسائل بپردازم و آنها را باز کنم و نتایج بسیار جالبی که از این بحث بدست آورده‌ام را بگویم. سؤال آخر من در آن بحث این بود که آیا با هم قصد ازدواج دارند یا نه که این مسئله به دوستان بالای ۲۰ سال برمیگردد.

ولی آیا به این مسئله فکر کرده‌اید؟؟ یک دوستی را باید تا کی ادامه داد و آیا باید در پایان آن دوستی به ازدواج بکشد یا نه؟ ازدواج و دوستی دو مسئله کاملاً جدا از هم می‌باشند و نمی‌شود آنها را با هم تطبیق داد زیرا ازدواج مسئله یک زندگی مشترک و طولانی مدت استو گاهی خیلی اختلافات و دعوا هم در آن هست و حیف است که در این مدت دوستی، بجای داشتن یک زندگی بسیار شیرین و توام با عشق، اختلاف و عدوا بوجود بیاید!! ولی تکلیف دوستی‌امان چه میشود؟ در کشورهای اروپایی وقتی پسر و دختری با هم دوست می‌شوند، دوستی‌اشان طوری نیست که اگر روزی از هم خواستند جدا شوند آن پسر خودکشی کند و یا دختر با خوردن سم خود را بکشد. از طرف دیگر این فرهنگ بد ما را هم ندارند که به محض اینکه آن پسر تصمیم به ازدواج گرفت، برود و

دختری را بگیرد که کاملاً مطمئن است این دخیت پرده دارد و هنوز باکره است، درحالی که قبل از این کار خود او تعدادی از دختران دیگر را بی پرده کرده و حالا آن بیچاره‌ها را به امان خدا ول کرده است. این حرف من حرف خیلی از دخترانی است که در آن بحث شرکت کردند و حرف خیلی از دختران دیگر هم هست. ولی بیچاره آن دختری که راه حل مشکل خود را فقط دو چیز بداند: خودکشی یا فرار از خانه..

اگر هم از من می‌شنوید به این مسئله کمی فکر کنید و دیگر اینکه در دوستی خودتان علاوه بر عشق، ترکیب عقل و عشق را بکار ببرید تا در آینده دچار مشکل نشوید. من نمی‌گویم عشق را کنار بگذارید بلکه فقط کمی با تدبیر بیندیشید، آن وقت عشق معنا پیدا می‌کند. امیدوارم همه عشق‌ها در میدان زندگی بدرخشند و پیروز میدان را ترک نکنند.

موفق باشید.

فرهاد

۱۶- درد و ناراحتی حین سکس؟

چندین نامه از دختران و زنان دریافت داشته‌ایم که در حین سکس درد زیادی احساس میکنند و علیرغم میل آنها به سکس و هماغوشی، اما تجربه درد مانع اینکار میشود. به همین دلیل تلاش میکنیم در زیر به این مسئله بپردازیم.

در زبان انگلیسی، درد در حین سکس را **Dyspareunia** مینامند. یافتن اصطلاح مناسب فارسی را به افراد وارد در زبان واگذار میکنیم. هیچکسی نباید در حین سکس درد و ناراحتی بکشد، به همین دلیل اولین توصیه به کسانی که که درد را تجربه میکنند، میگوئیم که اول

دست نگه دارید، سکس برای لذت، خوشی و کیف کردن است نه برای درد و رنج و الم. (مسئله سادومازوخیسم و سادیسم از این مسئله جداست.)

خود احساس درد در هنگام سکس، نشانگر این است که یه جای کار می‌لنگد. اما متأسفانه بسیاری گرفتار این مشکل هستند. دخترانی که برای اولین بار عمل دخول آلت پسرانه را در درون خود تجربه میکنند (دختران باکره) ممکن است خود پاره شدن پرده بکارت یا خود عمل دخول و خروج آلت مرد باعث احساس عدم راحتی آنها شود که شدت عدم راحتی یا درد به تجربه پسر(مرد) برمیگردد. برای جلوگیری از این مشکل، بهترین کار صحبت با همدیگر، آماده سازی هم و اعلام این مسئله که این اولین بار من است و تجربه ندارم و عمل دخول را با کمک و هماهنگی هم انجام دهند. در بسیاری از مواقع، شکل و شیوه " فعالیت و تحرک " شریک جنسی شما (مرد یا پسر) باعث این درد در خانمها میشود. مثلاً مثل افراد کس ندیده، تلمبه زدن یا همان عقب-جلو رفتن‌ها را خیلی تند و سریع و بدون توجه به احساس و تحمل شما انجام می‌دهد یا اینکه از یک زاویه نامناسب کیر خود را وارد کس شما کرده است. دلیل دیگر احساس درد، میتواند کمبود ترشحات آلت خود شما باشد. استفاده از یک سری داروها در کم کردن ترشحات واژن تاثیر نقش دارند. از آن گذشته، رسیدن به دوره یائسگی و تغییرات هورمونی ناشی از آن باعث کم شدن ترشحات واژن میشود. صحبت کردن با هم، " تغییر زاویه " دخول، یواش کردن عقب-جلو رفتن‌ها یک راه حل این مشکل است. راه حل دیگر استفاده از کرمهای

مخصوص لزوج کننده که در داروخانه‌ها یافت میشوند، یک راه حل مناسب دیگر است. (هر کدام بسته به نوع مشکل).

در بسیاری از مواقع، خودداری یک جفت از بوسه و معاشقه و ناز و لیسیدن و نوازش و خلاصه عدم آماده‌سازی بدن و تحریک ترشحات باعث خشک ماندن کس و عدم آمادگی آن برای استقبال از کیر طرف میشود، که به احساس درد و ناراحتی زن از سکس منجر میگردد. اگر دلیل ناراحتی و درد این باشد، به شما توصیه میکنیم که شماره‌های مختلف سه کاف را به دقت بخوانید، چون اطلاعات زیادی در اینباره خواهید یافت.

گاهی اوقات با وجود بکارگیری دهان و زبان و دست و.... برای تحریک و آماده‌سازی زن برای انجام عمل دخول، اما بنا به عللی، واژن زن عکس‌العمل مناسب نشان نمی‌دهد (ترشحات لازم را انجام نمی‌دهد). یعنی واژن هنوز خمار است و زهدان هنوز " خواب آلود " باقی مانده، در نتیجه تماس و ضربه‌های یک کیر سفت را بر نمی‌تابد و باعث درد میشود.

برای حل این مشکل، مرد باید قبل از چپاندن کیر، از انگشتان خود استفاده کند و حسابی به تحریک واژن، اطراف و قسمتهای داخلی آن بپردازد. (با این شرط که نوازش و بوسه و تحریک چوچوله و معاشقه‌های قبل از آن و.... که در شماره‌های مختلف به آن اشاره کرده‌ایم را انجام داده باشند). بکارگیری انگشت یا انگشتان برای " تفحص " یک کس و سنجش آمادگی آن برای استقبال از معشوق دلخواه، یک راه خوب و مطبوعی است، چون هم بنوبه خود زن را تحریک میکند و هم خود مرد آمادگی زن را احساس میکند. (محیطی گرم، نرم، خیس و لزج و منبسط)

(بد نیست توی چشای هم نگاه کنید.)

گاهی انقباض شدید ماهیچه‌های کنار دهانه واژن هم باعث احساس درد و ناراحتی میشود. یک راه برای فهم این مسئله این است که خود زن یا دختر، با انگشت (انگشتان) خود را معاینه کند. یعنی با فرو کردن انگشت و لمس دیواره‌های واژن، متوجه میشود که آیا دیواره‌های اطراف حالت عادی دارند یا اینکه بیش از اندازه سفت و سخت و منقبض‌اند.

دلیل سفتی و سختی دیواره‌ها (یا ماهیچه‌های اطراف) معمولاً از اضطراب، نگرانی، ترس، واهمه، فشار روانی به زن، از جمله ناشی از توقعات بیجا یا نامناسب مرد از او در امور سکسی و امثال اینها ناشی میشود، یعنی مشکل یک عامل روانی دارد. تلاش برای انجام عمل هماغوشی در یک فضا و محیط مناسب، بوس و کنار و معاشقه طولانی و آماده سازی درست و حسابی دو طرف برای دخول، صحبت کردن با هم، کنار گذاشتن توقعات بیجا از همدیگر و... در اکثر موارد به حل مشکل منجر میشود، اما هستند زنان انگشت‌شماری که به ناچار بعد از آزمایش همه راههای گفته شده، باید به یک پزشک مراجعه کنند. عامل دیگر احساس درد و ناراحتی حین سکس، عفونت واژن (به دلایل مختلف) میباشد که راه حل آن مراجعه به پزشک است.

استفاده از کرم یا عطر در کس و اطراف آن ممکن است باعث واکنش حساسیتی واژن در تعداد کمی از زنان بشود. این را خود شما باید به تجربه متوجه شوید و عطر و کرم دیگری استفاده کنید یا کلاً اینکار را کنار بگذارید.

و در آخر نباید درد و ناراحتی ناشی از یک عامل مهم روانی را هم از یاد برد. زنان یا دخترانی که مورد تجاوز واقع شده‌اند یا بنا به آموزشها

و اعتقادات و یا فشارهای فرهنگی-اجتماعی-خانوادگی، از انجام عمل سکس احساس گناه و یا حتی آلوده بودن میکنند. بهترین راه برای غلبه بر این مشکل، بالا بردن آگاهی خود در باره مسائل جنسی، تلاش برای کنار گذاشتن اخلاقیات و آموزشهای محدود کننده، اعتماد منطقی متقابل به شریک جنسی خود، صحبت کردن با هم و تبادل تجربیات است (امیدواریم مردان طرف اینگونه زنان لیاقت اعتماد را داشته باشند و سو استفاده نکنند.) چنانچه باز هم نتوانستید این مشکل روانی خود را حل کنید، مشاوره با یک روانشناس یا روانپزشک را به شما توصیه میکنیم.

قسمت سوم سه کاف شماره سی

۱۷- گرایش جنسی صادق هدایت

(به درخواست گردانندگان سه کاف این مطلب بسیار کوتاه و خلاصه شده است)

روانکاوی ادبی آنطور که باید و شاید، هنوز در کشور ما جا نیفتاده است. من روانکاوی ادبی نیستم، اما به مطالعه در این زمینه علاقمندم، و می‌دانم که برای پژوهش و تفحص در جان و روان یک نویسنده، علاوه بر تسلط بر علم روانشناسی و روانپزشکی، آشنایی با سبک‌های مختلف ادبی، آثار نویسندگان و ادبیات جهانی نیز لازم است. همچنین کمی شهامت نیز باید داشت.

بنا به آنچه گفته شد، نوشته‌ی زیر روانکاوی شخصیت صادق هدایت از طریق آثار او نیست، بلکه می‌خواهم از "ظن خود" یار هدایت شوم و برداشت شخصی خودم را با شما قسمت کنم.

نوشته‌ها درباره‌ی هدایت کم نیستند و کتابهای زیادی در تحلیل نوشته‌های او، بخصوص "بوف کور" نگاشته شده‌اند. در اینجا من از همه آنها می‌گذرم و فقط به کتاب "آشنایی با صادق هدایت" نوشته‌ی م. ف. فرزانه، چاپ دوم - نشر مرکز بسنده می‌کنم.

کتاب آقای فرزانه از آنرو اعتبار بیشتری دارد که ایشان آشنایی و دوستی خیلی نزدیک و طولانی با هدایت داشته است و از طریق کتابش، خواننده با نکات تازه و ناگفته‌ای از گوشه‌های زندگی و روحیه هدایت آشنا می‌شود. البته طبق یادداشت ناشر، نسخه‌ی چاپ مرکز با نسخه‌ی اصلی کتاب که اولین بار در پاریس منتشر شده، تفاوت‌هایی دارد اما من امکان دسترسی به آن را ندارم.

آشنایی فرزانه با هدایت

آشنایی فرزانه و هدایت در شرایطی صورت می‌گیرد که هدایت یک نویسنده معروف است و فرزانه یک جوان هفده ساله‌ی محصل دبیرستانی.

فرزانه اولین بار، هدایت را در رستوران "پرنده آبی" در ظلع شرقی میدان فردوسی ملاقات می‌کند. این ملاقات را آقای گوهرین (مولوی شناس، درویش مسلک روشن فکر و آزاد اندیشی که انگلیسی را خوب می‌داند) ترتیب می‌دهد.

هدایت در همان اولین دیدار > ضمن اینکه طرف صحبتش آقای گوهرین بود، اما زیر چشمی نگاه‌های سریعی به قیافه من انداخت. < (ص. ۲۹ کتاب)

بعد از آن، اولین ملاقات هدایت با فرزانه و گوهرین در خانه خود هدایت اتفاق می‌افتد و هدایت کتابهای نویسندگان زیر را به فرزانه جوان معرفی می‌کند:

کافکا، کالدول، اشتین‌بک، سارتر، کامو، ویرجینیا وولف، سامرست موم، جویس.

مدتی بعد وقتی فرزانه برای اولین بار به تنهایی به خانه هدایت میرود، مصدری که در را باز می‌کند، می‌گوید که > صادق خان منزل نیست. حال آنکه

فرزانه هدایت را از پشت پنجره می بیند < (ص. ۳۹)

از نویسندگان فوق، ویرجینیا وولف یک نویسنده لزبین انگلیسی است و کافکا هیچوقت ازدواج نکرد و درباره گرایش جنسی او حدیثهای فراوانی بر زبان است. آشنایی فرزانه و هدایت بیشتر میشود تا جایی که هدایت از فرزانه میخواهد که از خانه اجازه بگیرد که دیر به خانه برود تا بتواند با هدایت به تئاتر برود. حسن قائمیان (در جمع دوستان معروف به ملولی - که همجنسگرا هم هست) و از دوستان صادق هدایت، در موقع آنتراکت تئاتر (سرباز شکلاتی - برناردشاو) هدایت و فرزانه را با هم می بیند این اولین دیدار قائمیان با فرزانه است. در همانجا قائمیان شروع به مدح و تمجید از فرزانه میکند و فرزانه مینویسد: <> من هم شنیده بودم که قائمیان اهل غلامبارگی (همجنس خواه) است < (ص. ۴۳)

در پایان نمایش تئاتر قائمیان دوباره نزد آنها می آید و پیشنهاد میکند که با هم به بار " ماسکوت " بروند ولی هدایت فرزانه را به خانه می فرستد (ص. ۴۳) (و خودش با قائمیان می رود؟؟؟؟)

دوستان و همکلاسیهای فرزانه جوان از روابط فرزانه و اینکه توانسته با یک نویسنده مشهور رفت و آمد داشته باشد، داستانهایی می سازند و میگویند: < هدایت بچه باز است و حالا بند کرده به فرزانه > (ص. ۴۴)

فرزانه بعد از دیلم گرفتن و آشنایی بیشتر با هدایت، بالاخره دل به دریا می زند و از هدایت می پرسد < بعضی از رفقا میگویند که شما با زن ها میانه خوبی ندارید > (ص. ۴۸) و بعد از هدایت میخواهد که که یک قرار ملاقات با دختر

حاج آقا حسین ملک (که خواهرش همکلاسی فرزانه در انستیتوی فرانسه است) بگذارد. (ص. ۴۸) هدایت به سؤال فرزانه جواب مستقیم نمی دهد اما حاضر میشود با دختر حاج آقا حسین ملک ملاقات کند آنهم در یک کافه و نه در خانه خود هدایت. و دلیلش را اینطور توضیح می دهد < مادرم از ترس اینکه مبادا عشق پیری پدرم بجنبید، حتی کلفتیهایی که انتخاب میکند هم باید کور و کچل باشند >. پس مادر هدایت از جنبه روابط پسر خودش (صادق هدایت) با دختران و زنان خیالش امن بوده و میدانسته که " " اهل اینکارها نیست " " و ترسش این بوده که شوهرش (پدر هدایت) به دختره گوشه چشمی بیندازد.

بهر حال کافه نادری بعنوان محل ملاقات تعیین میشود و جالب اینکه در زمان حکومت پادشاهی پهلوی کافه نادری پاتوق غیر علنی همجنس گرایان تهرانی بوده است. (به قول یکی از همجنسگرایان مسن تهرانی که او را میشناسم) بهر رو، فرزانه میخواهد از هدایت جوابی درباره " " میانه صادق هدایت با زنها " " داشته باشد، پس دوباره به او رو میکند و می پرسد < عقیده شما راجع به

هموسکسوالیته چیست و چه فکر میکنید < (ص. ۴۹)
جواب هدایت: > بنده چه فکر میکنم؟ از شکسپیر گرفته تا خواجه.....
همه‌اشان اینکاره بوده‌اند. حیوانات هم اینکاره‌اند، سگ، خر.... طبیعت
اینجوری است. گیرم در این جا معنی همه چیز عوض میشود. این جا طبیعت
هم تغییر ماهیت می‌دهد. مردها برای اینکه جلو سر و همسر مرد حساب بشوند،
خودشان را میزنند به بچه‌بازی. **selection naturelle** غیر از عشق است.
برای مردهای اینجا بندها، مردی حساب میشود.... و اسمش را میگذارند
نظر بازی. آنوقت آنهائیشان که اصولاً، بیولوژی‌کمان این کاره‌اند، جانماز آب
می‌کشند..... زیبایی پسندیدن ربطی به زن و مرد بودن ندارد. آدم قشنگ
قشنگ است، این حساب استتیک است نه..... حیوانی..... خودشان هزار و
یک جور فسق و فجور دارند و جانماز آب می‌کشند، ولی وای به وقتی که
بشنوند نوابغ همه هموسکسواصل بوده‌اند. همه‌اشان میخواهند ادای اسکار
وایلد و ژان کوکتو و (آندره) ژید را در بیاورند..... آدمیزاد همه جور هست.
مثل حیوانات، گیرم واسه‌ی آدم عامی جز آنچه اخلاق یادشان داده چیزی
وجود ندارد. اما اینکه سند نمی‌شود. < (ص. ۵۰-۴۹)

خواننده اینجا باز متوجه میشود که صادق هدایت در آن روزها نویسندگان
همجنس‌گرای عصر خود را خوب می‌شناخته و گرایش جنسی آنها را میدانسته
است. بخصوص که در غرب این نویسندگان از جمله پیشگامان نهضت
آزادیخواهی همجنس‌گرایان بشمار می‌روند. نویسندگانی همچون اسکار وایلد،
آندره ژید و ژان کوکتو.

((حدود دهسال پیش، وقتی تصادفی با یک نویسنده نیمه معروف آشنا
شدم وبعد از مدتی بیشتر خودمانی شدیم، طرف گرایش به همجنس‌خواهی
خود را با هزاران حرف و اشاره بیان میکرد اما از گفتن علنی موضوع پرهیز
داشت تا بعد از چندین ماه آشنایی فرصتی پیش آمد و با هم تنها شدیم،
به طرف اعلام کردم که من با همجنس‌گرایی مخالفتی ندارم و با زبان
بی‌زبانی به طرف حالی کردم که میدانم که همجنس‌گراست، اما این
نویسنده بدون اینکه گرایش جنسی خود را نفی کند، درست همان حرفهای
هدایت به فرزانه در باره هنر استتیک و قشنگی و..... را به خود من میگفت.
و من هم دیگر اصرار نکردم. بگذریم.))

بهر حال فرزانه جوان و کنجکاو از هدایت می‌پرسد > آیا در اینبار کتابی
دارید که بدهید من بخوانم؟ < و هدایت جواب میدهد: > کتاب؟ از
کجایش شروع کنی؟ از فروید؟ از هرشفیلد؟ از ژید؟ از پسیکوپاتیا
سکسوالیس؟ از کجا؟..... < (ص. ۵۰)

هدایت بعداً بلند میشود و چندین کتاب از قفسه درآورده جلو فرزانه

میگذارد. فرزانه سه تا را انتخاب میکند و هدایت میگوید:
>> غیر از Corydon ژید، آن دوتا حرفشان درباره هموسکسوالیته نیست. فقط چشم و گوش آدم را باز میکنند که مسایل آدمیزاد را با اخلاقیات قاطی نکند<(ص. ۵۰)>
و در همانجا رو به فرزانه می گوید:

> بهر حال خاصیت خواندن این کتابها این است که اقلآ از عقاید کلثوم ننه دفاع نکنی، مسائل را روشن تر ببینی یا درست تر بگویم حرفهای احمقانه را کمتر قبول کنی و قدری پی عقل و منطق بروی. <

فرزانه کتابها را میگیرد و با خود میبرد که بخواند. بعد آ وقتی فرزانه کتابها را برمیگرداند و میگوید که کوریدون آندره ژید (موضوع کتاب درباره همجنسگرایی است) را نپسندیده، هدایت جواب میدهد:
> از قرار معلوم زن و بچه ای به هم خواهی زد.....<(ص. ۵۱)>
بعبارتی هدایت به این نتیجه میرسد که فرزانه خالی از هرگونه گرایش به همجنسگرایی است.

هدایت کتاب مسعود فرزند که در لندن نوشته و برای او (هدایت) ارسال شده را به فرزانه میدهد که بخواند. عنوان کتاب: " قضیه نجیبه خاتون " داستان خانمی است که در لندن یک مرد انگلیسی او را بلند میکند ولی وقتی به اتاق خودش می برد، نجیبه خاتون متوجه میشود که آن شخص زن است نه مرد. (یک داستان لزبینی)
اینرا هم اضافه کنم که بگفته خود هدایت، کتاب وغوغ ساهاب را هدایت و فرزانه با هم نوشته اند(ص. ۵۷)

هدایت کتاب " یعقوب و برادارنش " نوشته توماس مان را میخواند و آن را به فرزانه هم میدهد. توماس مان نویسنده معروفی است که نتوانست گرایش همجنسگرایی خودش را قبول کند و ازدواج کرد اما مرگ در ونیز (داستان عشق مردی مسن با پسری جوان) را نوشته و قصه عشق و عاشقی خود توماس مان با پسران جوان زبازند خاص و عام است و در کتابهایش موج میزند.

میدانیم که توماس مان، اسکار وایلد، آندره ژید، پروست، کوکتو و... از نویسندگان معروف، همه از پیشگامان نهضت آزادیخواهی همجنسگرایان اروپا بوده اند. در زمان آنها، همجنسگرایی در اروپا کماکان ممنوع بود و تقبیح شده، چه برسد به ایران خودمان که همجنس خواهی هنوز یک تابوست.

فرزانه بعد از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل به فرانسه میرود و مدت

کوتاهی بعد رفتن فرزانه، هدایت هم راهی فرانسه میشود. دو روز بعد از ورود هدایت به پاریس، فرزانه و هدایت قرار شام میگذارند. برای یافتن محل مناسب برای شام با هم صحبت میکنند و آخرش فرزانه می پرسد < پس کجا برویم؟ > و هدایت جواب می دهد: < یک جایی که اگر هنوز وجود داشته باشد، انگشت به دهان حیران میمانی > (ص. ۱۸۹) از کلمه "هنوز" در جمله هدایت معلوم میشود که او در سالهای قبل که در پاریس بوده، به این محل سر میزده و آن را خوب می شناسد، اما این چگونه محلی است؟ تعریف آن را از زبان فرزانه بشنویم: < دوتا بلیط خریدیم و وارد شدیم. وقتی چشمم به روشنایی ضعیف فضای آنجا عادت کرد، در کمال تعجب متوجه شدم که برخلاف دانسینگهای معمولی مردها فقط با زنها نمی رقصند و بین ایشان جفت هایی دیده میشد که زن با زن و مرد با مرد در حال رقصند..... و بعدش زن سیاهپوستی که وقتی لباسش را در آورد، معلوم شد که مرد است و نه زن. > (ص. ۱۸۹)

میدانیم که برای رستوران رفتن و غذا خوردن، بلیط خریدن لازم نیست و از توصیف فرزانه متوجه میشویم که محل، یک بار متعلق به همجنسگرایان بوده است. این نشان میدهد که هدایت بارهای محل تجمع همجنسگرایان پاریسی را میشناخته و به آنجا رفت و آمد داشته است. محل دیگری که هدایت فرزانه را با خود به آنجا می برد، کافه "مادام آرتور" است. توصیف این را هم از زبان فرزانه بشنویم: < پیشخدمت کافه مادام آرتور خانمی بلند قد و بلند ناخن که وقتی نوشابه ها را روی میز گذاشت، متوجه مژگان مصنوعی و ته ریش مردانه او شدم و بعد کسی که برای سرگرمی مشتریان تصنیف میخواند، مردی بود در لباس زنانه. > (ص. ۲۳۸-۲۳۹)

در همانجا هدایت میگوید: < اینجا جای هر کسی نیست. مثل "مونتانی سنت ژنویو" جای آدمهای وارد است. > و فرزانه مینویسد: < آدمهای وارد؟ "مونتانی سنت ژنویو"؟ در آنجا هیچ آداب و رسوم اخلاقی مراعات نمی شد. آزادی کامل، در حدودی که به آزادی دیگران لطمه نزنند، مبنای محیطش بود. نه تنها مشتریان از هر طبقه و صنفی بودند، از نقاش گرفته تا سمسار و دانشجو، بلکه هنرپیشگان..... در آنجا زن های همجنس باز، مردهای همجنس باز، عشاق در پی محیط هیجان انگیز، عیاشان و مردم معمولی مشتریان را تشکیل میدادند. > (ص. ۲۳۸-۲۳۹)

از یکطرف میدانیم همجنسگرایی در آن دوره، در غرب قانونی نشده بود اما اینجا و آنجا همجنسگرایان تحت پوششهای مختلف، کافه ها و بارهای

خاص خود را برپا میکردند. از طرف دیگر همانطور که در بالا گفته شد نویسندگانی همچون ویرجینیا وولف، اسکار وایلد، پروست، آندره ژید، کوکتو، توماس مان و همه در کتابهای خود به توصیف زیباییهای عشق همجنسگرایانه پرداخته‌اند و امروز همه میدانند که این نویسندگان نه تنها خود همجنسگرا بودند، بلکه قلم و هنر خود را در خدمت تلاش برای خودیابی و خودآگاهی همجنسگرایان بکار گرفتند و نوشته‌های آنان انعکاس اعتراض به ناعدالتیها بر علیه همجنسگرایان است. به همین دلیل در غرب از آنان بعنوان پیشگامان نهضت خودیابی و خودآگاهی همجنسگرایان یاد میشود، هر چند که خود آنها چنین ادعایی نکرده‌اند.

در اینکه چرا تعدادی از انسانهای اجتماع از نظر جنسی به همجنس خود گرایش پیدا میکنند، تئوریهای زیادی مطرح شده‌اند که یکی از آنها در مورد مردان همجنس خواه این است که ممکن است پدر بنا به موقعیت شغلی کمتر در خانه بوده و فرزند پسر در کودکی در تماس وسیع و گسترده با زنان خانواده قرار داشته‌است.

ما در صفحه ۳۶۱ همین کتاب می بینیم که هدایت در کودکی در چنین محیطی رشد کرده است. و فرزانه هم شهادت می دهد که : << گره اصلی زندگی شوم هدایت ناشی از رابطه اش با پدر و مادر و بخصوص با مادرش می بوده است.>> (ص. ۳۲۰)

به اعتقاد من، نوشته‌های هدایت بخصوص در حاجی آقا، سگ و لگرد، زنده بگور، البعثه الاسلامیه و مهمتر از همه در کتاب بوف کور، قبل از هر چیز، فریاد نویسنده همجنسگرای ایرانی در آن شرایط سخت و تاریک محیط فرهنگی خودش است و ناامیدی اش به بهبود آن شرایط در زمان خودش است و نه هیچ چیز دیگر. (منظورم این نیست که هدایت دیگر غم و غصه دیگری نداشته است.)

جلال آل احمد (در مجله علم و زندگی-تهران شماره دیماه ۱۳۳۰) بهترین توصیف را ارائه میدهد: << بوف کور تجسم تمام کینه‌هایی است که یک فرد ناتوان نسبت به تواناها دارد و به این طریق خود را از دیگران بیگانه می‌یابد.>>

در سرتاسر کتابهای هدایت بیزاری از خرافات، تملق، زورگویی، دروغ، خفقان و موج می‌زند. هدایت میگوید: << می‌خواهم سرتاسر زندگی خودم را مانند خوشه انگور در دستم بفشارم و عصاره آن را- نه شرابش را- قطره قطره در گلوی خشک سایه‌ام بچکانم.>> (ص. ۳۱۶)

در صفحه ۳۰۵ کتاب، فرزانه مینویسد: << مرگ در زنده بگور زشت است. حاصل بیماری است، پوچ و مسخره است. گریز از زندگی است.

قهرمان داستان ریشه ناکامی هایش را در خودش میداند، خودش است که نتوانسته با محیط جور بشود.>>

هدایت داستایفسکی را می‌ستاید حداقل به این دلیل که هنر را از دیگران می‌گیرد و مطلب مال خودش است و همچنان روسی می‌ماند (ص. ۷۰) هنر هدایت هم درست همین است. هنر را از کافکا، آندره ژید، کوکتو، وولف، اسکار وایلد و توماس مان می‌گیرد اما مطلب از خودش است و ایرانی می‌ماند و درد و رنج همجنسگرایی خودش رابه شیوه خاص خود به تصویر می‌کشد. جمله معروف هدایت در شروع کتاب بوف کور (در زندگی زخمهایی هست که روح آدم را مثل خوره می‌خورد و آدم نمی‌تواند این دردها را به کسی بگوید...)

و یا: > چه خوب بود اگر میتوانستم افکار خودم را به دیگری بفهمانم، نه یک احساساتی هست، یک چیزهایی هست که نمیشود بدیگری فهماند، نمیشود گفت، آدم را مسخره میکنند> (ص. ۲۷ بوف کور). همه اینها شرح حال همجنسگرایان ایرانی در طول تاریخ کشور ماست. بر زنان و مردان همجنس خواه ایرانی است که پیشگامان خود را کشف کنند، که کم هم نیستند، از عطار و مولوی گرفته تا حافظ، از ابومسلم خراسانی تا هدایت و سیرجانی، از.....تا.....

۱۸- باز هم صحبت شیرین جلق

باوجود آنکه در شماره‌های مختلف به سئوالات زیادی درباره جلق زدن جواب داده‌ایم، اما باز هم بدون استثنا هر روز سئوالاتی در اینباره دریافت میکنیم.

بعلت آموزشهای غلط، نفوذ خرافات، نداشتن امکان دسترسی به آموزشهای درست و امروزی و.....توی کشور ما تا دلتان بخواهد از ضرر و بدیهای جلق زدن شایعه و نقل قول وجود دارد، کتابهایی مانند گناهان کبیره و دیگر تولیدات حوزه‌های مذهبی در اینباره که دیگر جای خود دارند.

جالب اینکه از فوائد جلق زدن حتی یک کلمه هم گفته نمی‌شود اما تا دلتان بخواهد شایعه‌ها در باره مضرات جلق زدن فراوانند. مثلاً میگویند جلق زدن باعث اینها میشود: سیاهی زیر چشم، جوش درآوردن، کمردرد، عقیم شدن، کج شدن کیر پسران، یا آویزان شدن کس دختران، سرد مزاجی، بچه دار نشدن، لذت نبردن از سکس با شریک جنسی، یا باعث پاره شدن برده بکارت، یا پیری زود رس یا کوتاه قد ماندن، ریزش مو، لاغری و دهها شایعه دیگر.

یکبار برای همیشه به همهٔ دوستانی که این چیزها را می‌شنوند، می‌گوئیم که دوستان همهٔ این خرافات را از گوش خود بیرون کنید. فرق جلق با سکس با یک نفر بطور خلاصه این است که در سکس شما در هماهنگی با یک نفر دیگر تحریک می‌شوید و به انزال (یا ارگاسم) می‌رسید، اما در جلق زدن شما به تنهایی به انزال یا ارگاسم می‌رسید. همین.

خیلی‌ها هم می‌پرسند که چند بار جلق زدن معقول و عادی است. این به نیاز هر فرد و اینکه چقدر طرف حشری باشد بستگی دارد و نمی‌توان یک نسخه برای همه پیچید. یک مسئله دیگر اینکه برای خیلی‌ها جلق زدن تقریباً به یک عادت تبدیل می‌شود و بدون در نظر گرفتن نیروی بدنی خود و ترشحات غدد جنسی، پشت سر هم جلق می‌زنند. این دوستان هرطور می‌خواهند عمل کنند اما فقط به یک مسئله توجه نمایند و آن اینکه زیاده روی در هر کاری درست نیست. حتی بیش از توان بدن ورزش کردن هم ضرر دارد.

جلق زدن بیشتر در بین جوانان (چه دختر و چه پسر) معمول است. اکثریت مطلق جوانان جلق را در طول دورهٔ جوانی خود تجربه می‌کنند. صد البته تعداد زیادی از افراد غیر جوان و زنان و مردان ازدواج کرده هم در همان حال که شریک جنسی دارند، باز جلق می‌زنند، یعنی پدر و مادرها هم گاهی جلق می‌زنند.

جلق زدن در حد معقول و متناسب با نیاز فردی، نه تنها ضرر ندارد بلکه خیلی هم مفید است و به آرامش شما و راحتی فکر و خیال منجر می‌شود. یکی دیگر از فوائد جلق این است که طرف می‌تواند وحشی‌ترین، خصوصی‌ترین و مگوترین راز، نیاز و سوژه جنسی خود را در ذهن خود مجسم کند و با جلق زدن، نیازها و تنشهای روحی و جسمی خود را سیراب کند. میدانیم که در عالم واقع وقتی با کسی سکس داریم، خواه ناخواه یکسری محدودیت و معذورات پیش می‌آید و نمی‌توانیم هر سوژه‌ای را که بخواهیم مجسم کنیم یا برزبان آوریم، اما در تنهایی جلق زدن دیگر چنین محدودیتی نداریم. در جلق زدن قوهٔ تخیل و مغز ما بکار می‌افتد، آلت تناسلی ما تحریک می‌شود، هورمونهایی در بدن ترشح می‌شوند، و در پسران (مردان) به خروج منی از طریق کیرمنجر می‌شود. همینطور مثل دیگر فعالیت‌های بدنی، ضربان قلب تند می‌شود، فشار خون بالا می‌رود و جریان خون به آلت تناسلی بیشتر می‌شود. همهٔ اینها در هنگام داشتن سکس با یک شریک جنسی هم اتفاق می‌افتد. خیلی‌ها از روش‌های جلق زدن پرسیده‌اند. این دیگر سؤال مشکلی است. هر کسی یک روشی برای خودش دارد ولی نهایت کار این که آلت تناسلی تحریک و بعد از مدتی به انزال یا ارگاسم منتهی می‌شود.

درباره افراد و یا کتابهایی که جلق زدن را گناه میدانند یک جمله بگوئیم و بگذریم: تمام ادیان چه یهودیت، چه مسیحیت و چه اسلام جلق زدن را گناه و شرک میدانند، در غرب بخصوص مذهب یون متعصب مسیحی صدها پایگاه اینترنتی دارند که در آنها در مضر بودن جلق زدن مطلب مینویسند و گاهی حتی پزشکان متعصب مذهبی هم آنها را تأیید میکنند. اما بهتر است که شما ساتیهای علمی و بی طرف را مبنا قرار دهید.

و حرف ما این است که نباید بر اساس تعالیم قرنهای گذشته بار گناه بر دوش مردم و بخصوص جوانان گذاشت. جوان امروزی باید این مسائل را از زاویه علمی، امروزی و نیاز فردی خودش نگاه کند نه از دید تعالیم کهنه و ترس از خدا یا آخوند.

۱۹-سه کافی های یزد

ما یک گروه حدوداً ۲۰ نفره در شهر یزد هستیم، رده سنی گروه ما ۱۵-۲۵ سال می باشد و امیدواریم تعداد اعضا گروه خود را گسترش دهیم.

ما تمامی مطالب سایت شما را خوانده ایم و آن را درک کرده و پذیرفته ایم. پس تصمیم گرفتیم که هر کدام یک سه کافی باشیم و طی یک جلسه خصوصی تصمیم گرفتیم که اولین گروه سه کافی را در شهر یزد تشکیل دهیم و به آگاهی دادن به مردم و پیشبرد فرهنگ سه کافی کمک کنیم.

میدانید که شهر یزد یکی از باحالتترین شهرهای ایران است و نام قبلی آن ایساتیس بوده ولی بعداً به یزد به معنی یزدان و آفریدگار معروف شده.

مطلب جالب دیگره اینکه در تمام ایران و در میان همه ایرانی ها یزد به یک شهر مذهبی و آخوندی معروف شده. آخه آخوندها به یزد میگویند شهر دارالعباده. ولی جوونای یزدی اسم آن را میگذارند شهر دارالفساده!! چرا؟ برای اینکه همه جوونای یزدی فعالیت های سکسی خود را پشت پرده انجام می دهند. یعنی اکثریت جوونای یزدی مطالب سه کاف را قبول دارند ولی اعلام نمی کنند به این دلیل که می ترسند لو بروند.

هدف ما از تشکیل گروه سه کافی در یزد اینه که سه کافی ها بیشتر با هم آشنا شوند و ما امیدواریم که در شهرهای دیگر هم جوانان، گروه های سه کافی را در شهر خود ایجاد کنند.

ما بعنوان اولین فعالیت خود تصمیم گرفتیم از یک هنرستان در شهر یزد نظر خواهی کنیم تا ببینیم که جوانان در چه سطحی هستند و بعد با توجه به آن فعالیت خود را انجام دهیم.

نظر خواهی درباره سه کاف

هنرستان پسرانه فرخی در خیابان مهدی است. معاونین آن و مدیر آن

حزب‌اللهی و از آن آدم‌های افراطی هستند.... این هنرستان رشته‌های کامپیوتر و حسابداری دارد. این هنرستان ۳۵۰ دانش‌آموز دارد که تعداد ۲۲۰ نفر آنها از اینترنت استفاده می‌کنند، از این ۲۲۰ نفر، ۲۰۰ نفر آنها از سایت سه‌کاف دیدن میکنند و آن را میخوانند. البته به تعداد زیادی هم که فقط ای‌میل دارند، سه‌کاف بصورت پی‌دی‌اف ارسال میشود. ولی نظرخواهی ما روی همین ۲۰۰ نفر انجام شد.

از این ۲۰۰ دانش‌آموز ۱۵ نفر از پاسخ دادن خودداری کردند. ۲۵ نفر سه‌کاف را یک سایت سکسی میدانند، ۱۵ نفر میگفتند که سه‌کاف حرفهای خاصی میزند و از اوضاع اینجا خبر ندارد. ۱۵۰ نفر میگفتند که سه‌کاف سایت کاملی است و همیشه آن را دنبال می‌کنند، مطالب آن را با دقت میخوانند و در زندگی روزمره خود اجرا میکنند. جالب اینکه از این ۱۵۰ نفر، ۱۳۷ نفر آنها اعلام کردند که تمام مطالب سه‌کاف را هم روی کامپیوتر خود ذخیره کرده و ۴۶ نفر آنها تا بحال به سه‌کاف ای-میل زده‌اند.

از این ۲۰۰ نفر سؤال شد که آیا دوست دختر داشته یا دارند و فقط ۱۹ نفر آنها جواب مثبت دادند و بقیه ۱۹۰ نفر دوست دختر ندارند و از اینجا به بحرانهای جوانان چه عاطفی و چه جنسی پی‌می‌بریم. جالبتر اینکه از آن ده نفری که گفتند دوست دختر داشته یا دارند، ۶ نفر آنها دوست دخترشان همه از اقوام آنها بوده‌اند و سه نفر توسط آشنایان خود دوست دختر پیدا کرده‌اند و فقط یک نفر توانسته با اعتماد به نفس و قدرت و تلاش برای خود دوست دختر پیدا کرده است.

یک سؤال دیگر از این ۲۰۰ نفر این بود که آیا تا بحال در مر خود با دختری سکس داشته‌اند یا نه. که ۲۲ نفر جواب سؤال را ندادند، ۱۷۴ نفر گفتند که تا بحال تو عمر خود با دختری سکس نداشته‌اند. از چهار نفری که تجربه سکس داشتند، ۲ نفر آنها با دختری در فامیل خود سکس جزئی داشته و دو نفر آخر با پرداخت مبلغی زیاد با دختران خودفروش سکس داشته‌اند. در پاسخ این سؤال که آیا جلق میزنید یا نه، همگی جواب مثبت دادند که وقتی کسی را پیدا نکنند، خوب به جلق متوسل میشوند.

بعد از آن، بچه‌ها به ارائه نظرات شخصی خود درباره سه‌کاف پرداختند که عمده نظرات این بود که خیلی‌ها هنوز مشکل کم‌رویی و پیدا کردن دوست دختر، و اینکه خیلی از دختران جواب منفی میدهند یا اینکه سه‌کاف باید بیشتر دربارح مشکل کم‌رویی صحبت کند و.... نظر دادند، یک عده هم میگفتند که تا نظام آموزشی ما درست نشود ما پیشرفت نمی‌کنیم و چندتایی

هم میگفتند در جامعه اسلامی و آخوندی نمی توان آزادی جنسی داشته باشیم، پس خوب است که سه کاف بیشتر در مورد سیاست حرفهای بیشتری بزنند.

فعالیت‌های بعدی گروه ما

در نظر داریم فعالیت‌های خود را در زمینه‌های چاپ و پخش مطالب سه کاف در یزد گسترش دهیم البته در خفای کامل. و شامل دو بخش مطالب سکسی و سیاسی میشود. ما از پسر و دخترهای یزدی میخواهیم که به ما کمک کنند. ما قصد داریم که یک گروه کامل برای سکافیان یزد بزنیم.

یک کلمه حرف حساب با دختران یزدی

ما پسرهای یزدی با تمام وجود از شما میخواهیم با شما دختران همشهری خود دوست بشویم و اشتباه نکنید که ما برای شما میخواهیم مزاحمت ایجاد کنیم و فقط برای سکس با شما رابطه میگیریم. البته شما حق دارید چون بعضی پسرها واقعاً مزاحمت ایجاد میکنند ولی... ولی همیشه اینجوری نیست. اینو هم بدونید که همه مثل هم نیستن و بهتر است که شما اول طرف خودتان را بشناسید و بعد قضاوت کنید.

پیشناد ما اینه که اگر شما دخترها دیدید که پسری دنبال شما راه افتاد و به شما نگاه میکنه، بهترین کار اینه که در موقعیت خلوت و مناسب و با اعتماد به نفس بایستید و با یه لبخند "بفرمائید آقا" یا جملاتی مثل آن که ترس طرف از حرف زدن با شما بریزه و راحت حرف و نظرش رو بگه.

۲۰- سؤال و جواب مسائل جنسی

سؤال ۱- مردی هستم ۴۳ ساله که هنگام سکس، احساس میکنم کیرم خسته میشود و هرکاری کنم، دیگه راست نمی شه که بار دوم سکس داشته باشم. البته در سنین پائین هم همین مشکل را داشتم. چکار کنم؟

جواب: قوه جنسی افراد در تمام سنین متفاوت است. خیلی‌ها مثل شما در هر موقع بیشتر از یکبار نمی توانند سکس داشته باشند. همانطور که میدانید این به ترشحات هورمونهای مردانه، تستسترون، بستگی دارد. مسئله دیگر اینکه تحولات شیمیایی در بدن که باعث بلند شدن آلت مردانه میشوند، ممکن است کار نکنند یا اینکه رگهایی که در آلت مرد هستند، بشکلی صدمه دیده و در نتیجه جریان خون به آلت دچار اختلال شود. با اینهمه میتوانید با یک پزشک متخصص کلیه و مجاری ادراد (ارولوژ) مشورت نمایید، تا در صورت لزوم برای شما داروی کمکی تجویز شود.

سؤال ۲- تا ۲۷ سالگی معنی سکس و ارگاسم را نمی دانستم. حالا دور و بر ۳۰ سال سن دارم، به اصرار خانواده با مردی ازدواج کرده ام که ازش خوشم نمی آید و نمی خواهم تا وقتی زن او هستم، با کسی سکس داشته باشم، شما چه راه حلی برای من دارید؟

جواب: سؤال مشکلی است نه به این دلیل که راه حل دادن سخت است بلکه به این علت که هر کسی برای هر راه حل و تصمیمی که میگیرد باید بتواند مسئولیت و عواقب آن را هم قبول کند. به همین دلیل ما نمی توانیم راه حل بدهیم چرا که نمی توانیم و نمی خواهیم برای زندگی شما تصمیم بگیریم. اضافه کنیم که اگر به دقت به صدای درون خودتان گوش کنید حتما جوابی خواهید شنید. ما فقط امیدواریم همه برای ایجاد شرایطی در کشور بکوشیم که در آن زن و مرد آگاهانه و با انتخاب شخصی خود شریک زندگی انتخاب کنند.

سؤال ۳- زنی هستم ۲۴ ساله و شوهردار اما مشکل من این است که من عاشق دختر از جنس خودم هستم ولی به هم نرسیدیم و من نمی توانم فراموشش کنم. از سکس باشوهرم هم اصلاً لذت نمی برم و تازه با دختر دیگری هم رابطه دارم اما نمی توانم عشق به دختر قبلی را فراموش کنم. لطفاً بگوئید آیا من همجنسگرا هستم؟ چکار باید بکنم؟

جواب: ببینید بطور رسمی همجنسگرا به کسی که احساس عاطفی، روانی و جنسی خود به همجنس خودش را قبول میکند و آن را بعنوان هویت جنسی خود می پذیرد، میگویند. در کشور ما نه امکان و نه راه شناخت و نه راه انتخاب وجود دارد. از این که بگذریم، بله، آنطور که گفته اید شما یک زن همجنسگرا (لزبین) هستید و متأسفانه تعداد زنان لزبینی که در نتیجه فشارهای فرهنگی-اجتماعی تن به ازدواج با مرد می دهند، کم نیستند، اما صد البته نمی توان انتظار داشت که زنانی همچون شما از سکس با یک مرد لذت ببرند. این را دگرجنسگرایی اجباری میگویند و امیدواریم شرایطی فراهم شود که این اجبار از زندگی ما ایرانیان رخت بریندد. برای اینکار اراده، تلاش و تشکل زنان لزبین یک شرط اساسی است. در مورد علاقه شما به دوست دختر قبلی اتان، به سؤال و جوابها در شماره قبل مراجعه کنید.

سؤال ۴- ممکنه بگید که کیر پسرها تا چه سالی رشد میکند؟

جواب: کیر معمولاً تا ۱۹-۱۸ سالگی رشد میکند. در پاسخ دوستان

زیادی که مرتب از اندازه کیر می‌پرسند، یکبار برای همیشه خیالشان را راحت کنیم که اندازه تقریبی کیر در سنین مختلف بقرار زیر است:
۱۱ سالگی (۹-۱۱ سانتیمتر)، ۱۲ سالگی (۱۲-۱۳ سانتیمتر)
۱۳ سالگی (۱۳.۵-۱۴ سانتیمتر)، ۱۴ سالگی (۱۴-۱۶ سانتیمتر)
۱۵ سالگی (۱۵-۱۶ سانتیمتر)، ۱۶ به بالا (۱۶-۱۵.۵ سانتیمتر)
این اندازه‌ها البته در حالت شق بودن کیر است، نه در حالت خوابیده.
اندازه متوسط کیر مردان هم ۱۶-۱۵ سانتیمتر است اما کیره‌های ۲۰-۱۸ سانتیمتر هم کم نیستند. مطلب باز هم صحبت شیرین کیر در شماره‌های قبل را هم بخوانید. و یادتان باشد که اندازه کیر مردان و حالات و شکل آنها بسیار متفاوت است و اندازه کیر در لذت جنسی یا بچه‌دار شدن تعیین کننده نیست. و دیگر آنکه آنقدر که پسرها و مردها به اندازه کیر خود بها می‌دهند، زنان و دختران کمتر به این مسئله حساس هستند.

سؤال ۵- مردی هستم سی ساله که به زن گرایش ندارم و از پسران ۱۹-۱۳ ساله خوشم می‌آید. به من بگید چکار کنم؟

جواب: خوب، مسلم است که شما همجنسگرا هستید اما نزدیکی جنسی با پسران ۱۳ ساله را پیشنهاد نمی‌کنیم چون اینکار بچه‌بازی حساب میشود. میتوانید با سایتهای همجنسگرایان که در قسمتهای (معرفی سایتها) در هر شماره چاپ کرده‌ایم، مراجعه کنید.

سؤال ۶- من قبلاً مذهبی بودم و بخاطر اینکه خلق نزنم (که مرتکب گناه نشوم) هر روز کافور استفاده میکردم. آیا ممکنه که اینکارها به غده‌های جنسی من ضرر زده باشن؟ میترسم زودتر از بقیه دچار بی میلی جنسی شوم.
جواب: نه، نگران نباشید. البته شما مدت مصرف کافور را ذکر نکرده‌اید. اما به احتمال بسیار زیاد برای شما مشکلی ایجاد نمی‌شود، چون غدد جنسی شما دوباره کارکرد خود را از سر میگیرند.

سؤال ۷- آیا ماهیچه‌های کون دختر و پسرها با هم فرق دارند؟
جواب: نه هیچ تفاوتی ندارند. اما باسن زنان باتوجه به ساختمان جنسی زنانه و مسئله بارداری، کمی متفاوت است.

سؤال ۸- موقع نزدیکی با زنم، بعد از ارگاسم، برای جلوگیری از آبستنی آیم را بیرون میریزم، آیا اینکار در درازمدت برای زنم ضرر دارد؟،
جواب: نه، هیچ ضرری ندارد، عده‌ای حتی میگویند که این باعث جلوگیری از سرطان دهانه رحم هم میشود. درباره فواید آب منی برای

واژن زن به سئوالات شماره قبل مراجعه کنید.

سئوال ۹- پسری هستم که در سکس با دخترها خیلی فعال هستم اما در سکس با پسرها خیلی مفعول، اما از مفعول بون خودم خجالت می کشم و میخواهم ترک کنم. به من کمک کنید.

جواب: اگر شما از نظر سکسی و جنسی و عاطفی به هر دو جنس زن و مرد گرایش دارید، به این معناست که شما بای سکشوال هستید. همانطور که هیچ کسی نمی تواند برای گرایش جنسی خودش تصمیم بگیرد، همانطور هم هیچکسی توان تغییر آن را ندارد. در شماره های سه کاف مطالبی در این باره هست که بخوانید. اما اگر کسی از گرایش جنسی خود احساس راحتی نمی کند، بیشتر ناشی از تعلیمات اجتماعی-فرهنگی است و اگر شما توان پذیرش این احساس خود را ندارید، خوب، سعی کنید با کمک اراده دور آن را خط بکشید اما، عمل نکردن بمعنای از بین رفتن این احساس شما نخواهد بود. مفعول بودن مرد در سکس با مرد دیگر نه عیب است و نه زشت. اما زشت بودن آن در فرهنگ ما ناشی از باورهای غلط ما در رابطه با زنان است که چون "مفعول" هستند، پس از مرد کمترند و... از این چرندیاتی که خود میدانید. به همین دلیل هم هست که شما علیرغم لذتی که از مفعول بودن خود می برید اما از نظر ذهنی نمی توانید آن را قبول کنید. به همین دلیل اگر قرار است چیزی عوض شود، همان فرهنگ جنسی حاکم در جامعه و ذهن ما ایرانیان است و بس.

سئوال ۱۰- سینه های من افتاده هستند و به همین دلیل خجالت میکشم سکس بکنم چون ممکنه که از سینه های افتاده ام خوششان نیاید. اینکه آیا همه دختر این مشکل را دارند؟؟؟

جواب: این مشکلی نیست، خیلی ها اینجوری هستند. قبلاً هم اشاره کرده ایم که افتادگی سینه (پستانها) در همه زنان اتفاق می افتد. البته امروزه این را با جراحی پلاستیک حل میکنند. یک روش دیگر رفتن به باشگاه و ورزش کردن است. معمولاً در باشگاهها، حرکات و تمرینات خاصی را برای سینه ها خانمها آموزش میدهند.

سئوال ۱۱- آیا بازی کردن با چوچوله و یا جلق زدن پسرها باعث جوش صورت میشود؟

جواب: اصلاً اینطور نیست. حتی بعضی پرسیده اند که جلق زدن ممکن است باعث شود که در آینده بچه دار نشوند، این هم درست

نیست. بهتر است شما خرافات را کنار بگذارید و اصلاح فرهنگی را در بین مردم گسترش دهید.

سؤال ۱۲- دختری ۱۸ ساله، دهانه واژن من خیلی تنگ است طوری که دو انگشت هم بزور وارد میشوند. آیا این طبیعی است؟ دوست پسر هم دارم ولی هنوز باکره هستم. آیا بعد از پاره شدن پرده و انجام سکس، گشادتر میشود؟

جواب: این مسئله کاملاً طبیعی است و بعد از رابطه جنسی کامل برطرف میشود.

سؤال ۱۳- میخواستم بدانم که آیا با وجود خوردن قرصهای روز بعد باز هم احتمال حاملگی وجود دارد؟ و اینکه این قرصها را در چه فاصله زمانه باید مصرف کرد؟

جواب: اگر تا ۷۲ ساعت پس از نزدیکی ۲ قرص HD مصرف شود و بعد از آن ۲ قرص دیگر در ۱۲ ساعت بعد مصرف کنید، احتمال بارداری به صفر میرسد.

سؤال ۱۴- اگر زن و شوهر در شب عقد با همدیگر رابطه جنسی برقرار کنند، صیغه عقد باطل میشود؟

جواب: بارها گفته‌ایم که ما نه مرجع تقلید هستیم و نه به مرجع تقلید اعتقاد داریم. اگر نظر ما را بخواهید، رابطه مشترک دو انسان باید بر اساس همان تعهدی باشد که دو نفر با هم می‌بندند و با توجه به یکسری قوانین خانواده، طلاق و..... باید این رابطه در یک دفتر رسمی و غیر مذهبی ثبت شود نه اینکه فکر کنیم با خواندن یکسری ورد توسط یک آخوند رابطه ما رسمی میشود. تو همین رابطه باطل شدن یا نشدن صیغه عقد (قرارداد دونفره) به خود آنها مربوط میشود. سکس داشتن هم ربطی به هیچکدام ندارد. هر وقت شما دونفر خواستید و میلتان کشید با هم رابطه جنسی برقرار کنید و این کهنگی‌ها را از سر خود بیرون بریزید.

سؤال ۱۵- شوهر من خیلی دیر آتش می‌آید و من چندین بار ارگاسم میشوم اما او آتش نمی‌آید.. چکار کنم که آتش زودتر بیاید؟

جواب: این مسئله روانی است، بهتر است با یک پزشک متخصص اعصاب و روان مشورت نمائید. اما قبل از آن، شاید بد نباشد که بیشتر به هم اعتماد کرده و نزدیکتر شوید طوری که هر کدام بتواند مسائل

خود را آنطور که احساس میکند برای دیگری بیان نماید بدون آنکه ترس از محکوم شدن یا داشته باشد. مطلب مربوط به فانتزی در سه کاف را هم بخوانید.

سؤال ۱۶- آیا با سونوگرافی معلوم میشه که من باکره نیستم؟

جواب: خیر مشخص نمی‌شود.

سؤال ۱۷- دکتر به دوست دختر من گفته که پرده‌اش حلقوی نیست

اما طوری هست که با سکس معمولی پاره نمی‌شه و باید قبل از سکس حتماً عمل کند. ممکنه تو این زمینه کمی توضیح بدین؟

جواب: بعضی از پرده‌های بکارت بافت محکمی دارند، این گونه پرده‌ها با آمیزش طبیعی پاره نمیشوند و حتماً نیاز به ژراحی دارند. عمل جراحی هم بسیار ساده است و نیازی به نگرانی نیست.

سؤال ۱۸- آیا استفاده از قرص ویاکرا برای افراد زیر ۳۰ سال ضرر دارد؟

جواب: قرص‌های ویاکرا را برای کسانی که احساس جنسی دارند

اما بنا به علل مختلف آلت آنها راست نمی‌شود، تجویز میکنند، آنهم به شرطی که طرف ناراحتی قلبی نداشته باشد. تو این وسط جوانانی هم هستند که هیچ مشکل جنسی ندارند و فقط برای افزایش هیجان‌ات سکسی این قرص‌ها را به قیمت بالا از بازار سیاه خریداری میکنند که به خودشان مربوط میشود، اما چون استفاده از این قرص زیر نظر یک پزشک صورت نمی‌گیرد، ممکن است طرف ناراحتی قلبی داشته باشد ولی از آن خبر ندارد و در آنصورت احتمال خطر هست.

سؤال ۱۹- آیا زنها که تو سکس داد و جیغ میزنن، بخاطر لذت است یا اینکه درد میکشن؟ چرا مردها داد نمی‌زنن؟

جواب: به خاطر درد نیست، بلکه آه و فریاد ناشی از لذت است بخصوص

هنگام رسیدن به ارگاسم. مردانی هم هستند که موقع تلمبه زدن، بخصوص هنگام انزال فریاد می‌زنند. اما نه زنها و نه مردها همه یک جور نیستند. این را هم بگوئیم که بعضی‌ها از اینکه طرفشان آه و ناله و فریاد میکند، خیلی حشری میشوند.

سؤال ۲۰- یکبار واریکسول داشتم و عمل کردم اما هنوز نگرانم. ممکنه

بگید چه چیزی باعث واریکسول میشود و حالا بعد از عمل چه احتیاطی باید بکنم که دوباره نگیرم؟

جواب: هنوز علت واریکسول بطور کامل مشخص نشده، اما بعضی از پزشکان معتقدند در سنین بالا به علت نوعی غده مسدود کننده سیاهرگهای کلیوی می باشد و بعضی ها هم بر این نظرند که در ارتباط با واریس پا میباشد. بعد از عمل احتیاط زیادی لازم نیست، زیرا احتمال برگشت بیماری کم است.

سؤال ۲۱- من در شهر قم زندگی میکنم، چطور میتوانم دوست دختر پیدا کنم؟

جواب: تعداد زیادی از دوستان همین سؤال را از ما کرده اند یا حتی از ما خواسته اند که مثلاً در فلان شهر محل زندگی اشان، دختری / پسری را به آنها معرفی کنیم و... ما بارها گفته ایم که سه کاف صرفاً یک مجله اروتیکی-آموزشی است و نه هیچ چیز دیگر. در مورد چگونگی غلبه بر خجالت و شرم و ایجاد یک رابطه برابر و بر اساس احترام متقابل مطالب زیادی در سه کاف هست که امیدواریم بدرود همه دوستان بخورد.

سؤال ۲۲- دوست دخترم همیشه بعد از سکس از درد پهلوی و کلیه می نالد، آیا این ربطی به سکس از راه کون دارد؟ توی سکس هم خیلی مراقب او هستم.

جواب: اگر زنی هنگام سکس، حساسی حشری شود و به ارگاسم نرسد، با توجه به افزایش جریان خون در قسمت های پائین بدن، ممکن است احساس نامطبوع متمایل به درد داشته باشد که بعد از مدتی رفع میشود. این احساس در بعضی زنان در هر حالت سکس چه از جلو و چه از عقب (که به ارگاسم زن منتهی نشود)، بوجود می آید، اما اگر دردی که میگوئید شدید است، حتماً با یک پزشک زنان مشورت کنید.

سؤال ۲۳- دوست پسر من میگه که این اواخر وقتی آبش می آید، تا چند ثانیه گوشش سنگین میشه؟ چرا اینطوری میشه راه حل چیه؟

جواب: هیچ دلیل مشخصی بدون معاینه نمیتوان ذکر کرد. دوست شما باید با یک متخصص گوش و حلق و بینی مشورت کند، چون ممکن است مشکل در بینی یا حلق ایشان باشد (مثل پولیپ و...)

سؤال ۲۴- اینکه یه زن میگه هورمونهای مردانگی من زیاده، یعنی چه؟ همیشه گفت یعنی میل به همجنس؟

جواب: تقریباً همان میل به همجنس است ولی در همه افراد این مسئله

صدق نمی‌کند، چون بعضی از زنها هورمون مردانه زیاد دارند اما میل به همجنس هم ندارند.

سؤال ۲۵- Baby check تا چند وقت بعد از ابتدای بارداری قابل استفاده است بارداری کاذب که می‌گن یعنی چه؟ آیا تحریک جنسی شدن بدون انجام عمل سکس باعث بارداری کاذب میشود؟

جواب: Baby Check هورمون‌هایی را که در هنگام آبستنی در بدن زن ترشح میشوند، نشان میدهد و در تمام طول بارداری از همان هفته اول، آبستنی را نشان میدهند اما وسیله مطمئنی نیستند و بهترین روش برای اطمینان از بارداری همان آزمایش خون است.

بارداری کاذب وقتی است که بدن فکر میکند بارداری وجود دارد و خود را برای پرورش جنین آماده میکند، یعنی شخص تمام حالات آبستنی را پیدا میکند ولی باردار نیست که این حالت بخاطر بهم ریختن تعادل هورمون‌های بدن است و یک بیماری محسوب میشود.

با تحریک جنسی صرف و بدون انجام عمل سکس بارداری ممکن نیست. البته به لقاح مصنوعی کار نداریم چون یک مسئله دیگری است.

سؤال ۲۶- من خیلی دلم میخواهد که پسر میشدم تا بیشتر لذت ببرم، چکار کنم

جواب: چه کسی به شما گفته که پسرها بیشتر از دختران لذت می‌برند؟ اینرا میدانیم که در جامعه مردسالار ما، خوب مردان بیشتر از زنان آزادی دارند (هرچند این هم خیلی محدود است) اما باید برای تغییر این شرایط تلاش کرد نه اینکه همه بروند تغییر جنسیت دهند.

سؤال ۲۷- مدتی است که کنار بیضه‌هایم، آن قسمتی که به پاهایم تماس دارد، سوزش دارند، چکار کنم؟

جواب: ممکن است به خاطر سائیدگی باشد و یا قارچ. در هر صورت با یک پزشک مشورت کنید.

سؤال ۲۸- جوانی هستم ۱۹ ساله و پنج سال است که جلق میزنم، از یکماه و نیم پیش پشت پستان چپم ورم کرده و مثل اینکه یک فندق گذاشتن پشت پستانم. خیلی می‌ترسم. به من راه حل بدین.

جواب: به شما توصیه می‌شود که به یک متخصص جراحی عمومی مراجعه کنید تا پستانهای شما را معاینه کند.

سؤال ۲۹- آیا سرپا شاشیدن مشکلی ایجاد میکند؟

جواب: در بعضی از کتب گفته شده که باعث سرطان پروستات میشود ولی این امر ثابت نشده است. گاهی سرپا شاشیدن ممکن است باعث شود که مثانه شما کاملاً تخلیه نشود که به نوبهٔ کود، امکان دارد بعد از آن زودتر از معمول احساس ادرار داشتن بکنید.

سؤال ۳۰- دلم می‌خواهد که کس‌ام بوی خوب بدهد، دکتر گفته باشامپو نشورم. بعد از حمام رفتن بوی خوب میدهد ولی بعدش دوباره بدبو میشه. چکار کنم؟

جواب: احتمالاً شما دچار عفونت دستگاه تناسلی هستید، پس مشورت با یک پزشک را به شما پیشنهاد میکنیم.

سؤال ۳۱- آیا شهرهایی در جهان وجود دارند که مردم در آنها کاملاً لخت زندگی میکنند اگر هستند، لطفاً معرفی کنید.

جواب: تا آنجا که ما اطلاع داریم، شهر نودیست کامل در جهان وجود ندارد اما در اروپا، آمریکا و بعضی کشورهای دیگر، تقریباً در هر شهری گروههای ناتوریست وجود دارند. سالها قبل هم گویا افرادی قصد داشتند جزیره‌ای را خریده و به یک شهر تماماً ناتوریست تبدیل کنند که گویا موفق نشدند. برای اطلاع بیشتر به مطلب مربوط به ناتوریسم در شماره‌های قبل سه کاف مراجعه کنید.

سؤال ۳۲- لطفاً علائم حاملگی در همان ماههای اول را بگین.

جواب: علائم آن اینها هستند: حالت تهوع، افزایش وزن بدن، قطع شدن خونریزی قاعدگی و... این علائم تا هفته ششم بارداری قابل اعتماد نیستند و حتماً باید با سایر آزمایشها تأیید شوند.

سؤال ۳۳- اگر دوست پسرم ادرار خودش را در من بریزد، آیا امکان حاملگی پیش نخواهد آمد؟

جواب: اگر در ادرار اسپرم نباشد (البته گاهی مقدار کمی اسپرم در ادرار وجود دارد)، حاملگی پیش نخواهد آمد. میتوانید برای اطلاع بیشتر مقاله بارداری ناخواسته در دو شماره قبل را مطالعه وجود دارد؟

سؤال ۳۴ - آیا فقط دفعه اول که پرده پاره میشود از دختران خون می آید یا هر وقت سکس بکنند؟

جواب: نه، فقط در همان سکس اول از جلو که پرده پاره میشود، خون می آید، البته مکن است تا چند روز بعد هم کمی خون بیاید ولی همیشه نیست.

سؤال ۳۵ - Epididymite چی هست؟ دلایل آن؟ آیا سرطان میآورد؟ باعث عقیم شدن میشود؟

جواب: احتمالاً منظور Epididymitis شما میباشد. این بیماری یعنی آماس و التهاب (عفونت) مجرای اپیدیدیم. این بیماری بسیار نادر است، اگر طولانی مدت باشد و درمان نشود، به اورکیت (Prchitis) یا التهاب بیضه منجر میشود. اگر یکطرفه باشد مشکل چندانی ندارد ولی اگر دو طرفه باشد احتمال نازائی مرد بالا میرود.

سؤال ۳۶ - من یک دختر ۲۳ ساله هستم و با خودم هم ور می روم اما این ارگاسم که شما میگوئید به من دست نمی دهد، فقط یک احساس مطبوع ۴-۵ ثانیه. میشه منو راهنمایی کنین؟

جواب: این احساس شما به احتمال بسیار قوی همان ارگاسم شماست. شدت و حدت و حالات ارگاسم در همه زنان و دختران به یک نسبت نیست و به عوامل زیادی بستگی دارد. مهمتر از همه اینکه فرد خودش را ارضا شده حس کند.

سؤال ۳۷ - چند وقت پیش پرده دوست دخترم را زدم، اما هنوز از ناحیه فرج درد دارد. چرا؟

جواب: در اینجا زمان مهم است، یعنی چند وقت پیش اینکار را کردید؟ اگر مدتی گذشته، احتمال عفونت آلت تناسلی وجود دارد. مطلب مربوط به درد و ناراحتی حین سکس در همین شماره را بخوانید.

سؤال ۳۸ - چرا من مثل دوستانم خواب نمی بینم که منی از من خارج شود؟

جواب: بدن پسران یا مردان هر روز مقدار معینی اسپرم یا منی تولید میکند، اگر کسی با جلق زدن یا سکس این منی را دفع نکند، مقدار منی جمع شده که از ظرفیت گنجایش بیضه ها بیشتر شود، بدن خودبخود آن را دفع میکند که راه ساده آن همان احتلام یا خواب سکسی دیدن

و خروج منی است. حالا اگر کسی خودش جلق بزند یا سکس داشته باشد، دیگر بدن لزومی به اینکار ندارد و فرد خواب نمی‌بیند.

سؤال ۳۹- من دختر لاغری نیستم و همیشه این موضوع باعث ناراحتی من میشه چون پسرهای ایرانی وقتی دختری لاغر نیست، بهش توهین میکنند. من چون تپل هستم، هیچوقت حس جذب پسرها را ندارم چون باور دارم که برایشون جذابیتی ندارم. چکار کنم؟

سؤال ۴۰- مدتی است که دوست دخترم ترشحاتی دارد، سفید یا بی‌رنگ، از یک قطره تا یک قاشق و این روزها بیشتر شده. لطفاً راهنمایی کنید.
جواب: اگر بی‌رنگ است، ایرادی ندارد، اما اگر سفید است قطعاً نشان‌دهنده عفونت قارچی است که حتماً باید درمان شود.

سؤال ۴۱- علت اینکه کیر یک مرد راست میشه اما استقامت نمی‌آورد (راست بودنش خیلی کوتاه مدت است) چی می‌باشد؟

جواب: میتواند به علل بسیار زیادی باشد مثلاً عدم کفایت هورمونی، عدم استقامت روانی، افسردگی، فعالیت جنسی زیاد و... باشد. این حالت نیازمند آزمایشات و معاینات تکمیلی است.

سؤال ۴۲- آیا لزومی داره که شریک جنسی من بدونه که این دفعه اول منه که سکس میکنم؟

جواب: اگر نظر ما را بخواهی، بله. خیلی‌ها یکسری توقعات بیجا از طرف سکس خود دارند و اصلاً فکر نمی‌کنند که ممکن است طرف هیچ تجربه‌ای نداشته باشد. اعلام این مسئله باعث میشود که طرف شما توقعاتش را پائین بیاورد، به شما کمک کند، توضیح دهد، هوای حال و احساس شما را در نظر بگیرد و... این مسئله که گفته شد، هم برای پسران و هم برای دختران صدق میکند. اگر هم هر دو اولین بار است که سکس را تجربه میکنند، حتماً به هم گوشزد کنید. چون سکس هم مثل چیزهای دیگر تجربه می‌طلبد. مطلب استریت واکر در این شماره را حتماً بخوانید.

سؤال ۴۳- پسری هستم ۱۶ ساله و خیلی زود حشری میشوم، حتی اگر عکس و فیلم نبینم و کاری هم نکنم. چیکار کنم؟

جواب: حشری بودن در این سن و سال شما طبیعی است، بهار زندگی شما شروع شده و ترشحات غدد جنسی شما بکار افتاده، پس این حالت شما خیلی طبیعی است. اصلاً نگران نباشید.

سؤال ۴۴- شوهر من میگوید که واژن من خیلی داغ است و این باعث میشود که آبش زود بیاید. آیا این درست است؟

سؤال ۴۵- آیا دارویی برای رشد سینه زنان وجود دارد؟ من یک دختر ۲۵ ساله هستم.

جواب: برای رشد دارویی وجود ندارد اما برای بزرگ کردن آنها راههایی وجود دارد. شما باید با یک پزشک مشورت کنید تا معاینه شوید، چون بدون معاینه تجویز روش غیر ممکن است.

سؤال ۴۶- من چند وقت پیش بدجوری زمین خوردم طوری که کس ام چند دقیقه خیلی درد داشت. آیا این چیزها میتونه به پرده بکارت آسیب بزنه؟

جواب: بعید است به پرده بکارت شما آسیبی وارد شده، اما اگر نگران هستید، بهتر است معاینه شوید.

سؤال ۴۷- من از سؤال و جواب شما نفهمیدم که آیا به دختر میتونه خودش تشخیص بده که باکره هست یا نه؟ (یعنی اگه سکس داشته و حالا مطمئن نیست. همینطور اگه به دوستش بگه که توی آلتش (واژن) نگاه کنه، چی؟ یعنی دوستش میتونه پرده رو ببینه؟

جواب: اولاً قبل از هر چیز بستگی به آناتومی بدن خود دختر دارد، دوماً اگر خودش با معاینه آشنا باشد ممکن است بتواند اما در غیر اینصورت خیر. دوستش هم همینطوری با نگاه کردن، نمیتواند تشخیص دهد.

یک مسئله هم یادتان باشد که طبق آخرین تحقیقات از هر سه تا پنج دختر یک نفر آنها بدون پرده بکارت متولد میشوند.

سؤال ۴۸- دانشجوی ۲۱ ساله هستم. ۶-۵ سال پیش سوزش ادرار داشتم، پزشک مجاری ادرار رفته و آزمایش داده ام و از کلیه ام هم عکس برداری شده. همه گفته اند که یک کمی باکتری داری و با سیپروفلوکساسین خوب میشه. این دارو کمی اثر داشت اما بعدش همان آس و همان کاسه. ازم خواستند که استمنا بکنم اما موفق نشدم، اما حالا موقع استمنا هم همین سوزش را دارم.

البته انقطاع ادرار ندارم. شما چه میگوئید؟

جواب: شما باید مجدداً آزمایش ادرار (U/A و U/C) بدهید تا دوباره بررسی شود. اما این نکته لازم به ذکر است که اگر شما داروی آنتی بیوتیک (سیپروفلوکساسین) خود را کامل یا سر موقع نخورده باشید، این دارو اثر نکرده است. در هر صورت شما نیاز به تکرار آزمایش دارید. در مورد استفاده از داروی زیناسف یا همان کفوروکسیم (یک و نیم گرم یا ۷۵۰ میلی گرم) هم با پزشک خود مشورت کنید.

سؤال ۴۹- یک دختر چندبار پشت سر هم میتونه ارگاسم بشه؟ یک مرد چطور؟

جواب: برای تعداد دفعات ارگاسم یک زن یا انزال یک مرد، یک نسخه حاضر و آماده وجود ندارد. بستگی به سن، تعداد دفعات سکس آنها، توان و نیروی جنسی و خیلی مسائل دیگر دارد. اما اختلاف اینجاست که معمولاً وقتی زن یا دختری ارگاسم میشود، به وقت خیلی کمتری نیاز دارد که دوباره حشری شود و به ارگاسم برسد، از چند ثانیه تا چند دقیقه (شاید هم بیشتر-بستگی به فرد دارد)، درحالی که یک پسر یا مرد بعد از خروج منی، به وقت بیشتری احتیاج دارد تا دوباره بتواند راست کند و به انزال برسد. (این هم بستگی به فرد دارد). منظور اینکه فاصلح دو ارگاسم در زنان کوتاهتر از فاصله دو انزال در مردان است. از جمله به همین دلیل هم هست که میگویند زنان بیشتر از مردان از سکس لذت می برند.

سؤال ۵۰- من خیلی دلم میخواهد که یه دوست پسری داشته باشم که نسبت به هم وفادار و پشت و پناه هم باشیم، چون پسرای ایرونی خیلی گندشو درآوردن. شما میگرد چکار کنم؟

جواب: مطلب حرف دل دختران در همین شماره را بخوانید. از آن گذشته وقتی میخواهید دوست پسر بگیرید، ارزشها و معیارهای خود را بطور روشن و واضح به ایشان بگوئید و معیارهای طرف خود را هم بشناسید، اگر توافق داشتید که چه بهتر و گرنه بدنبال گمشده خود باشید، حتماً خواهید یافت.

سؤال ۵۱- فایده و خواص پستان در مردها چیست؟ آیا مردان دیگر هم مثل

من در نوک پستان خود حساس هستم؟

جواب: پستانهای مردان همان خواص و کارکردی را ندارند که در پستانهای زنان وجود دارد اما همانطور که گفته‌اید پستانها و بخصوص نوک پستانها در مردان هم یکی از نقاط حساس و تحریک آمیز جنسی هستند و اگر کسی آنها را با دهان بمکد یا با دست نوک آنها را تحریک کند، به حشری شدن مرد منجر میشود. یادتان باشد که افراد مختلف هستند و ممکن است مردانی هم باشند که از اینکار کمتر و یا اصلاً تحریک نشوند.

سؤال ۵۲- آیا افراد دوجنسگرا یا همان بای سکشوال خالص هم در دنیا وجود دارند؟

جواب: بله، افرادی (چه زن و چه مرد) که بطور کامل به هر دو جنس گرایش دارند و بطور مساوی از هر دو جنس لذت می‌برند وجود دارند. بعضی‌ها بر این باور هستند که همه انسانها دوجنسگرا می‌باشند اما مقدار گرایش به این یا آن جنس در افراد متفاوت است و در یکسری از افراد نسبت هردو گرایش یکسان است و بای سکشوال کامل هستند. اتفاقاً در کشورهای آزاد این افراد هم گروه‌های خاص خود را دارند. اما بعضی افراد همجنسگرا هم وجود دارند که بخاطر پیشداوریهای منفی جامعه درباره همجنسگرایی، نمی‌خواهند خود را همجنس‌خواه کامل معرفی کنند و در نتیجه میگویند که دوجنسگرا هستند.

۲۱- تماس با سه کاف

از آنجا که انتشار سه کاف پایان یافته و شماره جدیدی منتشر نخواهد شد، خواهش می‌کنیم از ارسال سؤال، داستان، عکس و هر مطلب دیگری خودداری کنید.

فقط دوستانی که به شکلی مشکل خواندن سه کاف را دارند یا کسانی که مایلند سه کاف بصورت پی دی اف برای آنها ارسال شود، میتوانند تقاضای خود را ارسال نمایند.

آدرس برای تماس: cekaf@cekaf.com

آخرین مطلب شماره ۳۰ سه کاف یک گالری عکس (ویژه سال نو عید نوروز) است که ۶۰ عکس مختلف در آن گنجانده شده است، اما از ارسال عکس به دوستان دریافت کننده پی دی اف، معذوریم.